

# ازدواج و شروط ضمن عقد



سازمان بحسنیت ملی کشور  
سازمان بهرستی استان قم



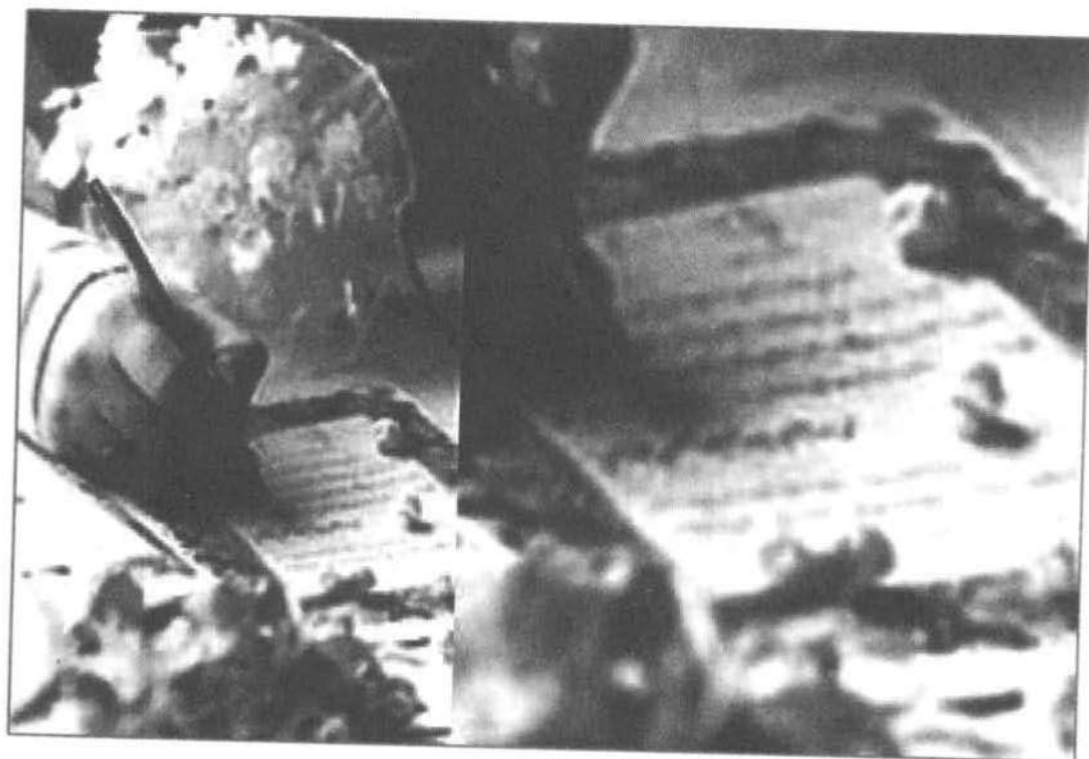
مؤلفین :

علی نجفی ، حیدر دوست کافی ، سمیه برقراری ، ابوالفضل لطفعلی زاده

الله اعلم  
بالحق



# ازدولج و شروط ضمن عقد



تالیف و گردآوری:

- حیدر دوست کافی
- ابوالفضل لطفعلی زاده
- سمیه برقراری
- علی نجفی

این کتاب با استفاده از اعتبارات تخصیصی دفتر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور چاپ گردیده است

سرشناسه	: نجفی . علی (و دیگر مؤلفان)
عنوان و نام پدیدآورنده	: ازدواج و شروط ضمن عقد /
مشخصات نشر	: قم: آیین دانش ، ۱۳۹۱
مشخصات ظاهری	: ۱۶۰ ص
شابک	: ۴۰/۰۰۰ ریال:
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: ازدواج
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۸
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۱۰۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۸۵۰۱۱۶
	978-600-6384-11-5
	Bp ۶۰/۶/م۳
	آ۸

### ازدواج و شروط ضمن عقد

- مؤلفان: علی نجفی ، حیدر دوست کافی، سمیه برقراری، ابوالفضل لطفعلی زاده
- ناشر: آیین دانش
- تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه
- چاپ: دانش
- نوبت و سال چاپ: اول / ۱۳۹۱
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۸۴-۱۱-۵

## فهرست

۷.....	پیشگفتار
۹.....	<b>فصل اول: آشنایی با شروط ضمن عقد</b>
۱۱.....	مقدمه
۱۲.....	شروط ضمن عقد، شروطی برای زیستن زیر سقف مشترک
۱۴.....	شرایط ضمن عقد ازدواج مندرج در سند ازدواج
۱۷.....	شروط ضمن عقد به زبان ساده
۲۲.....	آسیب شناسی شروط ضمن عقد
۲۵.....	<b>فصل دوم: ازدواج و شروط ضمن عقد از منظر روانشناختی</b>
۲۷.....	مقدمه
۲۹.....	الگوی یک ازدواج موفق
۳۰.....	شناخت ویژگی‌های شخصیتی خود و دیگری
۳۳.....	دلبستگی و شیوه‌های دوست داشتن
۳۶.....	چرا افراد ازدواج می‌کنند
۳۸.....	رابطه بین زندگی کاری و خانوداگی

۴۱.....	طلاق و جدایی
۴۳.....	سوالاتی برای قبل از ازدواج
۴۷.....	پرسشنامه هماهنگی و سازگاری زناشویی

### فصل سوم: ازدواج و شروط ضمن عقد از منظر حقوقی..... ۵۷

۵۵.....	مقدمه
۵۵.....	شروط ضمن عقد نکاح
۵۶.....	شرط ناظر بر امور مالی زوجین
۵۷.....	شروط ناظر به حق طلاق زوجه
۵۸.....	شروط دوازده گانه
۶۰.....	شرایط وجوب نفقه
۸۷.....	نتیجه گیری و پیشنهادها

### فصل چهارم: ازدواج و شروط ضمن عقد از منظر جامعه شناختی. ۹۱

۹۳.....	مقدمه
۹۴.....	اهمیت و ضرورت موضوع از دید جامعه شناختی
۹۶.....	ازدواج، فرهنگ و شروط ضمن عقد
۹۹.....	باورهای نادرست افراد درباره ازدواج
۱۰۲.....	اهمیت ازدواج و نقش خانواده ها
۱۰۶.....	بررسی شروط دوازده گانه از منظر جامعه شناختی

### ضمائم..... ۱۴۷

۱۴۹.....	واژگان شناسی
۱۵۲.....	معرفی سایت های حقوقی برای کسب اطلاعات بیشتر:
۱۵۷.....	فهرست منابع

## پیشگفتار

ازدواج یکی از مهمترین تصمیمات زندگی هر فردی به شمار می‌رود و با وقوع هر ازدواجی خانواده‌ای شکل می‌گیرد که قرار است در آینده فرزندان را تحویل این اجتماع داده و موجب رشد و پویایی جامعه گردد حال سوال اینست که اگر این ازدواج که پایه و اساس نهاد خانواده و در نهایت جامعه می‌باشد آگاهانه و به هنگام صورت نگیرد چه تاثیر مخرب و نگران کننده‌ای در جامعه خواهد گذاشت اندک توجهی به پدیده شوم طلاق و تبعات اجتماعی و فرهنگی آن به وضوح این مسئله را به تصویر می‌کشد

همه افراد از زندگی زناشویی خویش در آینده تصویرهایی روشن همراه با آرامش و لذت بردن از زندگی ترسیم می‌کنند اما چه تعداد از این افراد برای رسیدن به این هدف با افزایش دانش و مهارت زندگی

خود به ازدواج به هنگام، آگاهانه، پایدار و موفق می‌اندیشند از آنجا که موفقیت در مرحله ازدواج نیاز به خودآگاهی، دانش و مهارت دارد یکی از برنامه‌های سازمان بهزیستی ارائه آموزش‌های لازم به افراد در سن ازدواج تحت عنوان آموزش پیش از ازدواج می‌باشد که این آموزش‌ها از طرق مختلف همچون برگزاری کارگاه‌های آموزشی در محلات مختلف شهر با همکاری نهادهای دولتی و غیر دولتی، چاپ و توزیع کتاب و بروشور و برگزاری همایش‌ها و سمینارهای علمی-تحلیلی صورت می‌گیرد مجموعه حاضر نیز که با تلاش و هم‌فکری کارشناسان این سازمان و به همت دفتر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی معاونت امور فرهنگی و پیشگیری بهزیستی استان قم و در راستای ارتقاء دانش و مهارت زوج‌های جوان تهیه گردیده است به امید آنکه مفید فایده واقع گردد

در پایان از حمایت و مساعدت‌های مدیرکل محترم دفتر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور و کارشناسان محترم آن دفتر و سایر عزیزانی که در تهیه و تدوین و چاپ این کتاب همکاری داشته‌اند قدردانی می‌شود

ابراهیم حاجی مظفری

مدیر کل بهزیستی استان قم

فصل اول: آشنایی با شروط ضمن عقد



## مقدمه

روزی که سند ازدواج را امضا می‌کرد، خودش را سوار بر ابرها می‌دید. انگار دنیا مال او بود، رویاهایش به واقعیت تبدیل شده بود. آینده‌ای خوش و زیبا را در ذهنش می‌ساخت. آن روز فکر جدایی از ذهنش هم عبور نمی‌کرد. امروز بیش از ۲۴ سال ندارد اما کوله باری از تجربه تلخ روی شانه‌هایش سنگینی می‌کند.

ماجرا از آن روزی شروع شده که دعواهای کوچک زن و شوهری، خانه را تبدیل به جهنمی کرده و شوهر تصمیم به طلاق زن گرفته است. دختر فکر می‌کند، می‌تواند مانع این طلاق شود، اما افسوس که نه تنها نتوانست از صدور حکم طلاق جلوگیری کند، بلکه حتی نتوانست مهریه‌اش را بگیرد.

کلام قاضی را که به او گفته بود تنها می‌توانی لوازم شخصی و مقدار کمی از لوازم منزل را که با خود آوردی از شوهرت پس بگیری،

باور نمی‌کرد. اعتراض و فریادهایش به جایی نرسید چون خودش این گونه متعهد شده بود در آن هنگام که خود را سوار بر ابرها می‌دید، شوهرش هنگام عقد نکاح در سند ازدواج ذکر کرده بود زوجه حق مهر خود را ساقط کرده و او بی آن که بداند چیست، آن را امضا کرده بود.

### شروط ضمن عقد، شروطی برای زیستن زیر سقف مشترک

قبل از ورود به بحث ابتدا به تعریف شرط می‌پردازیم. برخی حقوقدانان و فقها شرط را این گونه تعریف کرده‌اند، امری که وقوع یا تاثیر عمل یا واقعه حقوقی خاص به آن بستگی داشته باشد، مانند شرایط صحت معامله که قصد، رضا، اهلیت، مشروعیت جهت معامله و معین بودن موضوع بیان شده است.

در تعریف دیگر شرط آورده‌اند: توافقی که برحسب طبیعت خاص موضوع یا تراضی طرفین در شمار توابع عقد آمده است بنابراین شرط، تعهدی است که ضمن تعهد دیگر درج می‌گردد و در اثر این امر، بستگی و روابط میان آن دو تعهد ایجاد می‌شود که شرط، صورت تعهد تبعی به خود می‌گیرد.

واقعیت انکار ناپذیر این است که زنان پس از ازدواج از حقوقی به مراتب کمتر از شوهران خود برخوردارند. در حالی که طلاق، حضانت فرزندان و... حق مرد است، زن باید برای سفر به خارج از کشور، ادامه تحصیل و شغل رضایت شوهرش را کسب کند. بتازگی می‌بینیم که دختران جوان همراه شوهران آینده خود ضمن آن که اعتقاد دارند این قوانینی ناعادلانه است و باید تغییر کند، با نگرفتن مهریه خواستار افزایش شروطهایی مثل حق طلاق، نصف شدن دارایی مشترک،

حضانت، سفر و کار برای زن شده‌اند؛ اما از آنجا که جامعه و بسیاری از خانواده‌ها آمادگی روبه رو شدن با این تصمیم را ندارند، عملاً به مشکلاتی برخورد کرده‌اند.

نکاتی که در این مجموعه می‌خوانید، تقدیم می‌شود به همه کسانی که تصمیم گرفته‌اند مثل دو انسان برابر، زندگی خود را شروع کنند تا شاید کمی از مشکلات اجتماعی به این گونه حل شود.

یک توصیه: عروس و دامادهای عزیز، اگر قصد دارید شرایطی را به عقدنامه‌های خود بیفزایید لطفاً چند روز پیش از زمان تعیین شده برای عقد به دفتر خانه مراجعه کنید و شرایط خود را به سردفتر اعلام کنید، چون گاهی یک بی دقتی یا نارسایی جمله در عقدنامه باعث می‌شود شرط کاملاً از اثر بیفتد و دادگاه‌ها آن را باطل یا بدون اثر بدانند لذا به دقت آنچه می‌خواهید را برای سردفتر تشریح کنید

ماده ۱۳ آیین نامه دفتر ثبت ازدواج و طلاق مصوب ۱۳۱۰ بصراحت می‌گوید: سایر شروط ضمن عقد نکاح و یا ضمن عقد لازم دیگر که بین زوجین مقرر شده است، باید در دفتر ثبت نکاح و طلاق قید شود. «همچنین طبق آیین نامه برای ثبت ازدواج و شروط ضمن آن نیازی به شهادت شهود نیست

ماده ۵۲ قانون دفتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۱۶ می‌گوید: «سردفتران و دفتریاران حق ندارند از تنظیم و ثبت سندی امتناع ورزند، مگر آن که مفاد سند یا ثبت آن مخالف با قوانین و اخلاق حسنه باشد که در این صورت باید کتبا به تقاضاکننده علل امتناع را اطلاع دهند.

ماده ۴ قانون راجع به ازدواج مصوب ۱۳۱۰ روشن می‌کند که اضافه کردن شروط ضمن عقد نه تنها مخالف قانون یا اخلاق حسنه

نیست، بلکه کاملاً در قانون پیش بینی شده است: «طرفین عقد ازدواج می توانند هر شرطی را که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد، در ضمن عقد ازدواج با عقد لازم دیگر بنمایند.»

ماده ۱۱ همین قانون می گوید: «تعیین منزل زن با شوهر است، مگر خلاف آن شرط شده باشد.» بنابراین بر اساس این مواد هرگاه سردفتر یا دفتریاری از ثبت اسناد مربوط به شروط ضمن عقد ازدواج خودداری کرد، می توان از او به اداره امور ثبت اسناد شکایت کرد تا به تخلفش رسیدگی شود.

### شرایط ضمن عقد ازدواج مندرج در سند ازدواج

الف) عقد نکاح / خارج لازم: زوجه شرط نمود هرگاه طلاق بنا به درخواست زوجه نباشد و طبق تشخیص دادگاه تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوء اخلاق و رفتار وی نبوده زوج موظف است تا نصف دارایی خود را که در ایام زناشویی با او بدست آورده یا معادل آن را طبق نظر دادگاه بلا عوض به زوجه منتقل کند.

امضای زوج  
امضای زوجه

ب) ضمن عقد نکاح / خارج لازم: زوج به زوجه وکالت بلا عزل با حق توکیل غیر داد که در موارد مشروحه زیر با رجوع به دادگاه و اخذ مجوز از دادگاه پس از انتخاب نوع طلاق خود را مطلقه نماید و نیز به زوجه وکالت بلا عزل با حق توکیل غیر داد تا در صورت بذل از طرف او قبول نماید.

امضای زوج  
امضای زوجه

مواردی که می تواند حسب مورد از دادگاه تقاضای صدور اجازه

طلاق نماید به شرح زیر است:

۱. استنکاف شوهر از دادن نفقه زن به مدت شش ماه به هر عنوان و عدم امکان الزام او به تأیید نفقه و همچنین در موردی که شوهر سایر حقوق واجبه زن را به مدت شش ماه وفا نکند و اجباراً ایفا هم ممکن نباشد.

امضای زوجه

امضای زوج

۲. سوء رفتار و یا سوء معاشرت زوج به حدی که ادامه زندگی را برای زوجه غیر قابل تحمل نماید.

امضای زوجه

امضای زوج

۳. ابتلاء زوج به امراض صعب العلاج به نحوی که دوام زناشویی برای زوجه مخاطره آمیز باشد.

امضای زوجه

امضای زوج

۴. جنون زوج در مواردی که فسخ نکاح شرعاً ممکن نباشد.

امضای زوجه

امضای زوج

۵. عدم رعایت دستور دادگاه در مورد منع اشتغال زوج به شغلی که طبق نظر دادگاه صالح منافی با مصالح خانوادگی و حیثیت زوجه باشد.

امضای زوجه

امضای زوج

۶. محکومیت شوهر به حکم قطعی به مجازات پنج سال حبس یا بیشتر یا به جزای نقدی که بر اثر عجز از پرداخت منجر به پنج سال بازداشت شود یا به حبس و جزای نقدی که مجموعاً منتهی به پنج سال یا بیشتر بازداشت شود و حکم مجازات در حال اجرا باشد.

امضای زوجه

امضای زوج

۷. ابتلاء زوج به هر گونه اعتیاد مضرى که به تشخیص دادگاه به اساس زندگی خانوادگی خلل آورد و ادامه زندگی برای زوجه دشوار باشد.

امضای زوج

امضای زوجه

۸. زوج زندگی خانوادگی را بدون عذر موجه ترک کند. تشخیص ترک زندگی خانوادگی و تشخیص عذر موجه با دادگاه است و یا شش ماه متوالی بدون عذر موجه از نظر دادگاه غیبت نماید.

امضای زوج

امضای زوجه

۹. محکومیت قطعی زوج در اثر ارتکاب جرم و انجام هر گونه مجازات اعم از حد و تعزیر در اثر ارتکاب جرمی که مغایر با حیثیت خانوادگی و شئون زوجه باشد. تشخیص اینکه مجازات مغایر با حیثیت و شئون خانوادگی است با توجه به وضع و موقعیت زوجه و عرف و موازین دیگر با دادگاه است.

امضای زوج

امضای زوجه

۱۰. در صورتی که پس از گذشت پنج سال زوجه از شوهر خود به جهت عقیم بودن و یا عوارض جسمی دیگر زوج صاحب فرزند نشود.

امضای زوج

امضای زوجه

۱۱. در صورتی که زوج مفقودالاثرا شود و ظرف شش ماه پس از مراجعه زوجه به دادگاه پیدا نشود.

امضای زوج

امضای زوجه

۱۲. زوج همسر دیگری بدون رضایت زوجه اختیار کند یا به تشخیص دادگاه نسبت به همسران خود اجرای عدالت ننماید.

امضای زوج

امضای زوجه

## شروط ضمن عقد به زبان ساده

### شروط ضمن عقد چیست و چرا مهم است؟

ازدواج تنها یک پیوند عاطفی و اخلاقی میان دو انسان نیست. زن و شوهر پس از ثبت رسمی ازدواج، وارد توافقی دو جانبه می‌شوند که معمولاً نظام قانونی هر کشور برای آن چارچوب مشخصی تعریف کرده‌است. این چارچوب حقوقی در کشورهای مختلف متفاوت است اما در همه کشورها برآمده از سنت، عرف، تجربه بشری، مذهب و اصول پایه‌ای علم حقوق یا معاهدات بین‌المللی است. البته در هر کشور سهم هر یک از این منابع در تدوین چارچوب حقوقی حاکم بر ازدواج متفاوت است. برخی کشورها عرف و دانش بشری را در اولویت قرار داده‌اند و برخی کشورها نظیر ایران، صرفاً بر تعالیم مذهبی و آموزه‌های فقهی در تدوین قوانین خانواده تاکید داشته‌اند. به همین دلیل قضاوت درباره چارچوب حقوقی حاکم بر خانواده کار ساده‌ای نیست زیرا افراد متفاوت بر اساس عقاید، دانش و تجربیات متفاوت خود قضاوت‌های متفاوتی دارند. اما همه این آدم‌ها در یک چیز مشترکند: آنها تلاش می‌کنند دست کم در چارچوب نظام حقوقی موجود شرایط عادلانه و آرامش‌بخشی برای خود ایجاد کنند. زن و مرد هنگامی که می‌پذیرند با هم ازدواج کرده و همسر یکدیگر شوند و این توافق را در دفاتر رسمی ثبت می‌کنند پذیرفته‌اند که قانون بر مناسبات زناشویی آنها حاکم شود.

بر اساس قانون مدنی ایران، ازدواج یک عقد قانونی است که در آن حقوق و تکالیف متفاوتی به زن و مرد داده می‌شود. با امضای سند ازدواج، زن برخی از حقوق مدنی و معنوی خود همچون حق سفر،

داشتن شغل، انتخاب محل زندگی و مسکن، ولایت بر فرزندان و جدایی از همسر (طلاق) را از دست می‌دهد و حقوق مادی همچون مهریه و نفقه را به دست می‌آورد

طرفین عقد می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند مثل اینکه شرط شود هرگاه شوهر زن دیگر بگیرد یا در مدت معینی غایب شود، یا ترک انفاق نماید یا بر علیه حیات زن سوء قصد کند یا سوء رفتاری نماید که زندگی آنها با یکدیگر غیر قابل تحمل شود، زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه نهایی خود را مطلقه سازد.

توضیح این نکته ضروری است که شرط مخالف مقتضای عقد شرطی است که با فلسفه عقد در تضاد است که البته در این مورد نظرات مختلفی وجود دارد. بعضی از فقها عقیده دارند فلسفه عقد ازدواج، تشکیل خانواده و تمتع جنسی زوجین از یکدیگر است، در حالی که اجماع فقها بر این است که زن می‌تواند شرط عدم رابطه جنسی بگذارد و منع شرعی ندارد.

شرط موافق مقتضای عقد شرطی است که با مقتضای عقد مخالف نبوده و در صورت توافق طرفین می‌توان آن را جایگزین قانون نمود. شروط ضمن عقد راه‌حلی است برای جبران مشکلاتی که ممکن است در آینده در زندگی مشترک خانوادگی بروز کند. آشنایی با این راه‌حل به زنان اجازه می‌دهد تا زمانی که قوانین اصلاح شود، از این شروط برای جبران کمبودهای حقوقی خود استفاده کنند و در صورت بروز اختلاف تا حدودی از حقوق خود دفاع کنند.

بنابراین از سال ۱۳۶۰ به بعد در سند ازدواج که از طرف اداره ثبت اسناد چاپ می‌شود شروطی به عنوان «شرط ضمن‌العقد» پیش‌بینی شده است و سردفتر مکلف است قبل از اجرای صیغه عقد آنها را برای زوجین قرائت و مفهوم آنها را به زوجین برساند تا در مقابل هر شرطی که مورد قبول آنهاست متفقا امضا کنند. باید افزود که زوجین می‌توانند علاوه بر شروط چاپ شده در قباله نکاحیه هر شرطی را که مایل باشند و خلاف مقتضای عقد نباشد به آن اضافه کنند، از جمله زن می‌تواند شرط کند که اجازه خروج از کشور را دارد و مرد نمی‌تواند مانع از خروج او گردد و یا زن حق انتخاب مسکن و یا ادامه تحصیل و اشتغال به کار و حق حضانت اطفال در صورت وقوع طلاق را داشته باشد. برخی این عمل قانونگذار را در راستای جبران لغو قانون حمایت خانواده تلقی کرده‌اند.

شروطی که در قباله‌های ازدواج مندرج است به قرار زیر است:

۱- ضمن عقد ازدواج زوج شرط نموده که هرگاه طلاق به درخواست زوجه نباشد و طبق تشخیص دادگاه تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسررداری یا سوءاخلاق و رفتار او نباشد، زوج موظف است تا نصف دارایی موجود را که در ایام زناشویی با او به دست آورده یا معادل آن را طبق نظر دادگاه، بلاعوض به زوجه منتقل نماید.

۲- ضمن عقد نکاح، زوج به زوجه وکالت بلاعزل با حق توکیل غیر داد که در موارد مشروحه ذیل با رجوع به دادگاه و اخذ مجوز دادگاه پس از انتخاب نوع طلاق خود را مطلقه نماید و نیز به زوجه وکالت بلاعزل با حق توکیل غیر داد تا در صورت بذل از طرف او قبول

کند (یعنی اگر زن مهریه خود را ببخشد زن وکالت خواهد داشت این بخشش را به جای شوهرش قبول کند). این موارد عبارتند از:

(الف) استنکاف شوهر از دادن نفقه به مدت ۶ ماه به هر عنوان و عدم امکان الزام او به تأدیه نفقه و همچنین در موردی که شوهر سایر حقوق واجبه زن را به مدت ۶ ماه ایفا نکند و اجبار او به ایفا هم ممکن نباشد.

(ب) سوء رفتار یا سوء معاشرت زوج به حدی که ادامه زندگی را برای زوجه غیرقابل تحمل نماید.

(ج) ابتلای زوج به امراض صعب‌العلاج به نحوی که دوام زناشویی برای زوجه مخاطره‌انگیز باشد.

(د) جنون زوج در مواردی که فسخ نکاح شرعاً ممکن نباشد. (منظور جنون ادواری است)

(ه) عدم رعایت دستور دادگاه در مورد منع اشتغال زوج به شغلی که طبق نظر دادگاه صالح، منافی با مصالح خانوادگی و حیثیت زوجه باشد (مثلاً زوج گدایی کند)

(و) محکومیت شوهر به حکم قطعی به مجازات ۵ سال حبس یا بیشتر یا به جزای نقدی که مجموعاً منتهی به ۵ سال یا بیشتر بازداشت شود و حکم مجازات در حال اجرا باشد. در تمام این موارد، در صورتی حق طرح دعوی طلاق برای زن ایجاد می‌شود که حکم قطعی محکومیت شوهر صادر شود و مرد در زندان باشد.

(ز) ابتلای زوج به هرگونه اعتیاد مضر که به تشخیص دادگاه به اساس زندگی خانوادگی خلل وارد آورد و ادامه زندگی را برای زوجه دشوار نماید.

(ح) زوج، زندگی خانوادگی را بدون عذر موجه ترک کند (تشخیص ترک زندگی خانوادگی و تشخیص عذر موجه با دادگاه است) و یا ۶ ماه متوالی بدون عذر موجه از نظر دادگاه غیبت کند.

(ط) محکومیت قطعی زوج در اثر ارتکاب جرم و اجرای هرگونه مجازات اعم از حد و تعزیر در اثر ارتکاب جرمی که مغایر با حیثیت خانوادگی و شؤون زوجه باشد. تشخیص این که مجازات مغایر با حیثیت خانوادگی است با توجه به وضع و موقعیت زوجه و عرف و موازین دیگر با دادگاه است.

(ی) در صورتی که پس از گذشت ۵ سال، زوجه از شوهر خود به جهت عقیم بودن و یا عوارض جسمی دیگر صاحب فرزند نشود.

(ک) در صورتی که زوج مفقودالاثر شود و ظرف ۶ ماه پس از مراجعه زوجه به دادگاه پیدا نشود.

(هـ) زوج بدون رضایت زوجه همسر دیگری اختیار کند یا به تشخیص دادگاه بین همسران خود به عدالت رفتار ننماید.»

شایان ذکر است که این شروط با الهام از مواد ۸ و ۱۶ قانون حمایت خانواده (۱۳۵۳) نوشته شده‌اند که در آن مواد شروط مربوط به تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش و اختیار همسر دوم توسط مرد گنجانیده شده بود.

به نظر می‌رسد که این تمهید پیش از اصلاح ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی اقدامی مفید بود و می‌توانست در رهایی زن از بسیاری عسر و حرجها به کار آید ولی با اصلاح این ماده تا حدود زیادی از این فایده کاسته شده است چرا که گستره حکم قانون خود این وسیله را فراهم می‌آورد و نیاز به شرط وکالت را کاهش می‌دهد. به موجب ماده ۱۱۳۰

قانون مدنی، «در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند چنانچه عسر و حرج در محکمه ثابت شود دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود.»

### آسیب شناسی شروط ضمن عقد

تعهدات زیادی برای زوج و زوجه در سند ازدواج قید شده که گاهی زن و شوهر بدون اطلاع از مفاد آن خود را پایبند این تعهدات کرده و در برخی موارد نیز آگاهانه یا ناآگاهانه و حتی بدون مطالعه هر یک از طرفین همه شرایط قید شده در سند ازدواج را می‌پذیرند و ذیل این تعهدات را امضاء می‌کنند. از سوی دیگر عدم توجه به همه جوانب زندگی و عدم سازش‌های احتمالی از سوی زن و شوهر یا عدم دقت درباره انتخاب همسری ایده‌ال برای یک زندگی طولانی - البته پس از گذشت روزهای احساسی پس از ازدواج - مشکلاتی را برای زوجین و غالباً برای زنان به همراه می‌آورد که یافتن چاره پس از امضاء عقدنامه و پذیرش شروط آن یا عدم مدنظر قرار دادن برخی شروط ممکن دیگر، راه را برای بازگشت به گذشته دشوارتر می‌کند. ممکن است در روزهای سخت زندگی و زمانی که کار زن و شوهر به دادگاه بیفتد هر کدام از آنها از روی اجبار به سند ازدواج مراجعه و نسبت به تعهداتی که بواسطه امضاهای دائمی ایجاد کرده‌اند آگاهی حاصل کنند و تازه متوجه شرایط ضمن عقد شوند.

زنان زیادی در دنیا بر این باورند که در قوانین و شرایط ازدواج بسته

به شرایط مقررات هر کشور، توجه کمتری به حقوق آنها شده است و قریب به اتفاق این قوانین به نفع مردهاست. کافی است سری به راهروهای دادگاه خانواده بزنید تا از نزدیک شاهد این موارد باشید. خانمی میانسال که بسیار نگران و عصبی به نظر می‌رسد در دادگاه خانواده می‌گوید: «۶ ماه است به دلیل اعتیاد شوهرم درخواست طلاق داده‌ام اما هنوز نتوانسته‌ام، راه به جایی ببرم...». دیگری که مهریه‌اش را مطالبه کرده، می‌گوید: «مردهای ما در ایران فقط زمانی که اختلاف داشته باشند و نخواهند زندگی مشترک را ادامه بدهند، مهریه همسرشان را پرداخت می‌کنند...».

وکلائی دادگستری در مورد اینکه چرا برخی زنان برای گرفتن طلاق که حق نیز با آنهاست باید مدت‌های زیادی در دادگاه‌های خانواده سرگردان باشند، می‌گویند: زوجین آزاد هستند هر شرطی را که خلاف قانون نباشد در شرایط نکاح و عقد در سند ازدواج و یا در سند جداگانه‌ای بیاورند و در صورت قبول زوج یا زوجه آن سند امضا می‌شود که در این صورت خدای نکرده در هنگامی که شرایط و قصد جدایی حاصل شود زن، کمتر گرفتار دادگاه و رفت‌وآمدهای آن خواهد شد.

بر این اساس، در حال حاضر آن چه که در قوانین ایران معمول است شروط ۱۲ گانه‌ای است که در سند ازدواج وجود دارد و معمولاً زن و شوهر در هنگام عقد آنها را با امضاء می‌پذیرند. عدم پرداخت نفقه از طرف شوهر به مدت ۶ ماه، سوءرفتار، غیبت بیش از ۶ ماه، محکومیت به حبس بیش از ۵ سال، اعتیاد، اختیار کردن همسر دیگری بدون رضایت همسر اول یا عدم رعایت عدالت بین همسران و امثالهم از جمله شروطی است که اگر تحقق پیدا کند زن در گرفتن طلاقش

وکیل است، اما مشکلی که وجود دارد دشواری اثبات تحقق بسیاری از این موارد است.

... آقا آزمایش می‌دهد و چون داروهای خاصی مصرف کرده اعتیادش ثابت نمی‌شود، البته محاکمی هم هستند که می‌گویند چون در سند ازدواج قید شده اعتیاد مضرری که خللی بر اساس زندگی وارد آورد موجب اختیار حق طلاق برای زن خواهد بود، بنابراین اگر اعتیادی که شوهر دارد به نحوی نیست که اساس زندگی را ویران کند و همچنان که شوهر معتاد است، اگر کاسبی هم می‌کند این اعتیاد نمی‌تواند مورد پذیرش دادگاه باشد.

آیا شرایطی وجود دارد که برای طلاق نیاز به اثبات دلیل آن نباشد؟  
اگر سند ازدواج طوری تنظیم شود که خانم حق طلاق را بخواهد و شوهر هم آن را پذیرفته باشد، دیگر نیاز به اثبات امری برای طلاق در دادگاه نیست. چون شرطی وجود ندارد تا تحقق آن موجب وکالت زن در طلاق خودش شود، زیرا ابتدای ازدواج مرد حق طلاق را به همسرش داده است، بنابراین زن می‌تواند اقدام به تقدیم دادخواست طلاق کند و یا زوجین به یک دفتر اسناد رسمی مراجعه می‌کنند. سند ازدواج را به دفتردار نشان می‌دهند و زوج می‌گویند، می‌خواهم حق طلاق را به نحو بلاعزل به همسرم واگذار کنم، دفتر اسناد رسمی هم این کار را انجام می‌دهند و سند را تنظیم می‌کند حتی بعضی از دفاتر برای این موضوع ۵۰ و در مواردی ۹۰ سال را قید می‌کنند اما از نظر دادگاه همین که قید شود حق طلاق بلاعزل با خانم است دیگر نیاز به استعلام هم نیست. همین که زوجه به دادگاه مراجعه و این سند را ارائه دهد دادخواستی تنظیم و مراحل قانونی طی می‌شود.

فصل دوم: ازدواج و شروط ضمن عقد از

منظر روانشناختی



## مقدمه

از لحاظ نظری، خانواده واحد اجتماعی است که وجود آن برای رشد و تحول اعضای مختلف خود و جامعه ضروری است. نخستین گام به منظور بهبود بخشیدن به روابط خانوادگی سالم برنامه‌های آموزشی و پیشگیری زود هنگام است. بدون مراقبت، آموزش و آگاه‌سازی اعضای این واحد اجتماعی مهم، رشد و تحول عاطفی، فکری، انگیزشی و فرآیندهای یادگیری که لازمه سازگاری و انطباق پویا در درون نظام خانواده و بیرون از آن به شمار می‌رود، امکان‌پذیر نخواهد بود و اعضا در نظام خانواده، دچار نابهنجاری خواهد شد. امروزه میزان زیادی از نابهنجاری‌های روان‌شناختی و مشکلات بهداشت روانی ناشی از ارتباط‌های مختل، تعارض‌ها و کشمکش‌های درون خانوادگی و ناتوانی در حل مسائل زندگی است. تبادلهای مناسب درون خانواده سالم به انطباق و سازگاری با ثبات‌تر اجتماعی-

فردی اعضای خانواده کمک می کند.

مهمترین عامل پیش‌بینی کننده طلاق این نکته است که چگونه زوج‌ها هنگام مواجهه با اختلافات زناشویی می‌توانند عواطف منفی خود را تنظیم و کنترل کنند. آموزش مهارت‌های ارتباطی و کنترل عواطف قبل از ازدواج مهم‌ترین عامل پیش‌بینی کننده بازده روابط زناشویی بعدی است. در بسیاری از برنامه‌های غنی سازی ازدواج بر اهمیت تمرین‌های ارتباطی، روشن ساختن حیطه‌های عدم توافق، مفهوم انتظارات زوج‌ها از ازدواج و تأثیر این انتظارات بر روابط میان آن‌ها تأکید می‌شود. ازسوی دیگر مسائل شخصیتی هر یک از طرفین که می‌تواند در حال حاضر و در آینده مشکل‌ساز باشد بررسی می‌شود. همچنین شیوه ابراز احساسات منفی و شیوه پاسخ طرف مقابل به چنین حالت‌هایی آموزش داده می‌شود. به علاوه بر اهمیت روابط جنسی میان زوج‌ها در آینده نیز تأکید می‌گردد. پژوهشگران پس از سال‌ها مطالعه و پژوهش دراز مدت و مقطعی در زمینه تعیین و تشخیص عواملی که در دوره آماده‌سازی برای ازدواج می‌تواند میزان رضایت‌مندی بعدی و ثبات ازدواج را پیش‌بینی کند، به این نتیجه رسیده‌اند که عوامل و شاخص‌هایی را که زوج‌ها باید قبل از ازدواج به آن توجه داشته باشند می‌توان به ۳ دسته اصلی تقسیم کرد:

(۱) عوامل مربوط به تاریخچه هر یک از زوج‌ها که عبارتند از پویایی‌های خانوادگی هر یک از آن‌ها، میزان رضایت‌مندی والدین آن‌ها از ازدواجشان، رابطه با پدر و مادر، رابطه با سایر افراد خانواده، عوامل فشارآور خانوادگی، شیوه‌های حل تعارض والدین، عوامل اجتماعی-فرهنگی مثل میزان تحصیلات، قومیت، نژاد و میزان حمایتی که فرد از

سوی والدین و دوستان دریافت می‌کند.

۲) صفات و ویژگی‌هایی که به فرد و شخصیت او ارتباط دارد؛ به  
عنه ان نمونه می‌توان احترام به خویشان، مهارت‌های ارتباطی، سلامت  
جسمانی و سلامت عاطفی نام برد.

۳) فرآیندهای ارتباطی و تعاملی بین زوجها که شامل شباهت‌های  
فرهنگی، قومی، مذهبی، موقعیت‌های اجتماعی - اقتصادی، شباهت در  
نظام ارزشی، نگرشی، مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های حل مسئله  
است.

### الگوی یک ازدواج موفق

الف- ازدواج موفق، ازدواجی است که در آن زوج دیدگاه روشن  
و شفافی از فلسفه زندگی به طور کلی در زندگی خانوادگی و  
دستاوردهای آن به طور اختصاصی داشته، اهداف آنها نیز روشن باشد.  
این جنبه نیروی محرک قوی است که در زوج‌های موفق و همچنین در  
زندگی خانوادگی بعدی به چشم می‌خورد.

ب- ازدواج موفق، ازدواجی است که در آن زوجها کاملاً از نقاط  
قوت و ضعف خود، سوگیری‌ها، علایق و مهارت‌های خویش، آگاه  
باشند و این آمادگی را داشته باشند که برای پیشبرد این موارد مجهز  
شوند و این موارد را در شریک زندگی خود نیز رشد دهند. همچنین  
ازدواج موفق، ازدواجی است که نه تنها از خویشان، بلکه از شخصیت  
خاص همسر و ویژگی‌های جنسیتی او نیز شناخت کافی به دست آید.

ج- ازدواج موفق، ازدواجی است که در آن زوج می‌تواند تعامل و  
ارتباط بین خانواده و محیط بیرون از خانواده، یعنی خانواده‌های

یکدیگر، دوستان و آشنایان را به طور کارآمد و با کفایت کنترل و تنظیم نماید.

د- ازدواج موفق، ازدواجی است که در آن زوجها بتوانند به گونه‌ای موثر و با کفایت از امکانات خانواده برای دستیابی به اهداف مشترک خانواده استفاده بهینه نمایند.

### شناخت ویژگی‌های شخصیتی خود و دیگری

صفات شخصیتی که بیشترین اهمیت را در ثبات زندگی زناشویی دارد می‌توان چنین برشمرد: اعتماد به نفس و احترام به خویشتن، جرأت‌مندی، آرامش، سازمان‌بندی، انعطاف‌پذیری، مردم‌آمیزی، رشد و پختگی عاطفی - هیجانی، احساس رضایت‌مندی و شادکامی از زندگی.

صفات شخصیتی منفی که بیشترین آسیب‌پذیری را به زندگی زناشویی وارد می‌کند عبارتند از: منفی‌گرایی بیش از حد، وابستگی و نیازمند بودن، کناره‌گیری و ایجاد فاصله از دیگری، سلطه‌جویی و قدرت‌طلبی، عدم ابراز عواطف و احساسات و یا ابراز عواطف منفی.

به طور کلی بیان عواطف و احساسات، ابزار مهمی در افزایش رشد و تحول شخصیتی افراد است. هر قدر افراد به لحاظ عاطفی رشد یافته‌تر باشند، در آینده ارتباط بین سیستم خانواده آن‌ها بهتر خواهد بود.

روابط میان زوجها می‌تواند متقارن یا مکمل باشد. در نوع اول، رقابت میان زوجها زیاد است. در حالی که در نوع دوم که بر مبادله متقابل و دو جانبه تأکید می‌شود و قدرت و توزیع قدرت بین زوجها متعادل، متناسب و عادلانه است.

ازدواج‌های مختل چه ویژگی‌هایی دارد؟

۱. ارتباط متقابل عاطفی منفی در زوج‌های نابسامان وجود دارد.
۲. منفی‌گرایی نسبت به مثبت‌گرایی بیشتر است.
۳. جریان عاطفی مثبت کمی، وجود دارد.
۴. انتقاد کردن، دفاعی عمل کردن، توهین و تحقیر کردن و روابط را به بن‌بست کشاندن مشاهده می‌شود.
۵. شواهد بیشتری از الگوهای رفتاری نیازمند در زنان و کناره‌گیری نیز در مردان، در این زوج‌های نابسامان دیده می‌شود.
۶. ارائه اسنادهای منفی و پایدار درباره شریک زندگی و ارائه روایت‌های منفی درباره ازدواج و شریک زندگی در زوج‌های نابسامان.

۷. برانگیختگی فیزیولوژیک بیشتر در زوج‌های نابسامان.

سبب شناسی این الگوهای کارکردی مختل که عامل پیش‌بینی‌کننده نابسامانی ازدواج و سرانجام طلاق است، نشان می‌دهد که این هفت الگوی مختل، نتیجه نهایی سه فرآیند مرتبط با یکدیگر است: نخستین فرآیند، نسبت کمتر مثبت‌گرایی به منفی‌گرایی حتی در تعامل‌های غیرتعارض‌آمیز است. تعامل‌های غیرتعارض‌آمیز در درجه اول شامل تعامل‌های روزمره و معمولی زندگی است که می‌تواند به روی آوری یا رویگردانی زوجها از یکدیگر منجر شود. به عنوان مثال یکی از زوجها می‌خواهد مطلبی را بیان کند در حالی که دیگری در شرایطی است که عجله دارد و فرصت کافی برای گوش دادن به مطلب دیگری را ندارد. نمونه‌ای از پاسخ‌های رویگردانی این است که «من حالا وقت شنیدن این موضوع را ندارم»، در حالی که نمونه‌ای از یک پاسخ روی آوری این است که: «اگر چه عجله دارم ولی موضوع را

برایم تعریف کنید.» میزان بیشتر رویگردانی به روی آوری متضمن وجود لحظه‌ای است که «هیجان و علاقه یکطرفه» نامیده می‌شود. در این لحظات به هیجان و علاقه یکی از طرفین، توسط دیگری پاسخ داده نمی‌شود و نیز لحظاتی از «بیقراری یکطرفه» وجود دارد که در آن به خشم و برانگیختگی یکی از طرفین توسط دیگری توجه نمی‌شود. فقدان چنین واکنش‌پذیری‌هایی سرانجام به انتقادگرایی می‌انجامد.

ثبت بیشتر روی آوری به روی گردانی به جریان عاطفی مثبت تبدیل می‌شود. در حالی که ثبت بیشتر کناره‌گیری و روی گردانی به جریان عاطفی منفی تبدیل می‌شود. تسکین دادن و آرامش بخشیدن فیزیولوژیک به دیگری با استفاده از انواع عواطف مثبت (ابراز علاقه، محبت، تأیید کردن، اعتبار بخشیدن، همدلی و شوخی) در طی تعامل‌های روزمره توأم با استرس در ایجاد جریان عاطفی مثبت نقش دارد.

دومین فرآیند، میزان فضای شناختی است که زوجها برای ارتباطشان و دنیای شریک زندگی خود اختصاص می‌دهند. این فرآیند شامل شناخت از دنیای شریک زندگی است که این شناخت همواره باید روزآمد شود.

سومین فرآیند، که نقش دیگری در برقراری جریان عاطفی مثبت دارد، وجود سیستم تحسین و تمجید است. تحسین و تمجید پاد زهری برای توهین و تحقیر است. زوج‌های شادی که از روابط با ثبات و پایدار برخوردار هستند، از زندگی خود به طور خودانگیخته تحسین و تمجید به عمل می‌آورند. تحسین و تمجید هم بر شناخت و هم بر رفتار تأثیر می‌گذارد. شناخت از جریان‌ات مثبت و منفی در آموزش‌های

قبل از ازدواج می‌تواند موفقیت یا شکست زوجها را تعیین کند.

### دلبستگی و شیوه‌های دوست داشتن

دلبستگی نیازی برای بقاء است. در انسان یک رابطه خاصی است که از آغاز تولد بین نوزاد و مراقبت کننده اولیه او که معمولاً مادر است شکل می‌گیرد و تلاش نوزاد را برای نزدیک شدن و خواستن مادر نشان می‌دهد. بر اساس نظریه دلبستگی، انسان گرایشی دارد که پیوندهای محکمی را با افراد خاصی که انتخاب می‌کند برقرار سازد. دلبستگی به دیگری و حفظ ارتباط با او یک نیروی اصلی و برانگیخته در انسان است.

نیازهای دلبستگی عبارت است از آرامش، امنیت و احساس نزدیکی هنگامی که این نیازها در معرض خطر قرار می‌گیرند، احساس ناایمنی در زوجها پدید می‌آید و دلبستگی آنها مخدوش می‌شود و ترس و دودلی از ارتباط شکل می‌گیرد و این احساس عدم امنیت است که راه حل‌های بهینه را محدود می‌سازد.

عواطف، نیروی سازمان دهنده در پردازش اطلاعات است و ماهیت دلبستگی و پیوند بین زوجها را تعیین می‌کند. عواطف، موسیقی رقص دلبستگی است. در زوجها نابسامان این رقص تعاملی یعنی جریان دلبستگی فاقد این جنبه موسیقایی، یعنی جنبه عاطفی، می‌شود. هنگامی که امنیت دلبستگی مورد تهدید قرار می‌گیرد، عواطف و هیجانات چون اعتراض و خشم اولین پاسخ به این تهدید است. فقدان واقعی یا تصویری از نداشتن روابط توأم با دلبستگی، به خشم یا پاسخ‌های سرد عاطفی می‌انجامد و پردازش اطلاعات را محدود می‌کند.

و در نتیجه پاسخ‌های ارتباطی متقابل را کاهش می‌دهد.

### شیوه‌های دلبستگی:

وقتی قرار است افراد روابط نزدیک را پایه ریزی کنند، یکی از سه سبک دلبستگی را انتخاب می‌کنند:

۱. امن ۲. اجتنابی یا مضطرب ۳. توأم با احساس دوگانگی

یک دلبستگی امن مستلزم نگرش‌های زیر است:

- برقراری روابط نزدیک با دیگران برای من نسبتاً آسان است.
- من در وابستگی به دیگران احساس راحتی می‌کنم.
- من در صورت وابستگی دیگران به خود، احساس راحتی می‌کنم.
- از اینکه کسی که با من رابطه نزدیکی برقرار کرده است، تحت شرایطی خاص مجبور شود برای مدتی از من دور باشد و یا مرا ترک کند، ناراحت نمی‌شوم.

افرادی که سبک دلبستگی امن دارند، احساس شادی، دوستی و اعتماد در روابط نزدیک خود می‌کنند. آن‌ها احترام به خویش بالایی دارند و احساس می‌کنند که دیگران آن‌ها را دوست دارند و از آن‌ها مراقبت می‌کنند. دلبستگی امن تمایل به قدردانی، مراقبت و فداکاری را نسبت به افراد مهم زندگی پدید می‌آورد. افرادی با سبک دلبستگی امن به دلیل اعتماد، احساس نزدیکی و علاقمندی به دیگران احساس خوبی دارند که آن‌ها نسبت به هم با احساس نزدیکی و صمیمیت پاسخ دهند.

سبک دلبستگی اجتنابی، مستلزم نگرش‌های زیر است:

- من از نزدیک شدن به دیگران احساس راحتی نمی‌کنم.

- من در اعتماد کردن به دیگران مشکل دارم.

- وقتی دیگران نسبت به من احساس نزدیکی می‌کنند عصبی می‌شوم.

- من از وابستگی به دیگران لذت نمی‌برم.

افراد با سبک دل‌بستگی اجتنابی، عمدتاً کناره‌گیر هستند و از دیگران دوری و از برقراری روابط صمیمی و نزدیک امتناع می‌کنند. آن‌ها اعتماد، احساس نزدیکی و وابستگی را خطرناک می‌دانند، چرا که در انتظار آسیب دیدن و طرد شدن از جانب دیگران هستند. سبک دل‌بستگی اجتنابی با فقدان شور و اشتیاق نسبت به افراد مهم زندگی همراه است. سبک دل‌بستگی توأم با اضطراب / دوگانگی مستلزم نگرش‌های زیر است:

- من فکر می‌کنم که دیگران به اندازه من تمایل به برقراری ارتباط نزدیک را ندارند.
- من اغلب درباره‌ی اینکه آیا شریک زندگی آینده ام واقعاً مرا دوست دارد، نگران هستم.
- من دوست دارم کاملاً با شریک زندگی خود صمیمی شوم، اما این کار باعث دوری و کناره‌گیری بیشتر او از من می‌شود.
- من از اینکه رابطه صمیمانه با او برقرار کنم و بعد او مرا ترک کند، نگران هستم.

افراد با سبک دل‌بستگی اضطراب / دوگانگی در روابط نزدیک خود احساس امنیت نمی‌کنند و بیشتر احساس حسادت می‌کنند. اگر چه مایل هستند رابطه صمیمی برقرار نمایند، اما ترس از طرد شدن دارند. آگاهی و شناخت از الگوهای رفتاری و عاطفی مختلف:

امروزه بر اساس نظریه‌های خانواده، یک زوج به عنوان یک سیستم در نظر گرفته می‌شود. در عین حال که هر یک از آنها فردیت خاص خود را دارد و با گذشته پیچیده خود وارد زندگی مشترک می‌شود و سبک‌های شخصیتی و تنش‌های خاص خود را دارد. اما بهتر است به جای تأکید بر گذشته، تأکید بر این باشد که چطور در حال حاضر می‌توان پذیرش را نسبت به یکدیگر افزایش داد. در حال حاضر، بر چه تجارب مثبتی می‌توان استناد کرد؟ انجام چه کارهایی با مباحث و مشاجره‌های فعلی متناسب است؟ این طرحواره تغییر، بر ماهیت زمان حال و علاقمندی به آینده مبتنی است و می‌توان با تکیه بر آن، از مشاجره‌های آتی جلوگیری کرد.

(آموزش قبل از ازدواج: راهنمای عملی برای زوج‌های جوان، اکرم خمسه، انتشارات دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۲).

### چرا افراد ازدواج می‌کنند

دلایل ازدواج: شواهد نشان می‌دهد که متجاوز از ۹۰ درصد از جمعیت جوامع گوناگون، بطور متوسط حداقل یکبار در طول زندگی خود ازدواج می‌کنند.

الف) عشق و علاقه: منظور از عشق و علاقه، احساسات عمیق مثبتی است که زن و مرد پس از ازدواج نسبت به یکدیگر تجربه می‌کنند. از جمله این احساسات، توجه به مراقبت، صمیمیت، نزدیکی، انگیزتگی ارتباط مطلوب و تمایل جنسی را می‌توان ذکر کرد.

ب) افراد به دلیل داشتن نیاز به مصاحبت ازدواج می‌کنند. مصاحبت محبتی است که ما نسبت به کسی که زندگیمان با او عمیقاً

تنیده است احساس می‌کنیم. در حقیقت شامل تبادل تجربه با فردی است که نسبت به او عشق می‌ورزیم و مورد عشق و علاقه او هستیم و یکدیگر را بخاطر آنچه که هستیم می‌پذیریم.

ج) زن و مرد به دلیل تأمین انتظارات ازدواج می‌کنند. انتظارات از زندگی زناشویی و خانوادگی بین دو حد غیر واقع بینانه و عقلایی متغیر است. به بیان دیگر زن و مرد باید بدانند چه انتظاراتی از خود، از همسر خویش و در مجموع از ازدواج دارند. هر اندازه این انتظارات واقع بینانه‌تر باشد پایه‌های زندگی زناشویی مستحکم‌تر خواهد بود. زوج‌های امروز بر این باورند که ازدواج مجموعه‌ای از نیازهای روانی آنان را برآورده می‌سازد. در حقیقت هر دو گروه انتظارات، آرمانی و واقع بینانه در کنار هم، سنگ بنای ازدواج زن و مرد را پی‌ریزی می‌نمایند.

### اهداف ازدواج:

ازدواج از ضروریات زندگی انسان به شمار می‌آید و هدف‌ها و نیازهای بیشماری را تأمین می‌کند. از جمله مهمترین هدفهای ازدواج می‌توان نیل به آرامش و آسایش، تأمین نیازهای جنسی، بقای نسل، تکمیل و تکامل فردی و اجتماعی، سلامت و امنیت فردی و اجتماعی و سرانجام تأمین نیازهای روانی، اجتماعی در فرد را نام برد.

کارکردهای خانواده در ازدواج موفق:

۱- خانواده بهترین مأمن و پناهگاه عاطفی و اجتماعی زن و مرد

است.

۲- مرکز تبادل عاطفه و محبت بین اعضای یک سیستم است.

- ۳- محل ارزیابی مشکلات و کمبودها و اقدام در جهت دفع آنهاست.
  - ۴- مکانی مطمئن و استوار بر پایه ازدواج دائم و با امید به نسل‌های آینده است.
  - ۵- سرچشمه دوستی و رفاقت و حمایت کننده روانی، اقتصادی و فرهنگی است.
  - ۶- نخستین گروه کوچکی است که همه نیازها و انگیزه‌های انسان از آن دریافت می‌شود.
  - ۷- مرکز ارائه مدل‌ها و نقش‌های جنسی زنانه و مردانه است. اصولاً کودکان با اغلب وظایف خود در سنین آینده، از طریق خانواده آشنا می‌شوند.
  - ۸- تشکیل خانواده، فشارهای روانی وارد بر خود را خنثی و تعدیل می‌نماید.
  - ۹- خانواده، بی‌اعتمادی، بی‌انگیزگی، تکرار کار و کسالت و خستگی ناشی از آنرا رفع می‌کند.
- (مشاوره ازدواج و خانواده درمانی - دکتر شکوه نوایی نژاد - انتشارات اولیا و مربیان - ۱۳۸۳ - چاپ چهارم)

### رابطه بین زندگی کاری و خانوداگی

رابطه بین خانواده و کار یک فرآیند تکاملی تدریجی از استقلال تا وابستگی تعاملی، وابستگی، وابستگی تقابلی و سرانجام به صورت یک دایره کامل و مجدداً وابستگی تعاملی می‌باشد.

### انواع خانواده کار محور:

با توجه به روند ارتباط تعاملی بین کار و زندگی خانوادگی، جای تعجب نیست اگر کار کانون اصلی زندگی بیشتر افراد باشد. نیاز به نزدیکی، صمیمیت و دیگر نیازهای اجتماعی آنان به احتمال زیاد در محیط کار بیش از هر مکان دیگری بر آورده می‌شود. کار، محور اصلی زندگی ما را تشکیل می‌دهد. بخصوص به دلیل ساعات طولانی کار و تغییرات در هنجارهای اجتماعی، اصطلاح «خانواده کار محور» بازگو کننده این تغییرات است.

### زوج‌های تک شغلی:

در این نوع خانواده، یک نفر خارج از خانه استخدام می‌شود ولی به نقش‌های حمایتی و عاطفی فرد دوم نیاز دارد تا بتواند در کار و پیشه‌اش موفق گردد. شوهر پیشرفت می‌کند و به حقوق و جایگاه برتری نائل می‌شود در حالی که می‌داند کمک و حمایت همسرش در موفقیت او نقش مهمی داشته است.

### زوج‌های دو شغلی و دو درآمدی:

در این نوع خانواده‌ها، زن و شوهر هر دو کار و شغل دارند و از درآمد مشترک‌شان زندگی خانوادگی را اداره می‌کنند. زوج‌هایی که هر دو شاغلند نسبت به شغل خود شدیداً متعهد می‌باشند و کار خود را اساس هویت شخصی و شاکله روانی خویش می‌دانند. زوج‌های شاغل، استخدام را بخشی از جریان کار و پیشه خود می‌دانند که شامل قدرت، مسئولیت و منبع مادی است.

رضایت زناشویی برای زنانی که با انتخاب خود کار می‌کنند، تحصیلات بالاتری دارند، کارشان نیمه وقت است و از حمایت همسرانشان برخوردارند بیشتر است. شوهران زنانی از رضایت زناشویی برخوردارند که از شغل همسران خود راضی باشند و آنان کار نیمه وقت داشته باشند. زنانی که از زندگی زناشویی خود راضی نیستند، ساعات طولانی کار می‌کنند و دچار فشار و تعارض نقش هستند.

### زوج‌های نظامی:

زوج‌ها و خانواده‌های نظامی اغلب وقفه‌های ناشی از جابجایی محیط‌های نظامی به غیرنظامی را تجربه می‌کنند. در بسیاری از زمینه‌ها خانواده‌های نظامی، گروه‌های اقلیت و یا غیر بومی هستند که این امر فشار بسیاری بر آنان وارد می‌سازد. رشد و پرورش یافتن در خانواده نظامی مشکلات ویژه‌ای مانند جدایی از والدین، جابجایی و نقل و انتقال‌های مکرر، تغییر مدرسه، از دست دادن دوستان و تجربه تبادل فرهنگی، منزوی شدن و گاه استثمار کودک و نادیده گرفتن او و در مواردی اعتیاد والدین را به همراه دارد. به هر حال، این تجربه‌ها می‌تواند در کودکان اعتماد به نفس و درجه‌ای از استقلال نیز پدید آورد.

### زوج با شغل خانوادگی:

دو نوع رابطه بین این زوج‌ها وجود دارد. در الگوی اول شوهر صاحب و مالک شرکت است و همسر حامی و پشتیبان او در کارش می‌باشد. در الگوی دوم زن و شوهر به عنوان مالک یا مزد بگیر در یک شرکت یا فروشگاه کار می‌کنند.

وفاداری و شرایط کاری انعطاف پذیر و احساس دلبستگی و

مسئولیت، از ویژگی‌های در این نوع کار کردن است. متداول‌ترین مشکلات مبتلابه این زوجها در روان‌درمانی و مشاوره، انتظارات متفاوت، مشکلات ارتباطی، ابهام در نقش‌ها و ناتوانی در تغییر نقش‌ها است. همچنین تعارضات زناشویی، اضطراب، افسردگی، اختلال خوردن، مشکلات جنسی، فشارهای روانی و مسئولیت‌های مربوط به نقش، زمینه‌های درمانی با آنها را تشکیل می‌دهد.

### اثر اشتغال مادر بر زندگی خانوادگی

هر چند که مادران شاغل وقت کمتری با فرزندان خود می‌گذرانند، در پیوند و وابستگی مادر و کودک، در مقایسه با مادران غیر شاغل تفاوتی نیست. مادران شاغلی که دارای فرزندان مدرسه‌رو هستند احتمالاً استقلال بیشتری به فرزندان خود می‌دهند و این کودکان احتمالاً بیشتر دارای نگرش‌های برابر‌نگری نسبت به دو جنس هستند. علاوه بر آن، دختران زنان شاغل، زنان را شایسته و کارآمد می‌بینند و مادران خویش را الگوی مهم برای خود می‌دانند. تأکید مادر شاغل بر استقلال، ممکن است به ضرر فرزندان پسر تمام شود. برای مثال، مادران کارگر ممکن است نقش و جایگاه پدر را نزد فرزندان پسر کم‌رنگ کند. [خانواده درمانی: تضمین درمان کارآمد - جان کارلسون و لن اسپری - ترجمه دکتر شکوه نوابی نژاد - انتشارات سازمان اولیا و مربیان - ۱۳۸۸ - چاپ اول]

### طلاق و جدایی

چرا طلاق متداول‌تر شده است؟ چندین عامل در این مسئله

دخالت دارند، که مربوط به تغییرات اجتماعی گسترده‌تر می‌شوند. به استثنای نسبت اندکی از افراد ثروتمند، ازدواج امروز دیگر ارتباط چندانی با میل به تداوم دارایی و منزلت از نسلی به نسل دیگر ندارد. به تدریج که زنان از نظر اقتصادی استقلال بیشتری پیدا می‌کنند، ازدواج کمتر به یک مشارکت ضروری اقتصادی، مانند گذشته است. به طور کلی رفاه بیشتر به این معناست که در صورت نارضایتی زناشویی اکنون آسانتر از آنچه در گذشته ممکن بود می‌توان خانه جداگانه‌ای تشکیل داد.

عامل مهم دیگر گرایش فزاینده به ارزیابی ازدواج بر حسب میزان ارضای شخصی‌ای است که فراهم می‌کند. افزایش میزان طلاق به نظر نمی‌رسد نشان دهنده نارضایتی عمیق نسبت به خود ازدواج باشد. بلکه نشانه عزم بیشتر برای تبدیل ازدواج به رابطه‌ای ثمربخش و ارضاکنده است.

### مراحل گذار در طلاق

چنانچه زوجی تصمیم به طلاق بگیرند، تعدادی مراحل انتقالی عمده در سبک زندگی و نگرشی باید طی شود:

۱- طلاق عاطفی که بیانگر رابطه زناشویی است که رو به زوال می‌رود- نقش فزاینده میان زن و شوهر که معمولاً به جدایی می‌انجامد.

۲- طلاق قانونی، متضمن زمینه‌ها و دلایلی است که بر پایه آن‌ها به ازدواج پایان داده می‌شود.

۳- طلاق، مستلزم هماهنگی میان والدین است، که مسائل نگهداری کودک و حق ملاقات را در بر می‌گیرد.

- ۴- طلاق اقتصادی که به تقسیم ثروت و دارایی مربوط می‌شود.  
 ۵- طلاق اجتماعی که به تغییرات در دوستی‌ها و سایر روابط اجتماعی مربوط می‌شود.  
 ۶- طلاق روانی که از طریق آن فرد سرانجام باید پیوندهای وابستگی عاطفی را قطع کند و با الزامات تنها زیستن مواجه شود.

### طلاق و کودکان

میزان ستیز میان پدر و مادر قبل از جدایی، سن کودکان در آن زمان، اینکه آن‌ها برادر یا خواهر دارند یا خیر، وجود پدر بزرگ و مادر بزرگ و سایر خویشاوندان، روابط آن‌ها با هر یک از والدین، اینکه اغلب تا چه حد پدر و مادر را می‌بینند؛ همه این عوامل می‌توانند بر فرآیند سازگاری تأثیر داشته باشند. کودکانی که در سن قبل از مدرسه هستند سردرگم و وحشت زده می‌شوند و معمولاً خود را به خاطر جدایی مقصر می‌دانند. کودکان بزرگتر بهتر می‌توانند انگیزه پدر و مادرشان را برای طلاق درک کنند، اما اغلب عمیقاً نگران اثرات آن بر آینده خود هستند و غالباً احساس خشم شدیدی نشان می‌دهند.

[مبانی جامعه‌شناسی - آنتونی گیدنز - ترجمه منوچهر صبوری - نشرنی - ۱۳۷۳ - چاپ اول]

### سؤالاتی برای قبل از ازدواج

سؤالاتی که هر فرد باید قبل از ازدواج، درباره ازدواج از خودش

پرسد:

۱- چرا می‌خواهم ازدواج کنم؟ انگیزه‌های من از ازدواج

چیست؟

- ۲- آیا اکنون زمان مناسبی برای ازدواج است؟ اگر حالا ازدواج نکنم چه اتفاقی می افتد؟
- ۳- آیا زندگی متأهلی تفاوت اساسی با زندگی مجردی دارد؟  
آیا آمادگی های لازم را برای ازدواج کسب کرده ام؟
- ۴- آیا ازدواج محدودیت هایی برایم ایجاد می کند؟ چه محدودیت هایی؟
- ۵- آیا خود را قادر به اداره یک زندگی بدون هرگونه وابستگی به دیگران می بینم؟
- ۶- آیا به حد کافی به رشد و استقلال فکری، شخصیتی، عاطفی، اقتصادی رسیده ام؟
- ۷- ازدواج چه چیزهایی به من می دهد؟
- ۸- با ازدواج، به شوهر/ همسر آینده ام چه چیزهایی می توانم بدهم؟
- ۹- آیا انتظار یک شوهر/ همسر(طرف مقابل) از ازدواج چه چیزهایی می تواند باشد؟
- ۱۰- تا چه اندازه انتظارات زنها و مردها از ازدواج می تواند مشابه یا متفاوت باشد؟
- ۱۱- تا چه اندازه خوشبختی افراد به ازدواج کردن یا ازدواج نکردن بستگی دارد؟
- ۱۲- اساساً خوشبختی یعنی چه؟
- ۱۳- آیا ازدواج بیشتر به انسان آرامش می دهد یا زمینه رشد و کمال را فراهم می کند و یا هر دو؟
- ۱۴- ملاک های اساسی من برای ازدواج کدامند؟
- ۱۵- تا چه اندازه ظاهر و قیافه، شخصیت، اعتقادات، خانواده،

وضع مالی و اقتصادی، تحصیلات، شباهت‌های قومی و مذهبی  
برایم مهم هستند؟ فرد مورد نظرم باید چه ویژگی‌هایی را بطور  
دقیق داشته باشد؟

۱۶- در صورت وجود تفاوت‌ها کدام تفاوت‌ها مهم‌ترند و کدام  
تفاوت‌ها را می‌توان پذیرفت؟

۱۷- کدام ویژگی‌ها را باید حتماً در مورد تشابه، توافق، و تناسب  
داشت و در کدام یک می‌توان به تفاهم رسید؟

۱۸- چگونه می‌خواهم با همسر آینده‌ام آشنا شوم؟ چه کسانی  
می‌توانند در انتخاب همسر مناسب من مؤثر باشند؟

۱۹- دوره‌های آشنایی و نامزدی قبل از عقد برای یک انتخاب  
صحیح، تا چه اندازه می‌تواند مفید باشد؟

۲۰- آیا برای ازدواج لازم است ابتدا عاشق یکدیگر باشیم؟  
جایگاه عشق در چه مرحله‌ای از ازدواج قرار دارد؟

۲۱- اگر کسی برای ما جذابیت زیادی داشت، به معنی آن است  
که عاشق او هستیم یا می‌توانیم عاشق اش باشیم؟

سئوالاتی که هر فرد باید قبل از ازدواج از خودش بپرسد:

۱- من چه کسی هستم؟

• از چه ویژگی‌های ظاهری برخوردارم؟ قد، هیکل، تناسب  
اندام، وزن، رنگ پوست، چشم، موها، وضعیت سلامت عمومی و  
جذابیت من چگونه است؟

• تا چه حد از وضع ظاهری‌ام رضایت دارم؟ کدام خصوصیت  
ظاهری‌ام را نمی‌پسندم؟

• از نظر شخصیتی چگونه‌ام؟ حداقل ۵ ویژگی شخصیتی مثبت  
من کدامند؟ حداقل ۵ ویژگی شخصیتی منفی من کدامند؟ آیا

دیگران نیز بر این ویژگی‌ها تأکید دارند؟ تا چه اندازه خوشبین یا بدبین، بی‌اعتماد یا قابل اعتماد، مسئولیت پذیر، راستگو و وفادار، صمیمی، با محبت و محتاط هستم؟

۲- از لحاظ وضعیت اعتقادی و اخلاقی (ارزشی) چگونه فردی هستم؟

• چه باید و نبایدهایی دارم؟ مهمترین ارزش‌های من کدامند؟

۳- به لحاظ عاطفی و هیجانی چگونه‌ام؟

• آیا فردی احساساتی هستم؟ آیا قادر به ابراز یا کنترل عواطف و احساسات مثبت و منفی خود متناسب با موقعیت‌ها می‌باشم، یا اینکه تحت تأثیر محیط قرار گرفته، واکنش فوری از خود نشان می‌دهم؟

۴- روابط اجتماعی‌ام چگونه است؟

آیا فردی برون‌گرا و معاشرتی هستم؟ آیا دوستان صمیمی زیادی دارم؟ آیا روابط خود را با دیگران کنترل کرده و محدود می‌سازم؟ آیا خود را فردی تنها می‌دانم؟

۵- آیا خود را فردی باهوش می‌دانم؟ تا چه اندازه منطقی هستم؟ تا چه اندازه در کارهایم حسابگری دارم؟ آیا به راحتی از عهده حل مسائل برمی‌آیم؟ تا چه اندازه به دیگران متکی هستم؟ آیا مسائل اطرافم را با دید نقادانه بررسی می‌کنم یا بیشتر از دیگران تبعیت می‌کنم؟

۶- می‌خواهم چطور باشم؟

• ایده‌آل‌ها و آرزوهایم کدامند؟ اهداف و برنامه‌های کوتاه مدت

و بلند مدت من چیست؟ تا چه اندازه به آینده امیدوارم؟

۷- چگونه می‌توانم باشم؟

● تا چه اندازه در خودم توانایی رسیدن به خواسته‌هایم را می‌بینم؟ آیا در انجام کارهای مختلف، از عزت نفس و اطمینان برخوردارم؟ آیا موفقیت‌ها و پیشرفت‌های قابل توجهی در زندگی‌ام بدست آورده‌ام؟

### پرسشنامه هماهنگی و سازگاری زناشویی

پاسخ دهندگان محترم، لطفاً به سؤال‌های زیر با دقت پاسخ دهید. پاسخ دادن به این پرسش‌ها به این معنی نیست که شما دو نفر باید در همه‌ی این موارد با یکدیگر هماهنگی داشته باشید. اما پاسخگویی به آن‌ها شما را از تفاوت‌هایی که با یکدیگر دارید و از عقاید و باورهای یکدیگر آگاه می‌سازد و آمادگی لازم را برای فایق آمدن بر پرسش‌ها و مسائلی که در آینده ممکن است ایجاد شود فراهم می‌سازد.

۱- آیا شما به یک میزان به زمان/ مکان خصوصی و شخصی نیاز دارید (می‌خواهید گاهی تنها باشید)؟

۲- آیا شما فعالیت‌هایی دارید که می‌توانید در طی زمانی که با همسرتان هستید به آن بپردازید؟ مثلاً اگر در آینده شوهر شما دوست دارد بازی فوتبال تماشا کند و یا زن شما مایل است روزهای تعطیل، بیشتر با شما باشد و علاقه‌ای به تماشای فوتبال نداشته باشد، آیا همسرتان می‌تواند در همان اتاقی که شما در حال تماشای تلویزیون هستید به انجام کارهای خود بپردازد؟ آیا تماشای بازی فوتبال در کار او خللی ایجاد می‌کند؟ آیا او مایل است در اتاق دیگر و بدون حضور شما کار کند؟

۳- آیا شما ایده‌های مشابهی درباره‌ی گذرانیدن و یا برنامه‌ریزی

برای یک تعطیلات خوب دارید؟ بطور مثال همسر آینده‌ی شما دوست دارد در جایی چادر بزنید، اما شما دوست دارید به تماشای موزه بروید یا برعکس.

۴- آیا شما به عنوان یک زوج می‌توانید با افراد دیگر ارتباط برقرار کنید؟

۵- آیا با خانواده‌های یکدیگر می‌توانید تفاهم داشته باشید؟

۶- درباره‌ی شیوه‌ی برقراری ارتباط شریک زندگی‌تان با خانواده‌اش چه احساسی دارید؟

۷- آیا اهداف دراز مدت شما با یکدیگر هماهنگ است؟ برای مثال تعیین محل سکونت برای ۵ سال، برنامه ریزی برای بچه دار شدن، خط مشی علمی و شغلی همراه با طرح و برنامه ریزی‌های مربوط به آن.

۸- خط مشی حرفه‌ای و علمی کدام یک از شما مهمتر است؟ اگر چنانچه یکی از شما دو نفر، انتقال شغلی یابد شما چه کاری خواهید کرد؟

۹- آیا مایل هستید در بخش و ناحیه‌ی بخصوصی از کشور برای همیشه زندگی کنید؟

۱۰- آیا می‌خواهید همیشه در مکانی ثابت زندگی کنید (منطقه، شهر، حومه شهر، مناطق خیلی دور افتاده)؟

۱۱- آیا هر دو نفر مایلید در یک نوع خانه / آپارتمان سکونت داشته باشید؟ مثلاً ساختمان‌ها جدید یا خانه‌های ۲۰ سال ساخت و یا خانه‌های قدیمی‌تر یا خانه‌های ویلایی، مزرعه یا خانه‌های دو طبقه با اولویت زیاد به آشپزخانه، فضای بازی، اتاق‌های خواب بزرگ. چه نوع خانه‌ای را ترجیح می‌دهید؟

- ۱۲- آیا هر دو نفر شما درباره‌ی ازدواج عقاید مشابهی دارید؟
- ۱۳- آیا هر دو نفر شما درباره آنچه که دلیل منطقی و قابل قبول برای جدایی و یا طلاق است هم عقیده هستید؟ (درباره‌ی آن فکر کنید، مثلاً آیا طلاق گرفتن برای شما قابل قبول است؟ اگر شریک زندگی شما به مدت ۱۰ یا ۵ سال یا کمتر معتاد شود، کدامیک از شرایط برایتان قابل توجه است و با چه مدت و با چه شدتی؟)
- ۱۴- اگر همسرتان به شما آسیب جسمانی برساند چطور؟ در چه شرایطی و به چه شدت و در چه مدتی این آسیب را برای طلاق قابل قبول می‌دانید؟
- ۱۵- اگر همسر آینده شما به مذهب دیگری رو بیاورد که شما با آن موافق نباشید، چه عکس‌العملی نشان می‌دهید؟ اگر با کسی دیگر ارتباط عاطفی برقرار کند چطور؟ اگر دچار ناتوانی جنسی شوید، چه می‌کنید؟ اگر به وضع جسمانی خود توجه نشان ندهد، چطور؟ چه موارد دیگری می‌تواند برای شما طلاق را قابل قبول سازد؟
- ۱۶- آیا شما درباره‌ی اینکه یک زوج قبل از جدایی، مشاوره زناشویی داشته باشند، هم عقیده هستید؟
- ۱۷- نظر شما درباره‌ی مسئولیت‌های ازدواج چیست؟
- ۱۸- چه کسی مسئول سر و سامان دادن به کارهای خانه و رسیدگی به امور آن خواهد بود؟
- ۱۹- چه کسی مسئول پرداخت صورت حساب‌ها خواهد بود؟
- ۲۰- چه کسی مسئول آشپزی خواهد بود؟
- ۲۱- صرف گفتن اینکه «ما» در انجام این وظایف مشارکت خواهیم کرد واقعاً کافی است؟ شما در عمل، فکر می‌کنید واقعاً چه کسی این

کارها را به راحتی انجام خواهد داد و یا یکی از شما دو نفر همواره احساس خواهد کرد که بیشتر کارها به او واگذار شده است؟

۲۲- آیا یکی از شما دو نفر دوست دارد در رختخواب مطالعه کند یا به تماشای تلویزیون پردازد؛ در حالیکه دیگری می خواهد بخوابد و نور و سروصدا مانع خواب او می شود؟

۲۳- آیا شما دو نفر نظرات مشترکی درباره‌ی میزان مصرف و خرج کردن پول و ذخیره کردن آن دارید؟ مثلاً اگر تلویزیون خراب شود آن را تعویض می کنید؟ آیا مایلید بابت این کار هزینه‌ای پردازید؟ در مورد خرید یا تعویض اتومبیل چه نظری دارید؟ آیا هر دو نفر خواهان اتومبیل ارزان قیمت هستید یا اتومبیل دست دوم را ترجیح می دهید؟

۲۴- آیا برای شما مهم است که هدایای گران قیمت در روزهای خاص به اعضای خانواده خود بدهید، در حالیکه دیگری هدایای ارزانتر را منطقی تر می داند؟

۲۵- پس انداز را برای بازنشستگی چه اندازه مهم می دانید؟ پس انداز برای دانشگاه و تحصیلات بچه‌ها چقدر مهم است؟ آیا پس انداز را از خرید وسایل لوکس مهمتر می دانید؟

۲۶- آیا درباره‌ی بچه دار شدن، یکی از شما در خانه می ماند و از بچه مراقبت می کند؟ چه تعداد بچه می خواهید؟ چگونه مایلید بچه‌ها را تربیت کنید؟ آیا تنبیه را مجاز می دانید، یا به بچه اجازه تماشای تلویزیون نمی دهید؟ چه نوع غذاهایی را به بچه خواهید داد؟

۲۷- آیا زمینه‌های فرهنگی و مذهبی مشابهی دارید؟ اگر بچه‌دار شوید، می خواهید او با چه گرایش، عقیده و مذهبی بزرگ شود؟

- ۲۸- آیا مایلید روزهای تعطیل به خانوادتان سر بزنید یا می خواهید در خانه بمانید؟ اگر بچه دار شوید، آیا این الگو را تغییر خواهید داد؟
- ۲۹- کدامیک از خانواده‌ها را در تعطیلات خواهید دید؟
- ۳۰- نظر شما راجع به برنامه غذایی روزانه چیست؟ ذائقه شما نسبت به غذاها یکسان است؟ آیا درباره اینکه ناهار و شام چه بخورید، با هم توافق دارید؟ چه کسی غذا را آماده خواهد کرد؟
- ۳۱- نظرتان راجع به حسادت چیست؟ آیا برای شما مسئله‌ای نیست که با افراد جنس موافق یا مخالف صحبت کنید؟ شریک زندگی آینده شما در این باره چه نظری دارد؟ اگر او با افرادی از جنس موافق یا مخالف صحبت کند، شما چه احساسی خواهید داشت؟ در چه شرایطی اینگونه روابط را مجاز می‌دانید؟
- ۳۲- آیا شما در حل مشکلات که در روابط میان شما دو نفر رخ می‌دهد، توانایی و مهارت کافی در خود احساس می‌کنید؟



فصل سوم: ازدواج و شروط ضمن عقد از

منظر حقوقر



## مقدمه

### شروط ضمن عقد نکاح

قانونگذار قبل از انقلاب اسلامی در ماده ۴ قانون راجع به ازدواج مصوب ۱۳۱۰ با توصیه شروط ضمن عقد به زوجین، آنان را در نهادن راهی برای طلاق به درخواست زوجه هدایت نموده بود. اما شاید عدم توجه زوجین به گذاشتن این شروط، مقنن را وادار نمود، خود رأساً، شروطی را به عنوان قواعد آمره در قانون حمایت خانواده بگنجانند که بدون توجه به اراده طرفین، برای آنان (به خصوص زوجه) حق درخواست طلاق قرار دهد

نظر بر اینکه مطابق اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی و غیره باید بر اساس موازین اسلامی باشد. و با توجه به اوامر مورخ ۱۳۶۱/۵/۳۱، حضرت امام

خمینی (ره)، که فرمودند: «به قوانین سابق که مخالف شرع است نمی‌توان عمل نمود.» همچنین تبصره ۲ ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب ۱۳۵۸ صراحتاً مقرر داشت: «موارد طلاق همان است که در قانون مدنی و احکام شرع مقرر گردیده...» به طور ضمنی ماده ۸ قانون حمایت خانواده را فاقد اثر دانست. مشکلات عدیده‌ای که از حق یک‌طرفه مرد در طلاق، عدم آشنایی عامه به حقوق خود در وضع شروط ضمن عقد نکاح که به زوجه اختیار انتخاب طلاق را بدهد، همگی موجب شد که شورای عالی قضایی در سال ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲، شروطی را در متن نکاحیه‌های رسمی بگنجانند تا در هنگام ازدواج به امضای زوجین برسد. متن نکاحیه با شروط ذیل به تصویب شورای عالی قضایی رسید و طی دستورالعمل‌های به شماره ۱/۳۴۸۲۳ مورخ ۶۱/۷/۱۹ و شماره ۱/۳۱۸۲۴ مورخ ۶۲/۶/۲۸ به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ابلاغ گردید. شروط فوق در دو بند «الف» و «ب» ذکر شده و در بند «الف» به حقوق مالی زوجه‌ای که زوج بدون دلیل موجّهی وی را مطلقه می‌سازد توجه شده است و در بند «ب» نیز شروطی را احصاء نموده که در صورت تحقق هر یک از آنها، زوجه حق رجوع به دادگاه و اخذ مجوز اجرای طلاق به وکالت از زوج را کسب می‌نماید.

### شرط ناظر بر امور مالی زوجین

مطابق بند «الف» از شرایط ضمن عقد، چنانچه طلاق به درخواست زوجه نباشد و طبق تشخیص دادگاه، تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوء اخلاق و رفتار وی نبوده باشد، زوج مکلف

است تا نصف دارایی موجود خود را که در ایام زناشویی با او به دست آورده یا معادل آن را طبق نظر دادگاه بلاعوض به زوجه منتقل نماید. شرایط تحقق بند «الف» عبارت است از:

اول: نصف عین اموال موجود خود را به زوجه تملیک نماید که این امر مستلزم رعایت تشریفات ثبتی در مورد املاک و برخی اموال منقول مثل خودرو است. دوم: معادل نصف دارایی خود را که می‌تواند مثل یا بهای آن باشد به زوجه بدهد که این امر نیز مستلزم تقویم بهای اموال می‌باشد. در هر دو حالت نیز چنانچه اجرای شرط فوق را همانند: دادن مهریه، نفقه ایام عده، اجرت المثل و نحله، قبل از اجرای صیغه طلاق لازم بدانیم. لذا هرگاه پس از تملیک نصف دارایی، زوج از اجرای صیغه طلاق پشیمان شود یا پس از اجرای آن، در ایام عده به زوجه رجوع نماید، تملیک نصف دارایی به زوجه، بی‌دلیل صورت گرفته است پس اجرای شرط فوق باید بعد از وقوع طلاق صورت گیرد، البته در عمل نیز رویه قضایی بر این نظر است و زوجه با تقدیم دادخواست حقوقی و معرفی اموال در دوران زندگی مشترک، از دادگاه درخواست صدور حکم می‌نماید

### شروط ناظر به حق طلاق زوجه

در بند «ب» شروط مندرج در نکاحیه‌های رسمی در دوازده مورد به زوجه وکالت بلاعزل داده شده تا با اخذ مجوز از دادگاه صالح خود را مطلقه نماید. در رابطه با اعمال بندهای زیر وجود مقدمات ذیل لازم است:

(۱) امضای هر شرط توسط زوجین؛ شروط مذکور، پیشنهادی بوده

و باتوجه به غیر آمره بودن، زوجین در امضاء یا عدم پذیرش آن مختار می‌باشند و زوجه در صورتی می‌تواند به استناد آن شروط به وکالت از زوج، طلاق را اجرا نماید که شرط توسط زوج امضاء شده باشد.

۲) صدور گواهی عدم امکان سازش با رعایت قواعد آمره؛ مطابق قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱، مجمع تشخیص مصلحت نظام، زوجینی که قصد طلاق دارند باید جهت رسیدگی به اختلاف خود به دادگاه مدنی خاص مراجعه و اقامه دعوی نمایند. دادگاه موظف است با تعیین داور از طرف هر یک از زوجین، سعی در اصلاح طرفین نماید و چنانچه اختلاف زوجین به سازش منتهی نگردد، دادگاه با صدور گواهی عدم امکان سازش به دفترخانه، دستور اجرا و ثبت واقعه طلاق را می‌دهد.

۳) مراجعه به دفاتر رسمی طلاق در مهلت قانونی جهت اجرا و ثبت واقعه طلاق؛ گواهی عدم امکان سازش که توسط دادگاه صادر می‌گردد، دارای مدت اعتبار محدودی است و مطابق ماده واحده قانون تعیین مدت اعتبار گواهی عدم امکان سازش مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۱، زوجه‌ای که با مراجعه به دادگاه و اثبات تخلف زوج از شروط مندرج در عقدنامه، موفق به اخذ گواهی عدم امکان سازش از دادگاه گردد؛ باید ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ آن، به دفتر ثبت طلاق مراجعه و درخواست اجرای آن را نماید.

### شروط دوازده گانه

شروط مندرج در بند «ب» نکاحیه‌های رسمی عبارت است از:

**شرط اول:**

## استنکاف شوهر از دادن نفقه زن یا انجام حقوق واجبۀ وی به

مدت شش ماه:

«نفقه» اسم مصدر، جمع آن «نفقات» به معنی صرف کردن و خروج است. در تعریف حقوقی آن آمده است: «صرف هزینه خوراک، پوشاک، مسکن، اثاث خانه و خادم در حدود مناسبت عرفی با وضع زوجه».

مصادیق نفقه زوجه در ماده ۱۱۰۷ ق.م. ذکر شده که عبارت از: «مسکن، البسه، غذا، اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن یا احتیاج او به واسطهٔ مرض یا نقصان اعضاء» می‌باشد. قانون مدنی نسبت به وجوب خادم، استطاعت مالی شوهر را مورد توجه قرار نداده است در صورتی که در غیر از مورد بیماری زوجه که وجوب خادم را شامل می‌شود، واجب گرداندن استخدام خادم برای زوجه‌ای که در منزل پدر عادت به خادم داشته است تا حدی دور از ذهن است. از آنجا که زوجه هنگام انتخاب زوج، با توجه به وضعیت مالی زوج پاسخ مثبت به درخواست ازدواج مرد می‌دهد و راضی به کمک با وی در ساختن زندگی مشترک می‌گردد، لذا باید خود را آماده برای تطبیق با وضعیت اقتصادی زوجه نماید. مطابق ماده ۱۱۰۴ ق.م. زوجین باید در گرم نگهداشتن کانون خانواده سعی و کوشش نمایند، لذا تصور اینکه زوج فقیری را ملزم به استخدام خادم برای زوجه نمائیم، منافی با مصالح و روابط اخلاقی و عاطفی خانواده است. همچنین عرف جامعه نیز خادم را از ضروریات زندگی نمی‌داند

با توجه به تحولاتی که در زندگی انسان و به ویژه نیازهای نوع بشر به وقوع می‌پیوندد، نمی‌توان مصادیق نفقه را محصور در ماده

۱۱۰۷ ق.م. نمود.

بنابراین می توان مدعی شد، منظور از نفقه زوجه آن چیزی است که زن برای گذران زندگی به آن نیاز دارد و تشخیص این نیاز توسط عرف جامعه صورت می گیرد و همچنین وضعیت و شخصیت زن نیز تا حدی باید مورد توجه قرار گیرد. تکلیف زوج به دادن نفقه، منوط به شرط احتیاج زوجه نبوده (برخلاف نفقه نزدیکان) و زن هر چند ثروتمند باشد، باز واجب النفقه است و شرط وجوب نفقه زوجه صرفاً وجود عقد نکاح دائم فیما بین طرفین و تمکین زوجه (مواد ۱۱۰۶ و ۱۱۰۸ ق.م.) است.

### شرایط وجوب نفقه

آیا عدم پرداخت نفقه زوجه ای که عقد نکاح فیما بین او و زوج جاری گردیده، اما هنوز نزدیکی صورت نگرفته نیز حق طلاق ایجاد می نماید؟ و آیا اصولاً زوجه غیر مدخوله مستحق نفقه می باشد یا خیر؟ شرط وجوب نفقه، عقد «نکاح دائم» و «تمکین» زوجه است. در ماده ۱۱۰۸ ق.م. تمکین را به عنوان شرط وجوب نفقه تصریح نموده است. بدین معنی که زن «ناشزه» مستحق نفقه نمی باشد. در فهم معنای «ناشزه» باید به معنای «تمکین» مراجعه نمود. «نشوز» در لغت به معنای ارتفاع و بلند شدن است و شرعاً به معنای «خروج از اطاعت یعنی بیرون رفتن یکی از زوجین از دایره فرمان و اطاعت دیگری است» «تمکین» طبق نظر مشهور فقها به معنی جایز بودن استمتاع در هر زمان و هر مکان می باشد.

حال سؤال این است چه نوع تمکینی زوجه را مستحق نفقه

می‌سازد؟

مشهور فقها معتقدند شرط وجوب نفقه، تمکین کامل زوجه است. امام خمینی (ره) می‌فرماید: «زن بدون تمکین کامل حق نفقه ندارد». در حقوق موضوعه، ماده ۱۱۰۲ ق.م. و وقوع عقد نکاح را ایجادکننده حقوق و تکالیف زوجین در مقابل یکدیگر دانسته و به این ترتیب زوج را به مجرد وقوع عقد، ملزم به پرداخت نفقه زوجه نموده است و در ماده ۱۱۰۶ ق.م. نفقه زن را در عقد دائم به طور مطلق بر عهده زوج قرار داده است. در ماده ۱۱۰۸ ق.م. نیز صراحتاً نشوز را از موانع حق نفقه دانسته و زنی که بدون مانع شرعی از ادای وظایف زوجیت امتناع نماید را مستحق نفقه ندانسته است. همچنین طبق یکی از نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه در پاسخ به این سؤال که آیا بلافاصله پس از نکاح، زوجه حق مطالبه نفقه و تعقیب زوج را دارد با استناد به مفاد ماده ۱۱۰۲ ق.م. چنین نظر داده: «همین که نکاح به صحت واقع شد، حقوق و تکالیف زوجین در مقابل یکدیگر برقرار گردیده و به محض وقوع نکاح هم زوج حق دارد، تمکین زوجه را بخواهد و هم زوجه حق مطالبه نفقه و تعقیب را خواهد داشت». در عمل نیز محاکم، زوجه را قبل از تمکین و به محض عقد هرچند هنوز به منزل زوج نرفته باشد، مستحق نفقه می‌دانند. بنابراین استنکاف زوج از پرداخت نفقه زوجه غیر مدخوله، موجب تحقق شرط ضمن عقد نکاح از جهت استنکاف زوج از پرداخت نفقه و ایجاد حق طلاق برای زوجه می‌گردد.

### نقصان در پرداخت نفقه

آیا چنانچه زوج، نفقه را به طور ناقص پرداخت نماید، زوجه

می تواند به استناد شرط فوق درخواست طلاق کند؟ مطابق ماده ۱۱۰۷ ق.م. نفقه عبارت از: مسکن، البسه، غذا، اثاث البیت و خادم در صورت نیاز زن به واسطه مرض یا عادت است. معیار تشخیص میزان نفقه، وضعیت و شأن اجتماعی زوجه می باشد. حال اگر زوج نفقه را به طور کامل تأمین نکند، عنوان «پرداخت نفقه» تحقق نمی یابد. نفقه متشکل از اجزایی است که صرفاً با تجمیع آن اجزاء، قابلیت وجودی می یابد. لباس، خوراک و مسکن، هیچ یک به تنهایی نفقه نمی باشند. بلکه جمع آنها به همراه ضروریات دیگر زندگی، به وجود آورنده نفقه است. پس چنانچه زوج برخی از مصادیق نفقه را تهیه کند و از تعدادی دیگر فروگذاری نماید، مستنکف از تأدیه نفقه و مشمول شرط اول ضمن عقد نکاح می باشد.

### عجز زوج از پرداخت نفقه

اگر علت عدم پرداخت نفقه، عجز زوج از پرداخت باشد، آیا شرط ضمن عقد تحقق می یابد یا خیر؟ با توجه به اینکه «اصل عدم» بر عدم تحقق شرط ضمن عقد دلالت دارد و اصل بر این است که زوجه حق درخواست طلاق ندارد و با عنایت به اینکه شروط را باید در صراحت و اژه هایش معنی کرد و در موارد ابهام بر عدم تحقق آن حکم نمود و نظر بر اینکه واژه استنکاف به معنای «سرباز زدن و خودداری کردن از امری» است، لذا در مواردی که زوج، عاجز از پرداخت نفقه است، امتناع و سرباز زدن تحقق نمی یابد. به بیان دیگر امتناع از امری هنگامی قابل تحقق است که قابلیت انجام آن امر در شخص موجود باشد. ضمناً ذکر عبارت «به هر عنوان» بعد از «استنکاف شوهر از دادن نفقه به مدت

شش ماه» نیز افاده بر معنی «به هر دلیل» نمی‌کند. زیرا شرط فوق با به کار بردن لفظ «استنکاف» و بدون توجه به علت آن، معنای عام دارد و دلالت بر ظهور «عدم پرداخت» در ظاهر داشته بدون اینکه به علت وجودی آن توجه کند و چنانچه نظر بر مقید نمودن آن به تمکن زوج داشت (همچنان که در اعطای وصف کیفری به عمل تارک انفاق در ماده ۶۴۲ ق.م.ا. عمل شده است) شرط «استطاعت مالی» منفق را ذکر می‌نمود. ضمناً ذکر عبارت «به هر عنوان»، دلالت بر عدم تأثیر علت عدم پرداخت نفقه در تحقق شرط دارد.

یکی از ابهامات شرط اول مندرج در عقدنامه‌ها، جمله «عدم ایفاء حقوق واجبه زن به مدت شش ماهه و عدم امکان اجبار زوج به ایفاء حقوق واجبه»، است. هرچند در عمل این قسمت شرط متروک مانده و زنان بیشتر از شرط عدم پرداخت نفقه به علت سهولت اثبات آن استفاده می‌نمایند، اما چون عبارت دارای معنای وسیع است، لذا در شرط ضمن عقد می‌تواند با برداشته‌های مختلف، آثار سوء به جای گذارد. در تفسیر «حقوق واجبه»، مواد ۱۱۰۲ الی ۱۱۰۹ ق.م. در فصل هشتم با عنوان حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر، حسن معاشرت، نفقه، مهریه، درخواست مسکن علیحده از شوهر در صورتی که خوف ضرر بدنی، مالی یا شرافتی از زندگی در یک منزل با شوهر وجود داشته باشد و تصرف زن در دارایی خود به طور مستقل را از حقوق زوج بر شمرده است. اما شرع مقدس اسلام حقوق واجب دیگری را از جمله وجوب عدم ترک زن، به سر بردن و هم‌خوابگی با وی را برای زوج در نظر گرفته است.

### شرط دوم:

سوء رفتار و یا سوء معاشرت زوج به حدی که ادامه زندگی را برای زوجه غیر قابل تحمل نماید.

مطابق ماده ۱۱۰۳ ق.م. زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند. واژه‌های «حسن معاشرت» و «سوء رفتار» دارای معنای وسیع بوده که بر مبنای عرف جامعه تغییرپذیرند. تشخیص سوء رفتار و سوء معاشرت، با توجه به عرف و شخصیت زوجه، با دادگاه می‌باشد. البته عبارت، «به حدی که ادامه زندگی را برای زوجه غیر قابل تحمل نماید» قابل مذاقه است. بر مبنای قاعده نفی عسرو حرج و وفق ماده ۱۱۳۰ ق.م. هرگاه ادامه زندگی به هر علتی موجب عسرو حرج زوجه باشد؛ وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق نماید. مطابق قاعده فوق در مواردی که انجام اعمالی (اعم از فعل یا ترک فعل) با مشقت تمام همراه باشد. مانند: روزه گرفتن در حالت بیماری، تکلیف به انجام آن منتفی می‌باشد. مبنای این قاعده، علاوه بر نص صریح قرآن، روایات مختلف می‌باشد.

با توجه به مفهوم عسرو حرج، چنانچه دوام زناشویی برای زوجه با مشقت زیاد همراه باشد، تکلیف زوجه به ادامه چنین زندگی، برخلاف مصلحت و عقل بوده و با عنایت به ملازمه عقل و شرع باید به زوجه حق در خواست انحلال عقد نکاح را داد. با توجه به مفاد ماده ۱۱۳۰ ق.م. این گونه به نظر می‌رسد که جعل شرط دوم در عقدنامه‌ها، تحصیل حاصل است، زیرا بروز عسرو حرج به هر علتی می‌تواند حق درخواست طلاق برای زوجه با استناد به ماده ۱۱۳۰ ق.م. ایجاد نماید.

تفاوت ماده ۱۱۳۰ ق.م. با شروط ضمن عقد نکاح این است که با تحقق عسرو حرج وفق ماده فوق‌الذکر حاکم، به ولایت از زوج ممتنع، زوجه را طلاق می‌دهد. اما چنانچه سوء رفتار زوج به عنوان شرط ضمن عقد قید شده باشد، زوجه با اثبات تحقق شرط در مرجع قضایی ذیصلاح، خود به وکالت از زوج با انتخاب نوع طلاق، صیغه آن را جاری می‌سازد یا به دیگری وکالت در اجرای صیغه طلاق می‌دهد. در عمل احراز سوء رفتار و سوء معاشرت زوج، با محکومیت وی به اتهام ضرب و جرح زوجه، هتک حرمت و افترا نسبت به وی و غیره اثبات می‌گردد.

#### شرط سوم:

**ابتلاء زوج به امراض صعب‌العلاج به نحوی که دوام زناشویی برای زوجه مخاطره‌آمیز باشد.**

انحلال عقد نکاح دائم با فسخ یا طلاق صورت می‌گیرد. قانون مدنی، امراض و معایبی را برای زوجین، از موارد فسخ نکاح دانسته و در این موارد به طرف دیگر حق فسخ نکاح داده است. در فسخ نکاح، رعایت ترتیباتی که برای طلاق مقرر است شرط نیست و بدون رعایت تشریفات صوری که در هنگام اجرای طلاق لازم است (از جمله صیغه خاص، حضور دو شاهد عادل، نبودن در طهر و عادت زنانگی) صورت می‌گیرد. همچنین فسخ نکاح با قصد انشاء کسی که حق فسخ دارد (زوج یا زوجه) محقق می‌گردد و احتیاج به اذن یا حکم دادگاه نیست. همچنین برخلاف طلاق، فسخ نکاح در نکاح موقت نیز قابلیت اعمال دارد و بالاخره فسخ حق زوجین است،

اما طلاق تنها به وسیلهٔ مرد یا نمایندهٔ قانونی وی صورت می‌گیرد. مواردی که زوجه می‌تواند بر مبنای آن نکاح را فسخ نماید وفق مادهٔ ۱۱۲۱ و ۱۱۲۲ ق.م. عبارتند از: جنون، خصاء، عنن و مقطوع بودن آلت تناسلی. همچنین مطابق ماده ۱۱۲۸ ق.م. هرگاه در یکی از طرفین صفت خاصی (به عنوان مثال سلامت جسمی کامل) شرط شده باشد و بعد از عقد معلوم شود که طرف عقد فاقد وصف مقصود بوده، برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود.

در شرط سوم به طور کلی، تمامی امراض صعب‌العلاج را با این شرط که دوام زناشویی برای زوجه مخاطره‌آمیز باشد، از مواردی دانسته که به زوجه حق طلاق می‌دهد. حال باید معلوم شود که امراض صعب‌العلاج چه امراضی هستند و مرجع تشخیص دهندهٔ آنها کیست؟ اگر چه در بسیاری از بیماری‌ها مثل سرطان و ایدز، در صعب‌العلاج بودن آن تردیدی نیست؛ اما در خصوص بیماری‌های دیگر، تشخیص صعب‌العلاج بودن با نظر کارشناس است و کارشناس می‌تواند پزشکی قانونی یا خبرهٔ دیگری به تشخیص دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوی باشد.

آیا اگر این امراض قبل از عقد موجود باشد و زوجه از آن آگاهی داشته باشد، برای وی حق شرط است؟ استناد به شرط سوم به عنوان مفردی از زندگی زناشویی، هنگامی ممکن است که زوجه از وجود مرض در هنگام عقد آگاه نباشد و در غیر این صورت نمی‌توان برای وی حق طلاق قرار داد. با توجه به اینکه پیشنهاد و ایجاب در عقد نکاح از سوی زوجه است و زوجه با شناخت از وضعیت جسمی زوج، چنین ایجابی را داده است، لذا اعطای چنین حقی به وی که هر زمان

خواست بتواند به واسطه وجود مرض صعب العلاجی در زوج، از وی درخواست طلاق کند، غیر منطقی است. ماده ۱۰۶۹ ق.م. شرط خیار فسخ را نسبت به عقد نکاح باطل دانسته و بدین ترتیب بین عقد نکاح و سایر عقود، تفاوت قائل شده است.

سؤال دیگر آن است که آیا زوجه می‌تواند به جای فسخ نکاح از شرایط مندرج در عقد نکاح استفاده نماید؟ فسخ حقی قابل اسقاط است. مطابق ماده ۱۱۳۱ ق.م. خیار فسخ فوری بوده و اگر طرفی که حق فسخ دارد، بعد از اطلاع به علت فسخ، نکاح را فسخ نکند، خیار او ساقط می‌شود به شرط اینکه علم به حق فسخ و فوریت آن داشته باشد. پس چنانچه زوجه با اطلاع از وجود بیماری زوج، استفاده از شرط ضمن عقد را برای گسستن علقه زوجیت انتخاب نماید؛ عمل فوق به منزله اسقاط حق فسخ بوده و از جنبه قانونی، ایرادی بر آن وارد نیست. حق درخواست طلاق توسط زوجه پس از اطلاع از وجود بیماری در زوج فوری است. موارد فوری بودن اعمال حق را مقنن تصریح نموده، ماده ۴۴۰ ق.م. در خصوص فوریت خیار تدلیس است. «طبق قاعده کلی پس از آنکه حقی به سببی از اسباب برای کسی به وجود آید به خودی خود ساقط نمی‌شود؛ مگر آنکه طبق نص قانونی در موارد معینی ساقط گردد، یا آنکه دارنده حق آن را اسقاط کند. بنابراین در هر موردی که حق به جهتی از جهات برای فرد ایجاد شود، چنانچه آن را از خود ساقط نماید می‌تواند هر زمان اعمال کند مگر آنکه قانون، فوری بودن آن را لازم دانسته باشد». به همین دلیل، در مواردی که حق فسخ فوری است، چنانچه دارنده حق در اثر جهل به حکم (مثل جهل زن به وجود حق فسخ در بروز جنون زوج)، یا جهل به فوریت در اعمال آن حق،

فسخ را به تأخیر اندازد، وفق مفهوم ماده ۱۱۳۱ ق.م. حق وی ساقط نگردیده و پس از رفع جهل می‌تواند فسخ را اجرا نماید. ضمناً تشخیص مهلتی که برای فسخ لازم است، مطابق عرف و عادت می‌باشد.

### شرط چهارم:

#### جنون زوج در مواردی که فسخ نکاح شرعاً ممکن نباشد.

وفق ماده ۱۱۲۱ ق.م. «جنون» از موارد فسخ نکاح است. مطابق این ماده جنون زوج در مرحله قبل و بعد از ازدواج از موارد فسخ نکاح برای زوجه می‌باشد؛ به شرط اینکه زوجه بعد از عقد آگاه شود. جنون مندرج در ماده ۱۱۲۱، اعم از مستمر یا ادواری است. جنون از نظر لغوی به معنای دیوانگی، بیماری دماغی و زائل شدن عقلاست. در اصطلاح پزشکی، جنون بیماری است که مبتلا به آن قدرت تمیز نیک و بد را از دست می‌دهد و سود و زیان گفتار و کردار خویش را تشخیص نمی‌دهد و دارای مفهوم نسبی و مرتبط با محیط زندگی فرد می‌باشد. در اصطلاح حقوقی جنون، زوال عقل و فقدان شعور است و مبین نوعی زوال و اختلال در قوای دماغی است به طوری که اعمال مجنون فارغ از اختیار و اراده آزاد است. جنون باید ثابت شود، زیرا: «جنون فرض و اماره قانونی نیست، لذا باید در هر مورد وجود آن اثبات شود». به این معنا که مرز بین جنون و عقل را با استفاده از علم پزشکی و تفسیر عرف از دیوانگی می‌توان باز شناخت. البته اعمال این شرط وقتی است که فسخ نکاح شرعاً ممکن نباشد. شرایطی که مقنن برای فسخ در نظر گرفته عبارت است از:

(۱) فوریت؛ به این معنا که هرگاه زن یا مرد به عیبی در دیگری علم پیدا کنند و به فسخ مبادرت نکند، عقد لازم می‌شود.

(۲) عدم آگاهی؛ فسخ کننده نباید بر وجود عیب قبل از عقد علم داشته باشد.

(۳) استقرار جنون؛ به معنای غیر قابل درمان بودن جنون است.

بنابراین چنانچه زوجه پس از اطلاع از جنون زوج، فوراً درخواست فسخ نماید، حق فسخ وی ساقط می‌گردد، اما می‌تواند به استناد شرط فوق درخواست طلاق نماید. حتی جنون ادواری نیز باید عارضه‌ای دائمی در فرد ایجاد نماید، تا بتوان آن را از موارد فسخ دانست. زیرا مبنای حق فسخ رفع ضرر است و چنانچه جنون زودگذر و قابل درمان باشد، ضرر غیر قابل دفع وجود ندارد تا حق فسخ ایجاد نماید. یکی از حقوق دانان معتقد است: «اگر جنون عارضه‌ای زودگذر باشد و در بیمار باقی نماند حق فسخ برای همسر وی ایجاد نمی‌کند، زیرا ضرر ناشی از آن به دیده عرف تحمل‌پذیر است و پیوند زناشویی این ارزش را دارد که برای نگاهداری آن چنین ناملایمی پذیرفته شود. به همین جهت ماده ۱۱۱۲ ق.م. شرط ایجاد حق فسخ را استقرار جنون قرار داده است ولی جنونی که در شخص مستقر است به هر درجه که باشد موجب حق فسخ است هر چند که بیمار همیشه به یک حال باقی نماند و گاه نیز بهبود یابد و دوباره دیوانه شود یا دیوانه‌ای بی‌آزار و خاموش باشد». حال چنانچه جنون زوج مستقر نباشد، شامل شرط چهارم مندرج در عقدنامه‌ها می‌گردد. زیرا مبنای شروط فوق، صرفاً توافق طرفین بر شرط صحیح است و منظور جلوگیری از عسرو حرج و ضرر زوجه نمی‌باشد.

### شرط پنجم:

**عدم رعایت دستور دادگاه در مورد منع اشتغال زوج به شغلی که طبق نظر دادگاه صالح، منافی با مصالح خانوادگی و حیثیت زوجه باشد.**

مطابق ماده ۱۱۱۷ ق.م. شوه‌ر می‌تواند زن خود را از حرفه و صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند. مبنای این حق برای زوج، حق ریاست وی در جهت تأمین مصالح خانواده است. مطابق ماده ۱۱۰۵ ق.م. «در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص مرد است». لذا زوج حق دارد در محدوده عادات، رسوم و قانون، حق ریاست خود را اعمال نماید. در واقع حق ریاست مرد به علت تکالیفی است که بر عهده وی گذارده شده که در راستای انجام وظیفه خود در قبال زوجه و فرزندان است. البته این ریاست را اگر حقی برای زوج بدانیم باید آن را بر مبنای قاعده «لاضرر» و اصل ۴۰ قانون اساسی قابل اجرا دانست که موجب تضرر زوجه نگردد. البته چون قانون مدنی، تصریحی به وجود چنین حقی برای زوجه ندارد و از آنجا که مرد مکلف به تأدیه نفقه زوجه و فرزندان مشترک می‌باشد، لذا دادن چنین حقی به زوجه که بتواند زوج را از اشتغال منع کند، خلاف قاعده است. زیرا ترک انفاق مطابق ماده ۶۴۲ ق.م.ا. جرم بوده و قابل مجازات است. حتی زوجه، می‌تواند نفقه معوقه را از زوج درخواست نماید. بنابراین چگونه می‌توان مردی را از اشتغال به کار و کسب حلال که مورد نهی قانونگذار قرار نگرفته است، منع نمود. در حالی که قانون زوج را مکلف به پرداخت نفقه نموده است. برخی از حقوقدانان

معتقدند منع شوهر از شغلی که دارد، هرچند منافی مصالح خانوادگی و حیثیت طرفین باشد، در صورتی امکان دارد که اختلالی در امر معیشت خانواده ایجاد نشود. زیرا مسئولیت مربوط به تأمین مخارج خانواده که از لوازم عرفی ریاست شوهر بر خانواده است به او اختیار بیشتری در انتخاب شغل می‌دهد. لازم به ذکر است که خواسته در دعاوی باید مستند به قانون باشد یعنی قانون چنین حقی را به مدعی داده باشد تا بتواند ادعای خویش را در دادگاه، اقامه نماید. دادخواست زوج به طرفیت زوجه به خواسته منع زوجه از اشتغال به مشاغلی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات زوج یا زوجه باشد مستنداً به ماده ۱۱۱۷ ق.م. قابل تقدیم و پذیرش توسط دادگاه است. اما زوجه به استناد کدام یک از موارد قانونی می‌تواند چنین منعی را از دادگاه بخواهد؟

این شرط عاملی برای اعطای حق طلاق به زن است. اما این سؤال که دادگاه بر مبنای کدام ماده قانونی به چنین منعی حکم می‌کند تا با عدم رعایت دستور دادگاه، شرط فوق محقق شود هنوز باقی است؟ نظر بر اینکه شرط فوق با امضای زوجین مورد توافق قرار گرفته است، لذا برای مشروطاً له (زوجه) این حق به وجود می‌آید که زوج را از اشتغال به مشاغل نافی حیثیت زوجه، منع نماید و در این حالت زوجه دادخواستی به طرفیت زوج به خواسته طلاق به لحاظ تحقق شرط فوق تقدیم دادگاه نموده، دادگاه با توجه به شأن زوجه و عرف، نسبت به این که شغل مورد تصدی زوج، خلاف مصلحت و حیثیت زوجه است یا خیر اتخاذ تصمیم نموده و در همان پرونده دستور منع زوج از اشتغال به آن شغل را صادر می‌نماید. پس از تفهیم دستور دادگاه به زوج و مضي مدت متناسب عرفی (که برای ترک شغل لازم است)، چنانچه

زوج همچنان به شغل فعلی خود مبادرت ورزد با احراز تحقق شرط چهارم، حکم به اجرای طلاق توسط زوجه به وکالت از زوج صادر می‌نماید. همچنان که در متن شرط نیز تصریح گردیده، عدم رعایت «دستور» و نه «حکم» دادگاه، موجب تحقق شرط فوق می‌گردد و بر این مبنا، همچنان که در اجرای ماده ۱۱۱۷ ق.م. ضروری است، نیازی به تقدیم دادخواست مجزا به خواسته منع زوج از اشتغال، نمی‌باشد.

### شرط ششم:

محکومیت شوهر به حکم قطعی به مجازات ۵ سال حبس یا بیشتر یا به جزای نقدی که بر اثر عجز از پرداخت منجر به ۵ سال بازداشت شود یا به حبس و جزای نقدی که مجموعاً منتهی به ۵ سال یا بیشتر بازداشت شود و حکم مجازات در حال اجرا باشد.

شرایط اعمال شرط ششم عبارت است از:

(۱) محکومیت قطعی زوج؛ به این معنا که باید حکم بر محکومیت زوج صادر شده باشد. بنابراین چنانچه زوج به دلایلی از جمله صدور قرار بازداشت موقت در جرائمی مثل قتل عمد، بیش از پنج سال در حبس باشد، چنین حقی برای زوجه ایجاد نخواهد شد. هر چند زوجه می‌تواند در صورت اثبات عسرو حرج (سختی و فشار) خویش به واسطه بازداشت زوج، وفق ماده ۱۱۳۰ ق.م. درخواست طلاق نماید.

(۲) میزان محکومیت منجر به پنج سال حبس؛ نوع محکومیت (حبس یا جریمه) در شرط فوق مدّ نظر نمی‌باشد، بلکه ملاک این است که مجموع حبس با بازداشتی که مطابق ماده یک قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷، به لحاظ عجز از پرداخت جریمه

صورت می‌گیرد، باید حداقل پنج سال باشد. تا زوجه بتواند بر مبنای آن درخواست طلاق نماید. لذا مواردی که نوع محکومیت آن حبس است، جای ابهام نمی‌باشد. زیرا متن حکم صادره، میزان حبس را تعیین نموده است. اما اگر محکوم علیه، محکوم به جریمه یا حبس به همراه جریمه گردید، نظر بر اینکه مطابق ماده یک قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در صورت عجز محکوم علیه از پرداخت جریمه و عدم اطلاع از اموال وی، با مجوز دادگاه، بازداشت بدل از جریمه شروع می‌شود و در اثنای بازداشت هر زمان محکوم علیه مابقی جزای نقدی را که تحلیل نرفته است،پردازد یا اموالی از او یافت شود که تکافوی جریمه را بنماید، بازداشت بدل از جریمه متوقف می‌گردد، حال چگونه می‌توان مطمئن بود که محکوم علیه، بازداشت بدل از جریمه را به طور کامل تحمل خواهد کرد؟ و سؤال دیگر اینکه در مواردی که محکوم علیه به پنج سال حبس یا بیشتر محکوم شده است؛ عواملی از جمله رضایت شاکی و اعمال ماده ۲۷۷ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، آزادی مشروط و عفو موردی یا عفو خصوصی، می‌تواند منجر به تخفیف مجازات حبس یا عفو قسمتی از آن گردد. آیا در این موارد چنانچه با اعمال موارد فوق الذکر، میزان محکومیت به طور کامل اجرا نشود و مدت حبس کمتر از پنج سال شود، زوجه حق درخواست طلاق به واسطه این شرط را دارد؟ با توجه به نص شرط به نظر می‌رسد، ملاک، حکم قطعی دادگاه است. بنابراین چنانچه حکم بر محکومیت پنج سال حبس داده شده باشد، همین میزان زوجه را ذیحق در اقامه دعوی طلاق می‌نماید و در موردی که نوع محکومیت جزای نقدی یا حبس به همراه جزای نقدی باشد، با محاسبه

میزان بازداشتی که در صورت عجز از پرداخت جریمه باید تحمل شود، تحقق شرط فوق سنجیده می‌شود و پرداخت جریمه که موجب آزادی محکوم علیه از حبس می‌شود، تأثیری در تحقق شرط ندارد.

۳) اجرا شدن حکم مجازات؛ درخواست طلاق زوجه منوط به بازداشت زوج است، پس چنانچه حکم صادر شود، اما اجرای آن هنوز شروع نشده باشد، یا در مواردی که اجرای حکم به اتمام رسیده است، زوجه نمی‌تواند به استناد شرط فوق، درخواست طلاق نماید. در بازداشت بدل از جریمه نیز باید زوج در حال تحمل بازداشت بدل از جریمه باشد و پرداخت مابقی جزای نقدی که تحلیل نرفته است، نافی حق زوجه نمی‌باشد.

### شرط هفتم:

ابتلاء زوج به هر گونه اعتیاد مضرى که به تشخیص دادگاه، به اساس زندگی خانوادگی خلل وارد آورد و ادامه زندگی برای زوجه دشوار باشد.

اعتیاد در لغت به معنای «عادت کردن و خوگرفتن» می‌باشد، معتاد کسی است که عادت به مصرف دارو دارد و اعتیاد را می‌توان یک مسمومیت مزمن دانست. سازمان بهداشت جهانی اعتیاد و معتاد را چنین تعریف کرده است: «معتاد فردی است که در اثر مصرف مکرر و مداوم متکی به مواد مخدر و یا دارو شده است در حقیقت اعتیاد عبارت است از یک حالت مزمن که در اثر تکرار مصرف مواد مخدر یا دارو که دارای مشخصات چهارگانه می‌باشد: اول: در اثر مصرف مکرر مواد یا دارو، عادت روحی ایجاد شود و این عادت فرد را به علت نیاز

و تمایل روانی به سوی مصرف مواد مخدر یا دارو به حد وسواس تشویق و ترغیب نماید. دوم: برای نگهداری اثری که منظور و مطلوب معتاد است مقدار مصرفی مرتباً رو به افزایش رود. سوم: در اثر قطع مواد مخدر یا دارو، علائم خاصی در بیمار (معتاد) ظاهر می‌گردد که آن علائم بستگی به نوع مواد مخدر یا داروی مصرفی دارد مانند: تشنج، لرزش و درد عضله‌ای در تریاک و مشتقات آن. چهارم: اعتیاد به مواد مخدر یا دارو برای فرد یا جامعه زیان‌آور باشد». بنابراین توتون و سیگار نیز که جزء مواد مجاز هستند باید جزء مواد مخدر به حساب آیند چون عوارض جسمی و روانی نامساعدی دارند.

علت گذاشتن شرط فوق در عقدنامه‌ها، اثرات سوء اعتیاد بر رفتارهای اجتماعی معتاد مانند فقدان احساس مسئولیت پذیری وی می‌باشد. اما آنچه در شرط فوق قابل توجه است، عدم ذکر نوع اعتیاد می‌باشد. زیرا اعتیاد به معنی عادت کردن است که می‌تواند نسبت به مواد مجاز مثل چای و قهوه نیز ایجاد شود. مواد مخدر نیز خود به انواع مجاز مانند: سیگار و غیر مجاز مانند: هروئین و تریاک، اطلاق می‌گردد. ذکر کلمه اعتیاد به طور مطلق و مقید نمودن آن به کلمه «مضر» موجب ابهام می‌شود. توضیح اینکه مصرف مواد تخدیر کننده با توجه به ایجاد وابستگی و عادت به آن و ایجاد ضایعات جسمی و روانی در صورت قطع مصرف، به هر حال مضر می‌باشد. بنابراین تقیید واژه اعتیاد به کلمه «مضر» با توجه به نسبی بودن مفهوم آن صحیح نبوده و بهتر است در شرط فوق «مواد مخدر» را که به طور خاص دربرگیرنده مصادیق مواد تخدیرکننده غیر مجاز است گنجانده می‌شد.

این شرط، اعتیادی را موجب حق طلاق برای زوجه می‌داند که به

اساس زندگی خانوادگی خلل وارد آورد. بنابراین اعتیادی که موجب عجز زوج از انجام وظایف زناشویی به معنای خاص (نزدیکی) و تکالیف وی نسبت به زوجه از جمله پرداخت نفقه، معاضدت در تشیید مبانی خانواده گردد، محقق کننده شرط هفتم و موجد حق درخواست طلاق برای زوجه است. قسمت اخیر شرط هفتم قید «دشوار بودن ادامه زندگی برای زوجه» را به همراه ایجاد اختلال در زندگی زناشویی لازم دانسته و با قرار دادن حرف ربط «و»، اختلال در زندگی زناشویی که دشواری برای زوجه ایجاد کند را موجب تحقق شرط هفتم قرار داده است. لفظ دشواری در این بند به معنای «عسرو حرج» نبوده و مراتب خفیف‌تر از آن را دربرمی‌گیرد. زیرا اثبات عسرو حرج زوجه به هر دلیلی، حق استفاده از ماده ۱۱۳۰ ق.م. را ایجاد می‌نماید و دیگر نیازی به گنجاندن آن به عنوان شرط ضمن عقد نمی‌باشد.

#### شرط هشتم:

**زوج زندگی خانوادگی را بدون عذر موجّه ترک کند و یا شش ماه متوالی بدون عذر موجّه از نظر دادگاه غیبت نماید.**

مواد ۱۰۲۹ و ۱۰۳۰ ق.م. به چگونگی حق طلاق زن در صورت غیبت زوج پرداخته است. مطابق ماده فوق هرگاه شخصی چهار سال تمام غایب باشد، زوجه می‌تواند، تقاضای طلاق نماید. در این صورت با رعایت ماده ۱۰۲۳، حاکم او را طلاق می‌دهد. در این ماده احکام صدور حکم موت فرضی غایب بیان گردیده و مطابق آن برای صدور حکم فرضی، محکمه باید در یکی از جراید محلی و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران سه بار متوالی به فاصله یک ماه اعلان

نماید و اشخاصی را که ممکن است از غایب خبر داشته باشند دعوت نماید تا خبر خود را به اطلاع محکمه برسانند و اگر یک سال پس از تاریخ اولین اعلان، حیات غایب ثابت نشود حکم فوت فرضی او صادر می‌گردد. ماده ۱۰۲۹ ق.م. و شرط هشتم مندرج در عقدنامه‌ها تفاوت‌هایی دارند که عبارت است از:

(۱) ماده ۱۰۲۹، حق درخواست طلاق برای زوجه را منوط به غیبت زوج نموده است. «غایب به کسی گویند که از محل سکونت خود مدت نسبتاً مدیدی دور شده و خبری از او برای احدی از کسان و آشنایان وی نمی‌رسد». ماده ۱۰۱۱ ق.م. غایب مفقودالاثرا را کسی می‌داند که از غیبت وی مدت بالنسبه مدیدی گذشته و از او به هیچ وجه خبری نباشد. شرط هشتم ترک زندگی و غیبت زوج را موجد حق درخواست طلاق برای زوجه می‌داند، تفاوت غیبت مندرج در این شرط با غیبت مندرج در ماده ۱۰۱۱ و ۱۰۲۹ ق.م. در مدت آن می‌باشد. در قانون مدنی مدت غیبت به طور نسبی و با توجه به وضعیت شغلی و کاری فرد، معین شده است و صدور حکم فوت فرضی نیز برای چنین فردی با توجه به مدتی که شخص عادتاً زنده فرض نمی‌شود و با عنایت به چگونگی غیبت و وضعیت وی در غیبت مشخص می‌گردد. اما غیبت مندرج در شرط هشتم مقید به مدت شش ماه است و علت تفاوت نیز در چگونگی درج غیبت به عنوان شرطی برای طلاق در عقدنامه‌ها و قانون مدنی است. زیرا شروط ضمن عقد نکاح با توافق زوجین جعل می‌گردد؛ اما در طلاق زوجه غایب، توافقی بین زوجین صورت نگرفته و مطابق اصول کلی، حق طلاق هنوز به مرد اختصاص دارد. لذا این حاکم است که برای جلوگیری از عسرو حرج زوجه به ولایت از زوج،

طلاق را جاری می‌سازد. ماده ۱۰۲۳ ق.م. با عبارت «حاکم او را طلاق می‌دهد»، به این معنا اشاره دارد.

علت دیگری که در شرط هشتم موجد حق طلاق می‌گردد، «ترک زندگی» است که مفهومی متفاوت از غیبت دارد. «عمل ارادی نافعی» [۵۶] را ترک گویند در «ترک زندگی» بر خلاف «غیبت» از زوج خبری در دست است و حتی می‌تواند محل زندگی او مشخص باشد؛ اما وی زندگی مشترک و زوجه را ترک نموده است و در جای دیگر به دور از آنها زندگی می‌کند. حتی اگر زوج که زندگی را ترک نموده، مخارج زندگی زوجه را تأمین کند باز تأثیری در تحقق شرط هشتم ندارد. زیرا زوجه دارای حقوق واجبه دیگری از جمله حق قسم و همخوابگی می‌باشد که با ترک زندگی، آنان نیز فوت می‌شود.

۲) وفق شرط هشتم، درخواست طلاق منوط به عدم ارائه عذر موجه از طرف زوج در توجیه غیبت خویش می‌باشد. بنابراین چنانچه غیبت زوج به دلایلی از جمله حبس و توقیف، بیماری یا سفری که به علل غیر ارادی تا به حال بازنگردیده باشد، موجهی برای طلاق نمی‌گردد. اما قانون مدنی در ایجاد حق درخواست طلاق برای زوجه غایب، علت غیبت را مورد توجه قرار نداده است.

۳) در این شرط، بازگشت زوج به زندگی پس از انقضای مدت مربوطه، تأثیری در تحقق شرط نداشته و حق مکتسبه زوجه را در اجرای حق طلاق از بین نمی‌برد. اما مقررات قانون مدنی تا زمانی است که طلاق جاری نشده یا مدت عده منقضی نگردیده، لذا هر گاه زوج غایب مراجعت نماید در صورت عدم اجرای طلاق، حق زوجه ساقط می‌گردد و اگر طلاق جاری شود، اما مدت عده هنوز منقضی نشده

باشد، زوج حق رجوع به زوجه را دارد.

۴) با توجه به مدلول ماده ۱۰۳۰ ق.م. طلاق زوجه غایب مفقودالاثراثر از نوع رجعی است. اما نوع طلاق مندرج در شروط ضمن عقد نکاح به انتخاب زوجه است.

۵) طلاق زوجه غایب مفقودالاثراثر توسط حاکم از طرف زوج غایب اجرا می شود. اما طلاق ناشی از شروط ضمن عقد، رأساً یا با توکیل به غیر، اجرا می شود.

با وجود تفاوت های فوق الذکر معلوم می شود، احکام طلاق زوجه غایب مفقودالاثراثر با شرط هشتم مندرج در عقدنامه ها از این جهت که در هر دو حالت باید غیبت زوج متوالی و غیر منقطع باشد شبیه یکدیگر است.

### شرط نهم:

**محکومیت قطعی زوج در اثر ارتکاب جرم و اجراء هرگونه مجازات اعم از حد و تعزیردر اثر ارتکاب جرمی که مغایر با حیثیت خانوادگی و شئون زوجه باشد.**

منظور از محکومیت قطعی، صدور حکم بر محکومیت شخص است، به گونه ای که امکان اعتراض به آن، طبق روال عادی ممکن نباشد. مطابق ماده ۲۳۲ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، اصل بر قطعی بودن آراء صادره از محاکم است؛ مگر مواردی که استثناء شده است. محدوده استثنائات مصرّحه در ماده ۲۳۲، آنچنان گسترده است که اکثریت قریب به اتفاق آراء صادره، قابلیت تجدید نظر دارند. همچنین آراء غیابی، وفق ماده ۲۱۷، پس از ابلاغ

واقعی، ظرف ده روز قابل واخواهی در دادگاه صادر کننده حکم بوده و پس از آن نیز ظرف بیست روز قابل تجدید نظر در مرجع مربوطه می‌باشد. احکام غیر قطعی دادگاه‌های عمومی و انقلاب پس از طی مراحل فوق و انقضای مهلت‌های مذکور و عدم وصول لایحه واخواهی یا تجدید نظر از حکم (حسب مورد) قطعی می‌گردد. اگرچه آراء قطعی محاکم، به طرق استثنایی از جمله اعلام اشتباه قاضی و اعاده دادرسی، قابلیت بازنگری مجدد دارند؛ اما منظور از محکومیت قطعی، همانا قطعیت حکم و طی شدن مراحل عادی اعتراض می‌باشد. حال چنانچه پس از صدور حکم قطعی بر محکومیت زوج، زوجه از دادگاه، درخواست طلاق نماید و پس از صدور حکم طلاق و قطعیت آن، حکم محکومیت زوج از طرق استثنایی نقض گردد، تکلیف حکم صادره مبنی بر طلاق چیست؟

به نظر می‌رسد، اگر چه شرط نهم، «محکومیت قطعی زوج» را مبنای ایجاد حق طلاق قرار داده؛ البته محکومیتی که صحیح باشد. بنابراین چنانچه حکم صادره به عللی از جمله اشتباه قاضی یا اعاده دادرسی، نقض گردد، چنین محکومیتی موجب حق درخواست طلاق برای زوجه نمی‌باشد. قسمت اخیر شرط که فلسفه حق را «مغایرت جرم و مجازات با حیثیت و شئون زوجه» برشمرده، مؤید این نظر می‌باشد و با توجه به اینکه مبنای صدور حکم طلاق، احراز تحقق شرط بر اساس حکم اشتباه بوده، حکم طلاق نیز اشتباه و قابل نقض است.

این شرط، با محکومیت زوج و اجرای هرگونه مجازات اعم از حد و تعزیر محقق می‌گردد. ماده ۱۲ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲،

مجازات‌های مندرج در قانون را حدود، قصاص، دیات و تعزیرات می‌شمارد. شرط فوق، محکومیت به جرائم مستوجب قصاص (قتل یا جرائم علیه تمامیت جسمانی که به عمد واقع می‌شود) یا جرائم مستوجب دیه، (جرائم علیه تمامیت جسمانی که به نحو خطائی یا شبه عمد واقع می‌شوند.) را موجب تحقق حق طلاق برای زوجه نمی‌داند که این موضوع جای بحث دارد. زیرا جرائمی مانند قتل عمد بیشتر مورد تقبیح وجدان عمومی جامعه است تا جرائم قابل تعزیر، مثل خیانت در امانت. انتخاب مجازات حد و تعزیر در شرط نهم و عدم اشاره به مجازات‌های قصاص و دیه (با توجه به اینکه در جرائم علیه تمامیت جسمانی که به طور عمد واقع می‌شود در مواردی از جمله موضوع مواد ۲۲۰، ۲۲۲ و ۲۷۷ ق.م.ا. به علت عدم امکان قصاص، دیه به عنوان مجازات بدلی در نظر گرفته شده است.) ترجیح بلامرغ می‌باشد.

مقنن در سال ۱۳۷۰ نوع دیگری از مجازات‌ها را متذکر گردید. ماده ۱۲ این قانون، مجازات‌های بازدارنده را به عنوان نوع پنجم مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اسلامی در نظر گرفت و ماده ۱۷ قانون فوق‌الذکر، در تعریف مجازات بازدارنده، آن را تأدیب یا عقوبتی دانسته که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع، در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی از قبیل حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب و غیره تعیین می‌گردد.

فرق مجازات‌های بازدارنده با تعزیری در این است که مجازات تعزیری مربوط به فعل یا ترک فعلی است که بر حرمت آن در شرع تأکید شده است؛ مانند ترک انفاق. اما مجازات بازدارنده برای فعل یا ترک فعلی تعیین می‌گردد که دارای سابقه فقهی نبوده و بر اساس

مصالح و مقتضیات اجتماعی و حکومتی مورد نهی قانون گذار قرار گرفته است؛ مانند: فکّ پلمپ.

تشخیص مغایرت جرم با حیثیت خانواده و شئون زوجه با توجه به نوع جرم، ماهیت ارتكابی آن، قضاوت عرف و همچنین با عنایت به وضعیت خانوادگی و شأن زوجه، با دادگاه است.

### شرط دهم:

در صورتی که پس از گذشت ۵ سال، زوجه از شوهر خود به جهت عقیم بودن و یا عوارض جسمی دیگر زوج، صاحب فرزند نشود.

بقای نسل و توالد، یکی از اهداف عقد ازدواج بوده و به همین جهت مقنن یکی از تکالیف زوجین را معاضدت در تربیت اولاد دانسته است. شرط فوق در عقدنامه‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است. زیرا گنجاندن صفت بارور بودن برای زوج در ضمن عقدنامه خلاف رویه معمول است و اثبات عسرو حرج به جهت عقیم بودن زوج در دادگاه امری مشکل است. تحقق این شرط، منوط به عقیم بودن زوج یا بچه‌دار نشدن او به علت عوارض جسمی است و چنانچه زوج بدون وجود نقص جسمی، خود مایل به بچه‌دار شدن نباشد، تمسک زوجه به این شرط ممکن نمی‌باشد.

### شرط یازدهم:

در صورتی که زوج، مفقودالایر شود و ظرف شش ماه پس از مراجعه زوجه به دادگاه پیدا نشود.

شرط یازدهم مفقودالاثربودن زوج را با شرایطی دیگر موجب استحقاق زوجه برای درخواست طلاق دانسته است. تفاوت شرط هشتم با یازدهم به شرح ذیل است:

(۱) مدت غیبت در شرط هشتم شش ماه متوالی است. در حالی که در شرط یازدهم، غیبت زوج باید شش ماه از تاریخ مراجعۀ زوجه به دادگاه ادامه یابد. لذا در این شرط طول غیبت مدنظر نمی باشد. در شرط هشتم زمان مراجعۀ زوجه به دادگاه مدخلیتی ندارد و آنچه مهم است؛ غیبت شش ماهۀ زوج است. حال چه قبل از مراجعۀ زوجه به دادگاه یا بعد از آن باشد.

(۲) بازگشت زوج پس از انقضای مدت شش ماه از صدور حکم طلاق یا اجرای آن، در شرط هشتم، تأثیری در حق طلاق زوجه ندارد و چنانچه زوجه بتواند غیبت شش ماهۀ زوج را ثابت نماید، شرط، تحقق می یابد. اما در شرط یازدهم، دادگاه با دریافت درخواست طلاق زوجه، باید پرونده را در وقت نظارت قرار دهد تا مدت شش ماه از تاریخ مراجعۀ زوجه به دادگاه منقضی شود و چنانچه پس از این مدت، غیبت زوج ادامه یابد، استحقاق زوجه بر حق طلاق احراز می گردد و بازگشت زوج در خلال این مدت مانع از تحقق شرط می شود.

(۳) علت غیبت در شرط هشتم مورد توجه قرار گرفته است، لذا اگر زوج بتواند عذر موجهی بر غیبت خویش اقامه نماید، شرط فوق محقق نمی گردد. اما در شرط یازدهم، توجهی به علت غیبت نشده است و صرف ادامه غیبت پس از شش ماه از مراجعۀ زوجه به دادگاه، موجب حق طلاق برای وی می باشد.

### شرط دوازدهم:

زوج همسر دیگری بدون رضایت زوجه اختیار کند یا به تشخیص دادگاه، نسبت به همسران خود اجرای عدالت ننماید.

آیا منظور از «زوج همسر دیگری» اختیار کند، با عقد نکاح دائم یا عقد منقطع است؟ دو پاسخ متفاوت می‌توان ارائه نمود:

الف) عقد منقطع برای مدت معینی واقع می‌شود و از جهت حقوق و وظایف زوجین، تفاوت‌هایی با عقد دائم دارد که در قانون مدنی به آن تصریح شده است. لفظ «ازدواج»، هرگاه به طور عام به کار برده شود، در عرف انصراف به ازدواج دائم دارد؛ مگر قرینه‌ای بر انصراف آن از معنای عرفی وجود داشته باشد؛ زیرا مطابق ماده ۲۲۴ ق.م. الفایز عقود به معانی عرفیه حمل می‌شود. بنابراین قرار دادن چنین حقی برای زوجه، خلاف اصل است و در تعیین قلمرو آن باید تفسیر مضیق صورت گیرد، پس در صورتی زوجه می‌تواند با استناد به شرط، خود را مطلقه کند که زوج اقدام به ازدواج مجدد به طور دائم نموده باشد.

ب) در این شرط لفظ «ازدواج» به طور مطلق به کار برده شده است، لذا مشروط نمودن حق زن به ازدواج دائم، صحیح نیست. البته از آنجا که منظور از لفظ «ازدواج»، جاری کردن صیغه عقد نکاح بین زن و مرد به گونه‌ای است که روابط زناشویی برقرار گردد، لذا دائم یا موقت بودن این رابطه مهم نیست و محدود ساختن حق زوجه اول به تحقق ازدواج مجدد زوج به نحو دائم، خلاف موازین حقوقی و انصاف قضایی بوده و پذیرش نظر دوم به نظر میرسد درست‌تر است.

ابهام دیگر آنکه آیا ازدواج مجدد زوج باید به طور رسمی باشد یا

ازدواج با سند عادی نیز موجد چنین حقی برای زوجه اول می شود؟ آنچه در شرط ازدواج مجدد زوج، مدنظر است نفس ازدواج می باشد و فرقی بین وقوع آن به واسطه سند رسمی یا عادی نمی باشد. البته اثبات تحقق عقد نکاح ثانوی به موجب سند عادی برای زوجه اول سخت تر است؛ زیرا وی مدعی و محتاج به بینه محکمه پسند دارد. سؤال دیگر این است که اگر اجازه ازدواج مجدد از سوی دادگاه صالح برای زوج صادر شده باشد، آیا زوجه اول حق اجرای شرط ضمن عقد را دارد؟ در جواب به این سؤال دو نظر می باشد، نظر اول: این شرط به طور عام و بی هیچ قیدی، حق طلاق را به زن اعطاء کرده است پس در چنین حالتی، حق زن برای استفاده از شرط ضمن عقد محفوظ است. نظر دوم: زوجه در صورتی می تواند به شروط ضمن عقد متمسک شود که خود عامل به وجود آورنده تخلف از شرط نباشد، لذا اگر زوج نشوز زوجه را ثابت نماید و در نتیجه حکم بر الزام به تمکین زوجه، از ناحیه دادگاه صادر گردد، اما دادگاه در اجرای حکم، موفق نباشد و در نتیجه دادگاه حکم به صدور مجوز ازدواج مجدد یا اعلام رضایت همسر اول به تجدید فراش نماید، زوجه نمی تواند به این شرط استناد نماید. با توجه به تالی فاسد نظر اول باید گفت نظر دوم به نظر می رسد درست تر باشد، زیرا در صورت تمسک به نظر اول، به زوجه اجازه داده می شود با در پیش گرفتن رفتار سوء و سوق دادن زوج به تجدید فراش، مبادرت به مطلقه ساختن خویش نماید.

سؤال دیگر آن است که چنانچه زوجه مجوز طلاق را براساس این شرط کسب نماید، آیا باید حقوق خویش را بذل کند یا مستحق دریافت آن است؟ عده ای را نظر بر آن است که اصل بر رجعی بودن

طلاق است و طلاقى که توسط دادگاه به واسطه عسر و حرج زوجه و یا طلاقى که زوجه به وکالت از زوج جاری می‌سازد از نوع رجعى است و زوج در مدت عدّه حق رجوع دارد. اما با در نظر گرفتن فلسفه چنین طلاقى توسل به این نظر صحیح نبوده و موجب عبث شدن چنین وکالتى می‌شود. از آنجا که هر گاه زوجه با اثبات تحقق شرط ضمن عقد به مفردى برای رهاى از ادامه زندگى زناشویى دست یابد پس از جاری نمودن صیغه طلاق به وکالت از زوج، وی با رجوع خود، عمل زوجه را بی‌اثر می‌سازد. یکى از فقها در مورد طلاقى که به واسطه عدم پرداخت نفقه به حکم دادگاه واقع می‌شود چنین می‌فرماید: «هرگاه زوج از پرداخت نفقه خودداری نماید در صورتى که زوجه استحقاق دریافت نفقه را دارد و زوجه نزد حاکم شکایت برد، حاکم در ابتدا زوج را امر به پرداخت نفقه یا طلاق می‌نماید و اگر زوج از انتخاب یکى از دو امر امتناع نمود حاکم زن را طلاق می‌دهد و دلیل بر این است که این طلاق بائن است و زوج در مدت عدّه اجازه رجوع به شوهر ندارد».

بعضى از حقوقدانان معتقدند: «طلاقى که زن خود را به عنوان وکالت ضمن عقد می‌دهد بائن است و زوج نمى‌تواند در عدّه به آن رجوع نماید زیرا منظور طرفین از شرط وکالت زوجه در طلاق ضمن عقد، طلاق غیر قابل رجوع بوده و عقود تابع قصد طرفین می‌باشد». همچنین بر این استدلال که اصل بر رجعى بودن طلاق است و طلاق‌های بائن، محصور در ماده ۱۱۴۵ ق.م. می‌باشد، چنین پاسخ داده‌اند: «ایراد به قانون مدنى که طلاق مذکور را در ردیف طلاق‌های بائن در ماده ۱۱۴۵ ق.م. به شمار نیاورده است وارد نمى‌باشد؛ زیرا ماده فوق در مقام بیان طلاق‌هایی است که طبیعتاً بائن است و طلاق‌هایی که

زن در اثر شرط وکالت خود می‌دهد به جهات خارجی باین است». البته وکیل دارای کلیه اختیارات تفویض شده موکل است، پس نوع طلاق به انتخاب زوجه می‌باشد و وی می‌تواند با انتخاب نوع طلاق، خود را مطلقه کند و در صورت انتخاب طلاق خلع و بذل فدییه که معمولاً قسمتی از مهریه یا نفقه معوقه است، از جانب زوج، قبول بذل نموده و خود را مطلقه نماید و اگر زوجه طلاق رجعی را انتخاب نمود، می‌تواند کلیه حقوق خویش را مطالبه کند. در عوض برای زوج نیز امکان رجوع در ایام عده محفوظ است، هرچند در عمل هیچ‌گاه زوجه چنین انتخابی نمی‌نماید و با بذل قسمتی (هرچند ناچیز) از مهریه خویش، امکان رجوع را از زوج سلب می‌کند.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به اصل آزادی اراده اشخاص در تنظیم قراردادها، وفق ماده ۱۰ قانون مدنی باید به زوجین حق داد تا بتوانند در هنگام انعقاد نکاح، هر شرطی که مورد توافق آنهاست در ضمن عقد نکاح بگنجانند تا به این ترتیب حق و تکلیفی مازاد بر آنچه در قانون آمده است برای طرفین قرار دهند. اما آنچه در مورد شروط ضمن عقد مندرج در نکاح‌نامه‌های رسمی جای بحث دارد، لزوم آگاهی زوجین از متن شروط و امضای شروط با رضایت و اراده کامل است. شورای عالی قضایی بعد از انقلاب اسلامی در راستای رفع مشکلات خانوادگی، خود به درج شروطی در ضمن عقد نکاح اقدام نمود تا بدین طریق با مبنای شرعی از یک سو حق طلاق، اضافه بر آنچه در قانون مدنی آورده شده است، برای زوجه قرار دهد و از سوی دیگر به حفظ حقوق زوجه‌ای

که شوهرش بدون قصوری از ناحیه وی در انجام تکالیف زناشویی، قصد طلاق وی را نموده است، اقدام ورزد. هرچند اقدام شورای عالی قضایی در گنجاندن شروط فوق در نکاحیه‌های رسمی در عمل آثار و نتایج بسیار خوبی به بار آورده است اما به دلایل ذیل جای سؤال دارد:

(۱) از آنجا که مطابق ماده ۱۱۱۹ ق.م. طرفین عقد نکاح می‌توانند هر شرط صحیحی را ضمن عقد بگنجانند، دیکته نمودن تعدادی شرط به زوجین منافات با اصل آزادی اراده آنها دارد.

(۲) هرچند صدر مصوبه شورای عالی قضایی در نکاح‌نامه‌های رسمی، سردفتر ازدواج را مکلف به تفهیم مورد به مورد شروط ضمن عقد به زوجین نموده است؛ اما در عمل چنین تفهیمی صورت نمی‌گیرد و با توجه به جو حاکم بر زمان انعقاد عقد نکاح، زوجین و خصوصاً زوج، بدون توجه به مفهوم شروط و حتی بدون اینکه متوجه باشد که در حال امضای شروط الزام آور است، نسبت به امضای متن اقدام می‌نماید و از آنجا که اراده فرد به شروط ضمن عقد نکاح مشروعیت می‌بخشد، نه صرف رسم خطوطی به عنوان امضا، لذا در مشروعیت استناد به شروط مندرج در عقدنامه‌های رسمی و حق ناشی از آن برای زوج، محل شک است. به نظر نگارنده هرچند درج شروط فوق در عقدنامه‌ها در ظاهر آثار مطلوبی به بار آورده است؛ اما پیشنهاد می‌شود در ابتدا زنان جامعه را به اثرات شرط ضمن عقد و تأمین حقوق خویش از این طریق آگاه نمائیم، به گونه‌ای که زوجین قبل از نکاح، بر شروطی که مد نظر دارند توافق واقعی نمایند؛ تا نتیجه معقول‌تری بدست آید. همچنین پیشنهاد می‌شود سردفتران ازدواج در تفهیم شروط مندرج در عقدنامه‌ها به زوجین قبل از اخذ امضای آنان دقت لازم را مبذول دارند

تا ضمن احترام به اراده آزاد زوجین، این شروط با آگاهی بیشتر آنان امضا شود.

البته رفع ابهامات موجود در شروط و تعیین صریح حدود و ثغور هر شرط که در این مقاله تا حدی مورد بحث قرار گرفت، نیز می‌تواند از تفسیرهای مختلف، متعارض و صدور آراء سلیقه‌ای توسط قضات، جلوگیری نماید.



فصل چهارم: ازدواج و شروط ضمن عقد از

منظر جامعه شناختی



## مقدمه

خانواده از جمله تاثیرگذارترین نهادهای اجتماعی در بلوغ فردی و فرایند اجتماعی شدن افراد می‌باشد و بحران ناشی از آن کل نظام جامعه را تهدید می‌نماید. به همین خاطر بسیاری از جامعه‌شناسان و سیاستمداران بازگشت به «ارزشهای خانواده» را توصیه می‌نمایند تا از آن طریق مجموعه نظام جامعه بتواند حرکت موزون خود را دنبال نماید، به همین خاطر است که جامعه‌شناسی خانواده بین سایر زمینه‌های جامعه‌شناسی، امروزه مورد توجه خاص جامعه‌شناسان، برنامه‌ریزان اجتماعی و طرفداران اصلاحات اجتماعی و... قرار گرفته است. اگر کمی به اطراف خود نگاه کنیم در می‌یابیم که فیزیک دانی که بر روی ذرات بنیادی مطالعه می‌کند نیازی ندارد که نگران آسیب رساندن به یک نوترون باشد و یک میکروپ شناس نباید احساسات یک جاندار تک یاخته را در نظر بگیرد، اما دانشمندان علوم اجتماعی، مشاوران و

خانواده درمانگران با دغدغه رعایت حقوق زن و شوهر روبرو هستند. یکی از مسائل مهم در حوزه خانواده «رضایت از زندگی» است اما مبحث مهمی که به طور کمرنگ در مباحث جامعه شناسی به آن پرداخته شده است «دغدغه شروط ضمن عقد» است. چیزی که در جامعه ما از نظر حقوقی وجود دارد اما امضای این شروط توسط زوج جوان و در یک موقعیت نمایشی در حضور مهمانان و یا در دفترخانه‌ها به «معنای واقعی امضا» نمی‌باشد. امضایی که نه با فرهنگ فکری ما آشنایی دارد و نه می‌داند که حتی با بعضی از شروط مخالف است! بنابراین لازم است با شروط ضمن عقد بیشتر آشنایی پیدا کنیم. در بخش مورد نظر، یکی از بحث‌های مورد نظر ما «جامعه، خانواده و شروط ضمن عقد» می‌باشد.

### اهمیت و ضرورت موضوع از دید جامعه شناختی

بحث شروط ضمن عقد نکاح به دلیل موارد متعدد ابتلای به آن و روز افزونی تمایل زوجین به تنظیم روابط آینده‌ی خود، از اهمیت زیادی برخوردار است و فواید زیادی هم بر آن مترتب است. قانونگذار به تبعیت از فقه به این مبحث توجه ویژه‌ای معطوف داشته و پیرامون شرایط ماهوی صحت این شروط و همچنین آثاری که بر آن مترتب است، گفتگوی فراوان نموده است.

ضرورت این بحث با توجه به پیشرفت علم و ملاحظات متعدد و متنوعی که افراد در هنگام انعقاد قرار دارد در نظر دارند اهمیت آن را به مراتب بیشتر از گذشته نموده است و در این میان شروط ضمن عقد نکاح از ویژگی خاص برخوردار است زیرا:

اولاً: اگر چه شروط در سیار عقود بیشتر جنبه مالی پیدا می کند ولی در عقد نکاح بسیاری از شروط به روابط زوجین و شریک مساعی ایشان در امور زندگی، مسائل اجتماعی، و تربیت فرزندان مسائل معنوی بر می گردد، که اهمیت والای آن بر سایر معاملات بر کسی پوشیده نیست تا آنجا که برخی فقها نکاح را در زمره عبادت قرار داده اند.

ثانیاً: کانون خانواده از آنچنان حساسیتی برخوردار است که در واقع تمامی زیر ساخت های اجتماعی فرهنگی به آن بر می گردد. به خصوص اینکه در تعالیم حیات بخش اسلام به عنوان یک نهاد محبوب خداوند به آنها نگریده شده که این خانواده کوچک اجزاء یک جامع و اجتماع بزرگتر است و سلامت جامعه در گرو سلامت خانواده است، لذا در جهت تحکیم خانواده همگان موظف هستند به نوبه خود تلاش کنند و در این میان فقهای عظام و حقوق دانان، جامعه شناسان، روان شناسان و مشاوران خانواده از شرایط ضمن عقد نکاح و آثار حقوقی ناشی از آن به چشم اصلاح خانواده و نه کسب امتیاز برای یکی از زوجین نگاه کرده اند.

جالب است بدانید در یک پژوهش که با عنوان «بررسی میزان آگاهی زنان از خود نقش ها و وظایف و حقوق خود و ارتباط این آگاهی با تحصیلات» با ابزار پرسشنامه ی ۶۷ سوالی در باب انواع شناخت و ۹ سوال حقوقی در قوانین زوجیت و حقوق زنان طراحی شده بود، پژوهشگر به این نتیجه رسید که «بسیاری از زنان حق حضانت فرزند، شرایط کار، ازدواج مجرد مرد، فعالیت های سیاسی، فرهنگی، ورزشی، مسائل پزشکی و بهداشتی بی اطلاع هستند.» و در نتیجه:

۱. آگاهی زنان از خود نقش‌ها و وظایف و حقوق خود متوسط است.

۲. شناخت زنان از حقوق خود کمتر از سایر شناخت‌هاست.

۳. میزان آگاهی زنان با تحصیلات رسمی آنان رابطه مستقیم دارد.

در ضمن بیشترین مسائل حقوقی که بین زنان مطرح بوده است صحبت در مورد رفتارهای زن و شوهری است (۳۱/۵٪) و پس از آن صحبت‌ها حول خواستگاری و مسائل قبل از ازدواج دور می‌زند (۲۹٪). زنان پاسخگو کمتر در مورد شرایط ضمن عقد با یکدیگر تبادل نظر کرده‌اند. و احتمالاً کمتر در این زمینه اطلاع حوزه‌های مخداری دارند. (۱۰٪). بنابراین با توجه به بررسی‌های انجام شده در حوزه‌های مختلف خانواده اهمیت و ضرورت بحث از منظر جامعه‌شناسی روشن می‌گردد.

### ازدواج، فرهنگ و شروط ضمن عقد

هر کدام از ما انسان‌ها از ابتدای تولد به بعد بر اساس برخورد با محیط‌های مختلف مانند: خانواده، رسانه، نهاد آموزش و پرورش و گروه همسالان دارای یک عادات واره و یک سرمایه زندگی هستیم که هر دو محصول فضاهای فرهنگی اطراف ما در طول عمرمان می‌باشد. منظور از عادت واره یعنی مجموعه طرح واره‌هایی که در طول زندگی خود بر اساس برخورد با محیط‌های مختلف کسب کرده‌ایم. این طرح واره‌ها مانند: چگونه غذا خوردن، چگونه لباس پوشیدن، چگونگی ارتباطات اجتماعی، ذوقیات، مشغولیات ما می‌باشد. بر این اساس در هر یک از محیط‌های اطراف ما فضاهایی قالب است که هر یک دارای بار فرهنگی خاصی می‌باشد. فضا یا میدان، موقعیتی است که در متن و

درون آن، ارزش‌ها، آداب و قوانین خاص آن موقعیت حاکم است. این ارزش‌ها و قوانین می‌تواند از نوع اقتصادی یا سیاسی یا فرهنگی و یا دینی باشند، که در حال، دارای بار فرهنگی هستند. ضمناً فضاهای فرهنگی توسط خود افراد جامعه در طی زمان ساخته می‌شود.

با توجه به این مقدمه امروزه در فضایی که قرار گرفته ایم، در فرهنگ فکری دخترها و پسرهایی که در حال ازدواج هستند، یک سری مسائلی غالب شده است که متأسفانه نادرست است. یک سری مسائل به باورهای نادرست درباره ازدواج منجر می‌شود و یک سری موارد به بحث‌هایی که در تبادل فرهنگ‌های فکری خانواده‌ها و دخترها و پسرها جاری است به عنوان مثال: در مورد مهریه، شیربها، شروط ضمن عقد، هزینه‌های نامزدی و هزینه‌های دوران عقد.

که در این مجال فقط اشاره ای کوتاه درباره مباحث مهم هنگام ازدواج می‌پردازیم!

### آگاهی از اهداف ازدواج

الف) لذت و آرامش ب) حفظ عفت ج) تقویت ایمان د) بقای نسل ه) پرورش نسل صالح

### آگاهی از معیارهای انتخاب همسر

الف) رشد فکری، عاطفی، اجتماعی و جسمی ب) در تشخیص رشد همه جانبه باید:

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر به کتاب «آموزش پیش از ازدواج: میرمحمد صادقی» رجوع کنید.

### ۱- واقع بین بود و از آرمان گرایی پرهیز نمود.

۲- خلق و خو، افکار، عقاید، خواسته‌ها، انتظارات، عادات، دیدگاه‌ها، حساسیت‌ها، نوع برخوردها و توانائی‌های ارتباطی و وضعیت جسمانی او شناخته شود. تمایلات طرف مقابل مبنی بر اینکه بلند پروازانه، وابسته به مظاهر دنیوی و یا متعادل است، بررسی گردد. و در حقیقت نسبت به سلامت جسمانی و روانی طرف مقابل اطمینان حاصل شود

### ۳- آگاهی از مهارت‌های ارتباطی

الف) گفتگوی حسنه ب) خوب گوش کردن ج) ابراز محبت (زبانی و عملی) د) احترام متقابل (ابراز ارزشمندی همسر تکریم و تعظیم، پرهیز از تحقیر، مسخره کردن و...) ه) عفو و گذشت و) خوش‌رویی ز) معاشرت نیک ح) مشکل‌گشایی (پرهیز از اقدام عجولانه، دوری از اظهار ناامیدی، دوری از اتهام،...)

ح-۱- شناسایی دقیق مشکل

ح-۲- بررسی راه‌حلهای مختلف با مشورت یکدیگر

ح-۳- انتخاب راه حل مفید به نظر هر دو

ح-۴- اجرای راه حل مناسب.

خ- آموزش‌های جنسی (در دوران عقد)

الف) آراستگی

ب) ابرازهای کلامی

ج) توجه به زیبایی‌ها و ابراز آنها

د) توجه به شرایط و موقعیت روانی همسر

#### ۴- آگاهی از مهارت‌های شناختی

- (الف) شناخت توانمندی‌های یکدیگر
- (ب) شناخت خواسته‌ها و نیازهای یکدیگر
- (ج) درک متقابل از یکدیگر
- (د) حقوق متقابل
- (و) مسئولیت‌ها در زندگی
- (هـ) شناخت بهتر واقعیت‌های زندگی مشترک

#### ۵- آگاهی از نگرش‌ها و باورها

- (الف) پذیرش همسر به عنوان نعمت با ارزش خداوندی (باور به ارزشمندی و منحصر به فرد بودن همسر)
- (ب) همسو کردن بینش‌ها و باورها (رشد هم‌کفوی)
- (ج) تقویت عزت نفس و حس ارزشمندی
- (د) پرورش روحیه تقوا و خدا محوری (پایبندی به ضوابط شرعی)
- (و) تقویت مثبت‌گرایی و خوش‌بینی
- (هـ) تعدیل انتظارات
- (و) تصحیح باورها در انتخاب همسر

#### باورهای نادرست افراد درباره ازدواج

هر دختر و پسر قبل از ازدواج بهتر است نگرش‌های خود و طرف مقابل را مورد ارزیابی قرار دهند که تاکید می‌شود از خودمان شروع کنیم، به این امید که خودمان بهترین انتخاب باشیم تا به دنبال بهترین انتخاب‌ها نیز برویم. مسائل زیر برای شما فقط به عنوان یک

راهنما می باشد تا شما با مراجع به کتب و متخصصان امر در ارزیابی مدنظر قرار دهید:

اگر همدیگر دوست داشته باشیم باید همیشه خوشحال باشیم.  
بدون توجه به اینکه گفته‌ام چه تاثیری در همسرم دارد، همیشه راست می‌گویم و با او صادق هستم.

نکته: جز راست نباید گفت / هر راست نشاید گفت .

گذشته‌ای که در آینده شما دخالت ندارد نباید گفت  
اگر یکدیگر را دوست داریم، نباید حتی یک لحظه از هم دور باشیم.  
زمانی که مشکل پیش می‌آید باید مشخص کنیم که مقصر کیست؟  
نکته: رفتارهای گذشته در آینده تکرار می‌شود.

اگر زن و شوهری همدیگر را دوست داشته باشند، باید بدانند که به چه نیاز دارند؟

نکته: هوش هیجانی و کاربردش بحث مهم سالیان اخیر از دید جامعه شناسی ارتباطات و روانشناسی ارتباط می‌باشد، ساده‌تر بگوییم که: شما حدس زدن ندارید، باید بدانید و یاد بگیرید. وقتی در مقام زن و شوهر هستیم نباید گمانه زنی باشد بلکه باید بیان و گفتگو باشد. سلیقه‌ها و نگاه‌ها عوض می‌شود. همیشه پرسیدن این مسائل لازم است. (پیشنهاد می‌کنیم آموزش مهارت‌های ارتباطی را در برنامه خود قرار بدهید).

رابطه خوب خود به خود اتفاق می‌افتد.

نکته: همانطور که برای همه علوم و موضوعات اطراف ما قوانینی وجود دارد، برای یک رابطه و ارتباط مؤثر هم قوانین و اصولی است که بهتر است به خوبی بیاموزید.

زن و شوهر باید همیشه نزدیک همدیگر باشند.

نکته: رشد برای جوان باید از همه لحاظ باشد. به طور مثال اگر فردی به سن ۳۰ سالگی برسد ولی هنوز از نظر اقتصادی به والدین وابسته باشد، فرد رشد یافته ای نیست.

اگر یکدیگر را داشته باشیم نیازی به خانواده، دوست و آشنا نداریم.  
نکته: دختر و پسر که در مقابل دلیل منطقی والدین لجبازی می کنند و بدون اذن پدر و مادرهایشان ازدواج می کنند، در این صورت وارد «لانه زناشویی» یا «پيله زناشویی» می شوند که عوارضی دارد از قبیل اینکه: از نظر روحی و جسمی آسیب می بینند و احتمال طلاق در این افراد بیشتر است، چون حمایت اجتماعی و مراقبتی و عاطفی ندارند.

اعتقاد به اینکه من باید همسر کامل و ایده آلی را باید انتخاب کنم.

اعتقاد به اینکه من تا کامل نشوم نباید ازدواج کنم.

اعتقاد به اینکه قبل از ازدواج باید دختر و پسر کاملاً ارتباط کامل داشته باشند تا به شناخت کامل از یکدیگر دست یابند.

اعتقاد به اینکه با هر کسی می توان خوشبخت شد فقط پس از ازدواج باید بیشتر تلاش کرد. اعتقاد به اینکه تنها عشق (رابطه عاشقانه که معمولاً بین دختر و پسر پدید می آید) برای زندگی مشترک کافی است.

اعتقاد به همزیستی (و زندگی با همسر آینده قبل از ازدواج)

اعتقاد به اینکه همسر باید متضاد جنس مخالفش باشد .

اعتقاد به اینکه انتخاب همسر شانس و اتفاقی است .

## اهمیت ازدواج و نقش خانواده ها

«ازدواج» یکی از مهمترین حوادثی است که در زندگی هر آدمی رخ می‌دهد. لذا واجد توجهی درخور اهمیت آن است. چهار پدیده مهم زندگی انسان تولد، مرگ، شغل و ازدواج است. این پدیده‌ها در شکل‌گیری شخصیت و جهت‌گیری زندگی انسان نقش قاطع دارند. سه پدیده اول در پدیده چهارم، یعنی اقدام به انتخاب همسر و ازدواج، نقش اصلی را بازی می‌کنند.

در مراسم خواستگاری یا آشنایی، توجه خواستگار و خانواده او معطوف به این است که کاندیدای ازدواج با آنها یا فرزندشان در کجا و چه خانواده‌ای متولد شده است تلقی و تعریف او و خانواده‌اش از مرگ چیست؟ و شخص خواستگار و خانواده او چه شغل یا اشتغالاتی دارند.

ازدواج که بخش عمده موضوع اصلی مورد بحث حاضر است، برخی از آن مشوق رشد و شکوفائی اشخاص است، در حالی که بسیاری از زن و شوهرها می‌توانند برای یکدیگر موجبات مصیبت‌هایی از قبیل تنها گذاشتن، ناکام کردن، شقاوت، تعارض و حتی قتل را فراهم کنند، و یا این که منتظر مرگ یکدیگر باشند. وقتی هم که مشکل و تعارض زناشویی شروع می‌شود زن و شوهر به خاطر بی‌اطلاعی از مکانیسم‌های خانواده و ندانم کاری، به مشکل دامن می‌زنند، زیرا در بسیاری از موارد، ریشه‌های آن را که در «خانواده اصلی» آنهاست، نمی‌بینند. ویته گر و گیت (۱۹۷۷) می‌گویند: برخی ازدواج‌ها در حالی به پایان می‌رسد که بعضی از اعضای آن دیوانه شده‌اند و یا یکدیگر را وادار به خودکشی یا دیگر کشی کرده‌اند و از همه تاسف‌بارتر این که از

آدم‌های بسیار نازنین و با صفا که همان همسرشان باشد، اهریمن‌های نفرت‌انگیزی ساخته‌اند.

زناشوئی ارتباط دو شخصیت است، با حفظ استقلال نسبی طرفین برای همکاری متقابل، نه نابودی یکی به نفع دیگری، زناشوئی بر محبت، همکاری، همدردی، تفاهم، تکامل، گذشت و فداکاری متقابل، حفظ منافع مشترک، تعالی و رشد زوجین استوار است. مفهوم و مقصود ازدواج در طی قرن‌ها و در شرایط مختلف اقتصادی، اجتماعی، جغرافیائی و... پیوسته دستخوش تغییر و تحول بوده و با عوامل گوناگون در آمیخته است، دور شدن از این مفهوم و بی‌توجهی به هدف‌های اساسی آن و شرایط جدید زندگی، آمار ازدواج‌های سست و نابسامان و طلاق‌های زیان‌آور را افزایش داده است. چرا که ازدواج پاسخی است جامعه‌پسندانه به یکی از نیازهای اصلی انسان‌ها برای تداوم نسل بشر با پایداری و تداوم محبت و تعلق انسان‌ها به یکدیگر، حفظ اخلاق و روابط صحیح انسان‌ها با یکدیگر و پرورش نسلی سالم در محیط عاطفی خانواده و پیامبر گرامی اسلام (ص) در باره اهمیت ازدواج می‌فرمایند: «مابنی بناء احب عندالله من الازدواج»: هیچ خانه و بنائی در نزد خدا از ازدواج کردن محبوب‌تر نیست.

از جمله موضوعات شناخته شده که می‌تواند موجب اختلافات زناشوئی باشد، این عوامل است: پول، روابط جنسی، روابط خویشاوندی، دوستان، فرزندان، مصرف مواد مخدر، نحوه صرف اوقات فراغت اختلافات مذهبی، خیانت جنسی، به پایان رسیدن عشق متقابل. مشکلات عاطفی، مشکلات مادی، سوء استفاده بدنی (مانند کتک زدن)، مشکلات ارتباط (گفت و شنود)، ازدواج در سنین پائین، درگیری‌های

شغلی و امثال آنها .

یکی از موضوعات مهم که به بحث شروط ضمن عقد مربوط می‌شود بحث «خانواده‌ها» می‌باشد. انسان از حلول و نفوذ «خانواده اصلی» در خود و در موفقیت و شکست روابط زناشویی خویش غافل است. مرموز سازی، قداست، و خصوصی بودن وقایع خانواده باعث می‌شود که آنها حتی از دید خود اعضای خانواده پوشیده بمانند. انسان عمدتاً میراث برنامه‌ریزی‌های خودآگاه و ناخودآگاه خانواده و برون‌سازی‌های دوران کودکی خود با آنهاست. برای خودشناسی باید خانواده خود را شناخت. باید پی برد به این که خانواده و والدین با الگو شدن و با استفاده از پیوندهای عاطفی، هویت ما را شکل می‌دهند و ما را به نقشه‌ایی می‌گمارند که لزوماً جزو طبیعت ما نیست. سرپیچی عضو خانواده از میراث و اسطوره‌های خانواده باعث طرد او از طرف خانواده می‌شود. تجارب بالینی حاکی از آن است که بخش عمده‌ای از تعارضات و شادکامی‌های ازدواج به خانواده اصلی زن و شوهر بر می‌گردد.

افراد در خانواده بد، خوب، سپر بلاء و در تعارضات والدینی مثلث سازی می‌شوند و با همین ریشه‌ها وارد ازدواج خود می‌گردند و اسطوره‌های خانواده خود را طی نسل‌ها تکرار می‌کنند. «خانواده اصلی» نقش مهمی در بروز نشانه‌های روانی و روانتنی اعضای خود دارد، راه حل اجتناب از این وضعیت، متمایز شدن از خانواده اصلی است.

شما زوج جوان باید به نفوذ خانواده اصلی بر خودتان و ازدواجتان حتی الامکان واقف باشید تا درگیر مسائلی که ذکر شد نشوید و از این آسیب‌ها در امان بمانید.

### شروط ضمن عقد و جامعه

اساس حقوق نوعی بده و بستان است و برپایه‌ی آن مرز مسئولیت‌ها معین می‌شود. مشی‌ها و روش و اتخاذ مواضع در قبال هم معلوم می‌گردد. آزادی‌ها تحت ضابطه و کنترل درمی‌آید. حیثیت طرفین محفوظ می‌ماند و حدود توقعات از یکدیگر معین می‌شود و اجرای عدالت ممکن می‌گردد. امنیت و سکون حاصل می‌شود. حقوق اسلامی بنای زندگی خانوادگی را براساس ظرافت‌ها و نکته‌های لطیف استوار کرده است که از جمله عناوین آن: حقوق مشترک زوجین شامل سکونت مشترک، مضاجعت و تمکین زناشویی است که در قالب شروط ضمن عقد به آن اشاره شده است.

شروطی که در قباله‌های ازدواج مندرج است، به قرار زیر است: ضمن عقد ازدواج، زوج شرط نموده است که هر گاه طلاق به درخواست زوجه نباشد و طبق تشخیص دادگاه تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسررداری یا سوء اخلاق و رفتار او نباشد، زوج موظف است تا نصف دارایی موجود را که در ایام زناشویی با او به دست آورده یا معادل آن را طبق نظر دادگاه، بلاعوض به زوجه منتقل نماید.

ضمن عقد نکاح، زوج به زوجه وکالت بلاعزل با حق توکیل غیر داد که در موارد مشروحه ذیل با رجوع به دادگاه و اخذ مجوز دادگاه پس از انتخاب نوع طلاق خود را مطلقه نماید و نیز به زوجه وکالت بلاعزل با حق توکیل غیر داد تا در صورت بذل از طرف او قبول کند (یعنی اگر زن مهریه خود را ببخشد، زن وکالت خواهد داشت این بخشش را به جای شوهرش قبول کند).

## بررسی شروط دوازده گانه از منظر جامعه‌شناختی

این موارد (دوازده گانه شروط وکالت) عبارتند از:

۱- استنکاف<sup>۱</sup> شوهر از دادن نفقه زن به مدت ۶ ماه به هر عنوان و عدم امکان الزام او به تادیه نفقه و همچنین در موردی که شوهر سایر حقوق واجبه زن را به مدت ۶ ماه نپردازد و اجبار او به پرداخت هم ممکن نباشد.

### نفقه و شروط ضمن عقد

خانواده به عنوان اولین، اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین عنصر جامعه، همواره از جهات متعدد مورد توجه شارع مقدس، فقها و حقوق دانان، جامعه‌شناسان و روانشناسان قرار داشته است، زیرا شخصیت هر انسانی در خانواده و در دامن والدین او شکل می‌گیرد. اگر خانواده از استحکام و موقعیت بهتری برخوردار باشد، تمام اعضای آن، اعم از همسران و فرزندان، با آرامش بیشتر میسر رشد و تعالی را طی کرده و بالتبع جامعه را نیز به آرامش و ثبات و سعادت می‌رسانند.

یکی از راه‌های استحکام بخشیدن به بنیان خانواده شناختن و عمل کردن به وظایف و تکالیفی است که خداوند بر عهده اعضای آن به خصوص زوجین قرار داده، تا هیچ یک از آنها از حدود خود پافراتر نگذارند و سطح انتظار خود از دیگری را محدود در حدود الهی نموده و در انجام وظایف و مسئولیت‌های خود کوشش نمایند و بتوانند با رعایت عدالت و تقوا، در مسیر حق گام برداشته و اجازه ندهند به خاطر مسائل ساده، کانون گرم خانواده که مأمّن تمام اعضا به خصوص

فرزندان می‌باشد، به خطر بیفتد. یکی از اصلی‌ترین وظایف مرد در قبال همسرش طبق آیاتی از قرآن کریم سنت نبوی، اجماع و حتی عقل، بر آورده کردن نیازهای مادی اوست که «نفقه» نامیده می‌شود. قانون مدنی نیز مسئولیت مالی و اقتصادی خانواده به خصوص زوجه<sup>۱</sup> را به عهده زوج<sup>۲</sup> گذاشته است.

### مفهوم نفقه

نفقه از نظر لغوی به معنای تلف شدن است و درباره مال به معنای خرج شدن به کار می‌رود.

در لغت عرب، «نفقه» از ریشه خروج و خرج کردن و مستهلک شدن است. نفقه در فقه، وظیفه‌ای است در قبال اطاعت زن از شوهر به ویژه در امور جنسی تحت عنوان تمکین خاص بر عهده زوج قرار گرفته است.

در قانون مدنی ایران «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل، مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضا.»

### مفهوم تمکین و شرایط آن

تمکین خاص ناظر به رابطه جنسی زن با شوهر و پاسخ دادن به خواسته‌های مشروع است. در تمکین عام معیار تشخیص اموری که

۱. زوجه: زن

۲. زوج: مرد

شوهر می‌تواند از زن انتظار داشته باشد با عرف است. داوری باید نوعی باشد و شوهر سخت گیر و باریک بین حق ندارد انتظاری بیش از اندازه متعارف از زن داشته باشد ولی در این راه بایستی درجه تمدن و تحصیلات، سن و سایر خصوصیت‌های زن و شوهر را نیز در نظر گرفت. به بیان دیگر ضابطه تمکین رفتار انسانی متعارف است که در آن شرایط خاص زندگی می‌کند و از این لحاظ هر دو جنبه شخصی و نوعی را دارد. برای مثال مفهوم تمکین درباره روستایی بی‌آلایشی که با شوهر خود در مزرعه کار می‌کند، زن که عهده دار مسئولیت مهم اداری است و شوهر نیز به سیاست و یا طبابت اشتغال دارد، یکسان نیست. معنای همبستگی و خواسته و احترام متقابل و اطاعت در این دو رابطه تفاوت فراوان دارد و رعایت این دو تفاوت، تبعیض در اجرای قانون نیست.

در مورد تمکین خاص نیز عرف و اخلاق داوری نهایی را به عهده دارد. لزوم تمکین به این معنی نیست که احساس زن به حساب نیاید ولی درباره روابط عاطفی و انسانی دقیق‌تر از آن است که در قاعده و اصل بگنجد. زن در روابط زناشویی ماشین بهره برداری نیست، انسان است و باید با او آن‌چنان رفتار شود که شخصیت انسان اقتضا دارد. بنابراین در این داوری ملاک تشخیص تمکین به معنایی که در حقوق و اخلاق مقرر داشته، جنبه‌ی نوعی و شخصی با هم دارد و دادگاه باید به همه عوامل انسانی و عرفی توجه کند. قانون مدنی نیز به طور ضمنی رعایت این عوامل را در مورد نفقه لازم شمرده است؛ زیرا وقتی نشوز را منوط به نداشتن مانع مشروع می‌کند، بدین معنی است که دادرس باید در این راه آنچه در نظر قانون یا عرف و اخلاق مانع مشروع به

شمار می‌آید را توجه کند. مبنای این حکم در دعوی طلاق نیز وجود دارد و دادرس نمی‌تواند تکلیف را بدون قید و شرط آن مورد نظر قرار دهد. امید آنکه همسران با آگاهی مضاعف وظایف خود را انجام داده زندگی مشترک خود را بر پایه تفاهم و صبر گذشت بنا نمایند.

### ارتباط نفقه با تمکین

محاکم زمانی به استناد ماده ۱۲۹ ق.م.ا<sup>۱</sup> حکم صادر می‌کنند که زن قبلاً مرد را به پرداخت نفقه محکوم کرده باشد، همچنین شرط تعلق نفقه به زن، تمکین اوست، پس در نتیجه احکامی که صادر شده اند، زنانی را نشان می‌دهد که زوج علیه آنها نتوانسته حکم تمکین بگیرد، یعنی یکی از حالات ذیل در این پرونده‌ها وجود داشته است:

زن در خانه شوهر زندگی نمی‌کنند و تمکین هم نمی‌کند و مرد به لحاظ عدم اطلاع از قانون، علیه زوج حکم تمکین نگرفته است.  
زن در خانه شوهر است، ولی شوهر در خانه نیست و هزینه زندگی را نیز تأمین نمی‌کند.

به ندرت ممکن است، زن و شوهر هر دو باهم بتوانند در یک جا زندگی کنند و زن علیه شوهر حکم پرداخت نفقه بگیرد.  
پس از انعقاد نکاح، علی‌رغم آمادگی زوجه، زوج به لحاظ مشکلات اقتصادی نتوانسته امکانات لازم برای زندگی مشترک را فراهم کند.

با دقت در این موارد معلوم می‌شود، این مصادیق، علی‌رغم کثرت موارد متعددی را در جامعه نشان نمی‌دهند؛ زیرا زمانی که فشار

۱. منظور قانون مدنی خانواده می‌باشد.

اقتصادی زیاد می‌شود، اختلافات گسترش پیدا می‌کند و زوجه معمولاً خانه را ترک می‌کند. در نتیجه حاضر به ادامه زندگی نیست و این موضوع منجر به صدور حکم تمکین علیه زوجه می‌شود. بنابراین برخی از زنانی که به لحاظ مالی مشکلات دارند در دادگاه نمی‌توانند حکم طلاق به استناد عدم پرداخت نفقه بگیرند.

۲- سوء رفتار یا سوء معاشرت زوج به حدی که ادامه زندگی را برای زوجه غیرقابل تحمل کند.

سوء رفتار و سوء معاشرت زوج، در قانون مدنی خانواده در ماده ۱۱۳۰ با عنوان «عسر و حرج» ذکر شده است. عسر به معنای تنگی، ضیق، دشوار، تنگدستی، فقر و تهیدستی و حرج نیز به معنای تنگنا و ضیق، تنگدل شدن و به کار درماندن است. که البته مصادیق عسر و حرج در زندگی خانوادگی در تبصره این ماده آمده است.

آنچه که در اینجا مهم به نظر می‌رسد رویه قضایی دادگاه در تعیین ماده ۱۱۳۰ می‌باشد که اجراء قاعده اصل را با نارسایی مواجه می‌سازد. که در صورت درخواست طلاق از سوی زن ۲ مشکل پیش می‌آید: وجود سبب درخواست حین درخواست طلاق، سببی که زندگی زناشویی را تلخ و دشوار ساخته و برای زن مشقتی ناگوار ایجاد کرده است بایستی هنگام طرح دعوای طلاق و صدور حکم موجود باشد. هدف دادرسی کیفر دادن شوهر به دلیل رفتار ناشایست او در گذشته نیست. طلاق تازیه‌ای مجازات نیست، بلکه ریسمان رهایی است.

هدف از وضع این ماده جلوگیری از حرج و ضرر موجود است نه ضررهای مادی و معنوی‌ای که گذشت. و از سویی هم ملاک عسر و

حرج هم شخصی است و هم نوعی. شخص بودن آن به مناسبت تنگ شدن عرصه بر مرد است که به مناسبت تحمل و بنیه و طاقت او آستانه و نوع اختلاف فرق می‌کند و این بحث از طریق دادگاه نیازمند یاری کارشناسی و تخصصی هستیم که در مراکز مشاوره دادگاه خوشبختانه مشاوران و متخصصانی را داریم که وکلا و قضات به این متخصصان ارجاع می‌دهند.

۳- ابتلای زوج در مواردی که فسخ نکاح شرعاً ممکن نباشد.

یکی از مسائل زوجیت، بحث روابط زناشویی است که به شما دختران و پسران جوان توصیه می‌شود که در دوره پیش از ازدواج در زمینه ارزش‌ها و نگرش‌های جنسی از خود و جنس مخالف، زیر نظر متخصص ارزیابی دقیقی داشته باشید. در این مجال در این مورد به بحث می‌پردازیم:

انسان در زندگی نیازهایی دارد که برآوردن این نیازها موجب تعادل روحی روانی و رضایتمندی وی از زندگی می‌گردد. نیاز به وابستگی و عشق و عاطفه و نیاز جنسی دو نیاز مهم است که خداوند تعالی نکاح را مجرای رفع آن قرار داده است. برآوردن نیاز جنسی، تعمیق عشق و وابستگی عاطفی را به دنبال دارد و ارتباط این دو امری غیرقابل انکار است. در بررسی پژوهش‌های میدانی تأثیر اختلالات و انحرافات جنسی در دعاوی خانوادگی توجه به چند مسأله ضروری است.

الف) تشخیص نیازهای عاطفی و جنسی به علت غیر محسوس بودن آن، امری سخت است و افراد آن چنان که گرسنگی و تشنگی را تشخیص می‌دهند، به نیازهای فوق الذکر توجهی ندارند.

ب) عرف و فرهنگ مرسوم در خانواده‌ها به ویژه برای زنان، حق

اعلام تمایلات جنسی و برآوردن آن را به عنوان یک نیاز طبیعی انسانی جایز نمی داند و زنی که چنین تمایلاتی را اظهار نماید، مورد سرزنش قرار می گیرد.

ج) مشکل بودن اثبات این عوامل به ویژه انحراف جنسی به عنوان علتی برای درخواست طلاق موجب شده که کمتر به مسأله اختلافات جنسی توجه شود.

### تأثیر مشکلات جنسی در جدایی زوجین:

تمایل دو جنس مخالف به استمتاع جنسی از یکدیگر، همزیستی و همبستگی زوجین را در نظام خانواده شکل می دهد. همانطور که گفته شد گرچه گریز از تنهایی و نیاز به همدم و مونس از عوامل تشکیل خانواده است ولی آنچه بیش از همه سبب استقرار خانواده است رابطه جنسی است. زیرا گریز از تنهایی و احساس نیاز به همدم گاه با شرکت در انجمن ها و گروه های اجتماعی دیگر ممکن است تأمین گردد. اما رابطه جنسی متعارف فقط در چهارچوب خانواده است. به همین جهت رابطه جنسی از محورهای مهم خانواده است. از این رو مشکلات جنسی و عدم ارضاء طرفین سرآغازی است بر اختلافات زناشویی و بهانه جویی هایی که گاه منجر به جدایی می گردد. (عراقی، ۱۳۶۹، ص ۹۱). بنابراین مشکلات جنسی گاه پنهان و گاه آشکارا از طریق طلاق یا فسخ نکاح به جدایی زوجین دامن می زند. به عبارتی ناسازگاری جنسی بر یک ازدواج سعادت مند اثر گذاشته و آن را دستخوش مخاطره می سازد.

## ۱- مشکلات جنسی در مردان

منظور از توانایی جنسی، توانایی لازم جهت برقراری روابط جنسی عادی و متعارف است. اصولاً ناتوانی جنسی گریبان‌گیر مردان می‌شود که علل مختلفی دارد از قبیل عوامل فیزیکی یا روانی. به عبارتی ناتوانی جنسی گاه در اثر کمبودهای هورمونی و ناهنجاری موضعی آلت تناسلی است و یا در اثر عوامل روانشناختی و روحی است. القائات اولیه کودکی، دلبستگی شدید به مادر، انواع ترس‌ها و اضطرابات، گرایش‌های پنهانی و بسیاری از عوامل روانشناختی دیگر در ایجاد مشکل جنسی مردان سهیم هستند. همچنان که عوامل محیطی و فرهنگی بی‌تأثیر نیست. محیط آموزشی در زمان کودکی، دیدگاه اجتماعی مرد در مورد زنان، مذهب و اجتماع همگی در تقویت یا ضعف نیروی جنسی مؤثر واقع می‌افتند.

حال در زندگی زناشویی اگر مرد به دلیل مشکلات جنسی از ارضاء همسر خویش ناتوان باشد خوشبختی از آن خانه رخت برمی‌بندد. اگر در این شرایط بر بقاء و ادامه زندگی مشترک اصرار شود ممکن است زن در پرتگاه نیستی سقوط کند. نفس آدمی در بعد جنسی به ندرت قابل کنترل است. به همین جهت علیرغم سفارشات فراوان در خصوص حفظ خانواده قانون در این موارد برای جلوگیری از مفسده‌های زیاده‌تر به زن حق داده تا تقاضای طلاق کند. ماده ۸ قانون حمایت خانواده در موارد متعدده از جمله موارد مشکلات جنسی که به ضرر زن منتهی می‌شود به زن حق می‌دهد تا از دادگاه تقاضای صدور گواهی عدم سازش نماید. طبق بند ۲ ماده ۸ در مواردی که شوهر

حقوق واجبه زن را وفا نکند و اجبار او به ایفاء ممکن نباشد زن حق تقاضای صدور گواهی عدم سازش دارد که از جمله حقوق مسلم زن رابطه جنسی سالم است. طبق بند ۵ ماده ۸ در صورتی که مرد به مرض صعب‌العلاجی مبتلا شود به نحوی که دوام زناشویی برای زن خطرناک باشد زن می‌تواند تقاضای طلاق کند.

## ۲- مشکلات جنسی در زنان

میل جنسی در زنان تابعی است از عوامل فیزیکی و روانی، وجود هر گونه مطلوبیت و یا ناهنجاری روانی و جسمی بر روی میل جنسی زنان تاثیر مستقیم دارد. همچنانکه میل مزبور تابع عوامل فرهنگی و عاطفی و احساسی است. گاه دیدگاه‌ها و باورهای واهی نقش بسته در ذهن دختران در زمان بلوغ موجب سرد مزاجی زنان خواهد شد. ترس از مقاربت و ترس از تسلیم شدن، ترس از درد و آسیب اجتماعی و ترس از آبستنی در سردمزاجی زنان نقش دارد. با اینکه مرد بر خلاف زن می‌تواند با اختیار همسر دوم از مشکلات جنسی زن خود را در امان دارد، اما گویا قانونگذار می‌دانسته که بدون ارضاء جنسی با همسر اول زندگی با وی صعب و دشوار است. به همین جهت ماده ۸ قانون حمایت خانواده در مواردی از جمله مشکلات جنسی به مرد مجوز داده تا تقاضای صدور گواهی عدم سازش نماید. بند ۳ ماده ۸ قانون حمایت خانواده عدم تمکین زن از شوهر را مجوز طلاق دانسته است که با توجه به اطلاق عبارت تمکین عام و خاص هر دو را در بر می‌گیرد. بند ۵ ماده مزبور ابتلاء زوجه به یکی از امراض صعب‌العلاج را در صورتی که ادامه زندگی برای مرد مخاطره‌انگیز باشد مجوزی برای تقاضای

صدور گواهی عدم سازش می‌داند. همچنان که در بند ۱۳ ماده ۸ نیز عقیم بودن سببی برای تقاضای صدور گواهی عدم سازش به شمار رفته است.

### مفهوم اختلال جنسی و تفکیک آن از انحراف جنسی:

اختلالات جنسی عبارت است از اختلال در تمایل و تغییرات روانی اجتماعی که بر روی چرخه پاسخ جنسی اثر می‌گذارد، استرس و مشکلات بین فردی ایجاد می‌کند و شامل کمبود تمایل جنسی، تنفر جنسی، اختلال در تحریک جنسی و ارگاسم، دیسپارونیا و واژینیسم می‌باشد اختلالات جنسی در مردان بر اساس ناتوانی در رسیدن به رابطه جنسی رضایت بخش بوده و شامل اختلال در انزال زودرس، انزال رو به عقب و انزال به تأخیر افتاده می‌باشد و این اختلالات در زنان مبتنی بر ناتوانی در رسیدن به رابطه رضایت بخش جنسی بوده و شامل اختلالات میل جنسی، تحریک جنسی، ارگاسم و آمیزش جنسی دردناک است.

در تمایز میان اختلال جنسی و انحراف جنسی باید گفت هر گاه موضوع مورد توجه انسان برای ارضای نیازهای جنسی چیزی غیر از جنس مخالف باشد مثل بچه، مرده، اشیا و غیره. به عبارت دیگر هر گاه موضوع علاقه انسان در روابط جنسی از حالت طبیعی خارج شده و تمایلات غیر طبیعی را در بر گیرد، فرد دچار انحراف جنسی شده است؛ اما اختلال جنسی به عدم وجود ارگاسم از جمله منحرفان جنسی اطلاق می‌گردد. که معمولاً از لحاظ بی‌انزالی و سردمزاجی جنسی قدرت کمتری دارند، از نظر نقش جنسی خود دچار ابهام شده و نتوانسته‌اند مفاهیم جنسی بهنجار برای خود فراهم آورند.

خداوند متعال به طور طبیعی نیاز به جنس مخالف را در غریزه آدمی نهاده است و در جهت تأمین این نیاز طبیعی، ازدواج را به عنوان عامل وحدت جسمی و روانی انسان‌ها برای ساختن نهاد خانواده در مسیر همفکری و مساعدت در رفع نیازهای مادی و روحی مجاز شمرده و نسبت به آن تشویق نموده است؛ اما هدایت غلط غریزه سبب برآورده نشدن نیاز واقعی و ایجاد نیاز کاذب در وجود انسان می‌گردد. این انحراف گاه ریشه در فقر و عدم وجود امکانات ازدواج داشته و گاه توجه زودرس و بیش از اندازه به غریزه شهوت، موجب دلزدگی از جنس مخالف می‌شود. البته شرایط اجتماعی نیز در چگونگی این غریزه نقش بسزایی دارد.

انحراف جنسی سلسله وسیعی از رفتارهای جنسی است که تعدادی از آنها شایع بوده و اجتماع در مقابل آن به تجاهل متوسل می‌شود در حالی که انحراف شدیدتر کمتر رواج دارد اما اجتماع و قانون آن را مذموم می‌شمارد و تقبیح می‌کند.

در علل انحراف جنسی که به معنای تمام، شامل سادیسم، مازوخیسم، حیوان بازی، بچه بازی، همجنس بازی و غیره می‌شود، سخن بسیار رفته است، زیست‌شناسان اختلال در کروموزوم‌ها و عدم توازن غدد و مخصوصاً هورمون‌ها را در بروز انحرافات مؤثر می‌دانند. روانشناسان معتقدند که اکثر منحرفان جنسی به اختلالات شخصیتی و بیماری‌های مختلف روانی از جمله جنون، عصبانیت، آسیب‌های مغزی، اختلال منش و نقص عقل مبتلا بوده و به ضعف کنترل‌های حقیقی، اخلاقی و پرورش معیوب روابط جنسی دچار می‌باشند. به عنوان عنوان مثال شخص سادیست به علت طرد از جامعه و سرخوردگی با خصومت



از مدت یکسال از تاریخ رجوع زن به حاکم رفع نشود. ۲- خصاء. ۳- مقطوع بودن آلت تناسلی».

عنن به ناتوانی مرد در انجام رابطه جنسی گویند که در تعریف عیب مزبور عدم شهوت و تمایل به زنان مهم نیست. زیرا چه بسا عنن با وجود شهوت و تمایل نیز توأم باشد. در صورتی که مرد در هنگام ازدواج به آن مبتلا باشد و زن نیز به آن عالم نباشد یا پس از ازدواج چنین عارضه‌ای بر مرد عارض شود زن حق فسخ نکاح را خواهد داشت. ماده ۱۱۲۵ ق.م.عروض عنن بعد از نکاح را هم سبب حق فسخ می‌داند. نکته قابل توجه اینکه زن باید برای اثبات حق خویش به دادگاه مراجعه کند. پس از رسیدگی و کسب نظر پزشک دادگاه یکسال از تاریخ مراجعه زن تعیین می‌کند. اگر بیماری رفع نشد زن حق فسخ دارد.

خصی به کسی گویند که اخته شده باشد و حالت چنین شخصی را خصاء گویند که البته باید قبل از عقد نکاح حادث شده و زن به آن علم نداشته باشد و عیب باید به حدی باشد که مانع از ایفای وظایف زناشویی در خصوص رابطه جنسی باشد. لازم به ذکر است که بیماری مزبور به نظر برخی مستلزم ناتوانی از مقاربت جنسی نیست ولی مشهور فقها، آن را در زمره عیوب موجب خیار آورده‌اند.

در مقطوع بودن آلت تناسلی نیز باید شرایط خصاء وجود داشته باشد. بنابراین اگر این دو عیب یعنی خصاء و مقطوع بودن آلت تناسلی بعد از عقد نکاح عارض شود خیار فسخ وجود نخواهد داشت. نکته دیگر اینکه در مورد عیب سوم یعنی مقطوع بودن آلت تناسلی در فقه تردید وجود دارد که آیا سبب خیار فسخ است یا نه؟ زیرا در میان

روایات نصّ خاصی در مورد آن موجود نیست، اگرچه مشهور فقها با توجه به ادله خصاء و عنن و نیز قاعده لاضرر مقطوع بودن آلت تناسلی را اگر سابق بر عقد باشد موجب خیار فسخ دانسته‌اند. نکته دیگر اینکه موارد حق فسخ زن منحصرأً به عیوبی بستگی دارد که مانع از انجام رابطه‌ی جنسی باشد.

### عیوب جنسی در زنان

در مواردی در زنان نیز عیوبی پیدا می‌شود که مانع از برقراری رابطه جنسی یا مانع از برقراری یک رابطه صحیح و عادی می‌شود. در این موارد پیش‌بینی شده که مرد در کنار طلاق بتواند رابطه نکاح را با همسر خویش از طریق فسخ پایان بخشد. قانون مدنی در ماده ۱۱۲۳ عیوبی را مطرح کرده که اگر در زن یافت شود مرد محق به فسخ نکاح خواهد بود. طبق ماده مزبور: «عیوب ذیل در زن موجب حق فسخ برای مرد خواهد بود: ۱- قرن ۲- جذام ۳- برص ۴- افضاء ۵- زمین‌گیری ۶- نابینایی از هر دو چشم».

از میان عیوب فوق آنچه به موضوع مورد بحث مربوط می‌شود مورد بررسی قرار می‌گیرد. طبق بند ۱ ماده مزبور قرن سبب خیار فسخ است. قانون مدنی از قرن تعریفی ارائه نداده و در فقه نیز اختلاف نظر است: برخی آن را استخوان روئیده شده در فرج زن می‌دانند و برخی آن را ورمی دانسته‌اند که مانع از مقاربت می‌گردد. برخی نیز آن را غده گوشتی روئیده شده در فرج می‌دانند که مانع از عمل مقاربت است. به نظر می‌رسد با اطلاق قانون مدنی اولاً قرن به هر نوع که باشد عیب محسوب شده و از اسباب فسخ است. ثانیاً قانون مدنی عدم امکان

مقاربت را شرط ندانسته است. بنابراین صرف وجود قرن موجب خیار فسخ می‌باشد. طبق بند ۴ ماده ۱۱۲۳ ق.م.افضاء نیز از عیوب موجب فسخ است و افضاء به حالتی گویند که مجری بول و حیض یکی گردد.

### نتیجه

رابطه جنسی از نظر حقوق مدنی دارای آثار مالی و غیرمالی فراوانی است. از نظر عاطفی نیز تظاهر این رابطه سبب بهبود و ازدیاد عشق بین همسران خواهد شد. در حالی که فقدان آن فقط ممکن است عشق دروغین ایجاد نموده و ناتوانی و افسردگی به همراه داشته باشد. طبق ماده ۱۱۰۳ ق.م. «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند.» و عشق و محبت در خانواده از عوامل مختلفی به وجود می‌آید که غریزه جنسی قوی‌ترین عامل تشکیل دهنده آن است. به همین جهت اختلالات جنسی نیز باید قوی‌ترین عامل سردی روابط عاطفی و به تبع آن جدائی زوجین به شمار رود. حال در مواردی مشکل جنسی از سر لجام گسختگی و فقدان یا ضعف مبانی اخلاقی است مانند ارتکاب زنا از سوی زن یا مرد که در این موارد به نظر می‌رسد باید مجوزی برای طلاق به شمار رود. چنانچه بند ۱۲ ماده ۸ قانون حمایت خانواده محکومیت قطعی هر یک از زوجین را در اثر ارتکاب جرمی که مغایر با حیثیت خانوادگی و شئون طرف دیگر باشد از موارد تقاضای صدور گواهی عدم سازش دانسته است. اما در مواردی اختلالات جنسی ناشی از قوه قاهره و به سبب ابتلاء به

بیماری‌های خاصی است که اگر صعب‌العلاج نباشد طبق بند ۵ ماده ۸ قانون حمایت خانواده مجوزی برای طلاق نیست ولی اگر صعب‌العلاج باشد می‌توان تقاضای صدور گواهی عدم سازش نمود. اما اگر بیماری از نوعی باشد که سبب خیار فسخ است در قانون مدنی موارد فسخ بعضاً اطلاق دارد و این سؤال مطرح می‌شود که اگر با پیشرفت علم پزشکی و روانشناسی بتوان با ریشه‌یابی برخی از اختلالات جنسی را درمان کرد آیا حق فسخ باقی می‌ماند یا نه؟ گرچه ظاهر قانون مدنی حق فسخ را تأیید می‌کند اما روح این قانون مخصوصاً قانون حمایت خانواده اجازه چنین تفسیری نمی‌دهد. زیرا مبنای خیار فسخ جلوگیری از تضرر یکی از طرفین است و با درمان‌پذیری بیماری چه ضرری به زوجین می‌رسد؟

### آثار حقوقی اختلالات و انحرافات جنسی در انحلال عقد نکاح

نگاه قانونگذار به اختلال جنسی و تأثیر آن در ایجاد حق انحلال<sup>۱</sup> نکاح برای زوجین در نتیجه پژوهش‌های علت‌شناسی طلاق بسیار مؤثر است. توضیح اینکه چنانچه یکی از زوجین با اثبات اختلال یا انحراف جنسی در طرف مقابل حق طلاق را بدست آورد یا با اثبات آن در دادگاه بتواند به موازات دریافت حق طلاق، حقوق مالی و غیرمالی را از طرف مقابل زایل کند، استناد به اختلال جنسی را به عنوان دلیلی برای طلاق انتخاب می‌کند.

در صورت اختلال و انحراف جنسی زوج نیز زن می تواند مستنداً به ماده ۱۱۳۰ ق.م از دادگاه طلاق بخواهد.

مطابق با ماده ۱۱۱۹ ق.م زوجین حین عقد نکاح یا عقد خارج لازم دیگری می توانند شروطی را در متن نکاح نامه های رسمی بگنجانند. این شروط که در دوازده بند به زوج حق طلاق داده است، در یک بند به عقیم بودن زوج اشاره کرده است.

زوجین اختیار دارند بر شروط دیگری غیر از موارد دیکته شده در عقدنامه ها توافق نمایند؛ اما با توجه به فضای حاکم بر حین انعقاد نکاح، طرفین تمایلی به قرارداد حق درخواست طلاق برای زن به دلایلی از جمله اختلالات جنسی ندارند و در عمل چنین موردی مشاهده نشده است.

شاید یکی از مواردی که قابل انطباق با اختلال و انحراف جنسی به عنوان دلیل طلاق برای زوج است، ماده ۱۱۳۰ ق.م باشد. این ماده در کلیه مواردی که زن از تداوم زندگی زناشویی در عسر و حرج می باشد، به وی حق داده است که با مراجعه به حاکم طلاق بخواهد. در مصادیق تمثیلی عسر و حرج که در تبصره الحاقی مصوب ۱۳۷۹ به ماده ۱۱۳۰ ذکر شده است، اثری از اختلالات جنسی به چشم نمی خورد اما این امر مانع از آن نیست که اختلالات جنسی به عنوان دلیلی بر عسر و حرج زوج اقامه گردد.

در طلاق های به درخواست زوج، وی باید علتی را برای درخواست خود طرح کند و آن را به اثبات برساند. این علت، همان علت های بیان شده در قانون و عقدنامه می باشد. بنابراین زوج باید یکی از جهات مندرج در مواد ۱۱۲۹، غیبت زوج ۱۱۲۹، ترک انفاق

۱۱۳۰ ق.م، عسر و حرج از ادامه زندگی مشترک را اثبات کند یا اینکه به واسطه شروط ضمن عقد برای خود حق طلاق ایجاد نماید. با بررسی مواد قانونی فوق الذکر و همچنین شرط ضمن عقد نیازهای جنسی و وضع اختلال جنسی به عنوان یکی از دلایل طلاق در قانون و شروط ضمن عقد چندان مورد توجه مقنن و واضع شروط ضمن عقد قرار نگرفته است.

البته ماده ۱۱۳۰ ق.م ماده ای عام است که دارای کلیت می باشد و هر علتی که موجب سختی و مشقت غیر قابل تحمل در زندگی مشترک برای زوجه شود، می تواند موجب حق طلاق برای زوجه باشد؛ اما قبیح بودن اعلام نیاز جنسی و استناد به ناتوانی مرد در برآوردن این نیاز از سوی زن همیشه مانع آن است که زن با استناد به این نقیصه مبادرت به درخواست طلاق نماید.

همچنین از آنجا که در طلا قهای از ناحیه زوجه معمولاً زوج یا مجهول المکان است، یا در جلسات دادگاه حضور نمی یابد و در صورت حضور نیز با اطمینان از اینکه اختیار طلاق متعلق به اوست، به تصمیمات دادگاه به طور واقعی نمی نگرد، معرفی زوج به پزشکی قانونی برای بررسی اختلال جنسی که موجب عسر و حرج زوجه از زندگی مشترک با زوج شده است، تقریباً غیر ممکن است. در مصادیق ذکر شده برای عسر و حرج در تبصره الحاقی به ماده ۱۱۳۰ ق.م ذکر از اختلال جنسی نشده است و از این نکته نیز نباید غافل بود که تشخیص اختلالات جنسی در بسیاری از موارد توسط پزشکی قانونی غیر ممکن است.

### راهکارها:

لذا بررسی تأثیر اختلال و انحراف جنسی در اختلافات خانوادگی با موانع متعددی روبرو است که در جهت حذف این موانع راهکارهایی به شرح زیر می‌تواند در بلند مدت و کوتاه مدت مد نظر قرار گیرد:

آموزش جنسی؛ اجرای برنامه های آموزشی جنسی در قالب‌های صحیح و با در نظر گرفتن جهات مخرب؛ این آموزش می‌تواند از دو بعد چاره ساز باشد؛ از یک سو به بیان راحت مشکلات توسط فرزندان به والدین منجر می‌شود که مسلماً آگاهی والدین از این مسائل به پیشگیری زودرس کمک خواهد کرد. از سوی دیگر آشنایی با رفتارهای جنسی صحیح می‌تواند زمینه ساز رضایت جنسی همسران از یکدیگر باشد.

تغییر باورهای فرهنگی در بیان مشکلات جنسی؛ قبیح بودن بیان انتظارات جنسی بین همسران از دیدگاه عرف موجب می‌گردد زوجین توجهی به این نیاز ننمایند و جهل به نیاز، منجر به عدم تلاش در جهت رفع آن یا درمان مشکلات و اختلالات جنسی شود. به عنوان مثال زوجه ای که همسرش به طریق غیرطبیعی عمل زناشویی را انجام می‌دهد، این امر را بسا طبیعی می‌داند و هیچ گاه برای خود حق انسانی در رد این روش قائل نیست. چه بسا زوجه ای که علت درخواست طلاق را مسائل جانبی اعلام نموده، اما پس از کنکاش در مسأله، انحراف جنسی زوج به عنوان عامل اصلی اختلاف کشف شده است. زوجه ای پس از ۷ سال زندگی مشترک هنوز باکره بود و علت طلاق را عدم پرداخت نفقه اعلام نموده بود.

تنفر و انزجار شدید زن از مرد که به حد بیماری رسیده است. بی بند

و باری جنسی زوجین قبل از ازدواج که بعد از ازدواج نیز ادامه یافته است. دختر و پسری که برای رسیدن به هم از خانه فرار کرده‌اند و تنوع طلی جنسی در هر یک مشکل ساز بوده است. کم توجهی شوهر نسبت به زن و تمایل وی به اینکه زن از راه نامشروع امرار معاش کند. خیانت مرد به زن و متقابلاً خیانت زن به مرد که ناشی از انحراف جنسی به ویژه در زوجه است. اختلال جنسی و سرد مزاجی زن که منجر به عدم تمکین خاص وی از مرد شده است.

۴- جنون زوج در مواردی که فسخ نکاح شرعاً ممکن نباشد.

چهارمین بند شرط وکالت در طلاق، مربوط به جنون مرد می‌باشد. منظور از جنون و اختلال آن است که شخص در انجام وظایف عادی و معمولی روزانه خویش نامتعادل شده و اعمال بدون هدف از او سر بزند. اصل در این است که زن و شوهر باید در غم و شادی شریک یکدیگر باشند و تکلیف و عشق را درهم آمیزند. یک مینیاتور بسیار زیبا! در این نهاد حقوقی، اخلاق و مذهب و عاطفه، سهم موثری را دارند و حقوق باید به این داور اخلاقی تمایل نشان دهد و دست کم جنونی را در زمره موجبات طلاق به حساب آورد که فوق طاقت متعارف باشد. (تلخیص از کاتوزیان: ۱۳۸۵) برای مثال اگر شوهری مبتلا به جنون شود ولی پزشک اطمینان دهد که بیماری، عارضه ای زود گذر است و با مدت کوتاه درمان، به کلی از بین می‌رود، آیا نکاح آنقدر حرمت ندارد که همسر او را به بردباری فرا خواند؟ به نظر می‌رسد رویه قضایی باید صدور حکم طلاق را ویژه مواردی سازد که جنون شوهر مستقر بوده و ادامه زندگی را برای زن تحمل ناپذیر سازد. (درباره انواع جنون به بخش حقوقی کتاب مراجعه نمایید.)

## فسخ نکاح

فسخ از نظر لغوی در معنای «برهم زدن معامله و پیمان» است و از نظر حقوقی عبارت است از اینکه فردی که دارای حق است، با تصمیم و اراده‌ی باطنی خود، عقد را برهم می‌زند. فسخ نکاح نیاز به انجام تشریفات خاص و رجوع به دادگاه ندارد. از همین مطلب، تفاوت طلاق و فسخ به خوبی روشن می‌شود، بنابراین طلاق نیاز به تشریفات خاص دارد و در حین طلاق، شرایط جسمی زن (پاک بودن زن از ایام عادت ماهانه) باید لحاظ شود و نیز اینکه در دوران عقد هستند یا دوران پس از عقد که بحث تمام مهریه یا نصف مهریه پیش خواهد آمد و تفاوت دیگر فسخ نکاح و طلاق در اختصاص طلاق به عقد دائم است، در حالی که فسخ نکاح در انحلال عقد نکاح دائم و منقطع مؤثر می‌باشد.

۵- عدم رعایت دستور دادگاه در مورد منع اشتغال زوجه به شغلی طبق نظر دادگاه صالح که منافی با مصالح خانوادگی و حیثیت زوجه باشد.

در بحث اشتغال زوجه، ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی به شوهر اختیار داده تا زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند. این ماده حرف اشتغال زن را وابسته به رضایت شوهر ندانسته، اما منطبق بودن شغل زوجه با مصلحت خانواده زوجیت را ضروری به شمار آورده است.

اما سوالی که برای خیلی از دخترها و پسرها ممکن است پیش آید این است که چنانچه زن حین ازدواج شاغل باشد و مرد بدون ایراد به اشتغال وی، نکاح با او را بپذیرد اشتغال زن را به صورت ضمنی پذیرفته است. که البته در اینکه آیا مرد می‌تواند بعداً مانع اشتغال زن

بشود یا نشود بحث و نظرهای متفاوتی است که بهر حال این نتیجه منتهی می‌شود به بقای خانواده، یعنی به توافق طرفین برای نظم خانواده و انجام تکالیف و وظایف هر یک از همسران بستگی دارد. در رویه قضایی دادگاه هم به این صورت است که اگر مرد یا دختر شاغل ازدواج کند و پس از چندی دریابد که ادامه اشتغال زن با مصالح خانوادگی منافات دارد، حق دارد از دادگاه تقاضای منع اشتغال زن را داشته باشد.

بنابراین با توجه به نتایج انجام شده، آن چه برای شما زنان در این شرط تضمین کننده است این است که اگر شما و همسران در شروط ضمن عقد این شرط را بپذیرید و امضا کنید. می‌توانید به اشتغال خود ادامه بدهید و دادگاه مانع اشتغال زن نمی‌باشد. چرا که طبق ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی شروط ضمن عقد نکاح صرفاً در صورتی باطل است که مخالف با مقتضای عقد نکاح باشد و مقتضای عقد نکاح، خانه دار بودن زن نیست.

بیان یک نکته مهم دیگر نیز ضروری است آن هم اینکه:

صرف نظر از نوع شغل زوجه در صورت منع وی از اشتغال، ممکن است به زوجه ضررهایی وارد شود برای مثال زوجه که تعهد خدمت به یک سازمان دولتی دارد، با جدا شدن از شغل مجبور به پرداخت مابه‌ازاء مالی تعهد خود است یا اگر زوجه کار قراردادی دارد در اثر باطل شدن قرار داد، باعث خسارتی به شخص ثالث و یا به خود می‌باشد.

نکته دیگری که در قانون مدنی به چشم می‌خورد این است که اگر این بحث جزو شروط ضمن عقد نباشد و یا افراد متعهد به آن نباشند،

در مواردی که بحث جدایی زن و شوهر پیش می‌آید، هنگامی که زن و مردی که جدای از یکدیگر زندگی می‌کنند، مرد از دعوی «منع اشتغال زن» به عنوان اهرم فشاری علیه زن استفاده کرده و به این وسیله در وضعیت معیشت زن اختلال جدی ایجاد می‌کند. بنابراین از این بحث سودمندی تعهد به این شرط هم روشن می‌شود.

بنابراین مردی که زن شاغلی را به عقد نکاح خویش در آورده، نبود همسر در منزل را در ساعاتی از شبانه روز به طور ضمنی پذیرفته است و خودداری مرد از اشتغال زن، ضمن بی‌احترامی به تعهدات و شروط بین زوجین، زمینه عدم امنیت روانی زن شاغل را فراهم می‌کند و در نتیجه باعث کاهش رضایت از زندگی می‌گردد.

البته ذکر نکاتی چند از اشتغال زن در اینجا مطرح است:

شمار بسیاری از زنان، به دلیل نیازهای مالی و اقتصادی خانواده بیرون از خانه کار می‌کنند، و گروه دیگری نیز به دلیل نیاز به استقلال، رشد و خود شکوفایی به کار می‌پردازند. شرایط اقتصادی - اجتماعی کنونی جوامع امروز ایجاب می‌کند که در بسیاری از خانواده‌ها، هر دو نفر برای ادامه‌ی زندگی و رویارویی با فقر و تأمین نیازهای اصلی خانواده کار کنند و در آمد مشترک خود را برای مخارج خانواده هزینه کنند. همکاری شوهر، شامل نگرش مثبت نسبت به کار و در آمد همسر و نیز همکاری در امور خانه و وظایف موجود است. ضمن این که این مساله که مرد به «معاشرت و رفتار نیکو»<sup>۱</sup> سفارش شده و نباید کاری کند که موجب سرخوردگی زن شود، نیز در آیات و روایات ما بسیار

سفارش شده است .

زن و شوهر شریک زندگی هم هستند و لباس همدیگر. اگر زن نقش‌ها و وظایف خود را به خوبی انجام ندهد، به مبانی خانواده و در ارتباط با همسر و فرزندانش ضربه محکمی زده است که پیشنهاد می‌شود خصوصا در سال‌های اولیه تربیت فرزند، با تسهیلاتی که دولت برای زنان شاغل در نظر گرفته است، تصمیم خوبی لحاظ شود تا به بنیان خانواده آسیبی وارد نشود.

۶- محکومیت شوهر به حکم قطعی اعم از مجازات پنج سال حبس یا بیشتر و یا جزای نقدی‌ای که بر اثر عجز از پرداخت، منجر به پنج سال یا بیشتر حبس شود و حکم مجازات در حال اجرا باشد. حبس طولانی موجب در هم ریختن اساس خانواده می‌باشد. در واقع همان دلایل و ضرورت‌هایی که تشکیل خانواده را ایجاب می‌کند در مورد حبس‌های طولانی مدت، طلاق را مباح می‌سازد تا خانواده تجدید سازمان کند، اما به نظر می‌رسد با توجه به اتفاق‌های پیش‌بینی نشده مثل قتل غیر عمد در تصادف‌ها، این استثناء در کنار شروط اضافه شود. آیا همسری که همبستگی دائمی بسته و برعهده گرفته که در زندگی شریک غم و شادی همسرش باشد، نبایستی گرفتاری او را که ممکن است ناشی از یک حادثه رانندگی باشد با صبر و متانت تحمل کند؟

بنابراین شما زوج‌های جوان می‌توانید این مساله را در کنار این شرط قید کنید تا بعدها دچار اینگونه مشکلات نشوید.

۷- ابتلای زوج به هرگونه اعتیادی که به تشخیص دادگاه به اساس زندگی خانوادگی خلل وارد کرده و ادامه زندگی برای زوجه دشوار

باشد.

طبق بند ۹ ماده ۸ ابتلاء به هر گونه اعتیاد مضری که به تشخیص دادگاه به اساس زندگی خانوادگی خلل وارد آورد و ادامه زندگی زناشویی را غیر ممکن سازد مجوزی برای طلاق است. به نظر می‌رسد محدوده این بند بسیار وسیع است. اعتیاد به اعمالی مانند استمناء شدید یا صنم‌پرستی یا خود ارضائی‌های دیگر می‌تواند در محدوده این بند تفسیر شود.

در واقع اعتیاد یکی از مشکلات اساسی جامعه است؛ مشکلی که میلیون‌ها زندگی را ویران و سرمایه‌های کلان ملی را صرف هزینه مبارزه، درمان و صدمات ناشی از آن می‌کند. سوء مصرف مواد و اعتیاد به مواد مخدر یکی از بلاهای بزرگی است که بشر امروز در همه جای جهان با آن دست به گریبان است. اعتیاد ابتلای اسارت‌آمیز فرد به یک ماده یا داروی مخدر است، به گونه‌ای که فرد را از نظر جسمی و روانی به خود وابسته ساخته و کلیه رفتار فردی و اجتماعی او را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

اعتیاد و سوء مصرف مواد یک پدیده چند بعدی، خطر آفرین از نظر خانوادگی، اجتماعی و سیاسی است که بیشتر از پیش سلامت فردی و اجتماعی را در مورد تهدید قرار می‌دهد. اما غیر از اعتیاد به مواد مخدر، اعتیادهای دیگری هم داریم. چرا که اعتیاد در معنای لغوی و اصطلاحی یعنی وابستگی به یک شی یا کاری که برای فرد لذت بخش است.

یکی از مشکلات که این زمینه، میان زوجین و خانواده‌ها رواج یافته، روابط اینترنتی خارج از ازدواج یا خیانت است. مشکل اعتیاد

اینترنتی از عوارض زندگی در دنیای متمدن است. گسترش رایانه‌های شخصی از یک‌سو و افزایش و سهولت اتصال به اینترنت در منزل و محل کار از سوی دیگر، به ظهور معضلی به نام اعتیاد اینترنتی منجر شده است.

این در حالی است که همچون دیگر اعتیادها، این نوع اعتیاد نیز باعث منزوی شدن فرد از خانواده و اطرافیانش شده و می‌تواند به تخریب سلامت، روابط و احساسات شخص معتاد منجر می‌گردند. در حالی که رابطه زناشویی یکی از قوی‌ترین رابطه‌های انسانی است که چگونگی آن پیامدهای گوناگونی برای همسران، فرزندان و دیگر اعضای خانواده و در نهایت جامعه دارد. هرچه میزان تعامل همسران بیشتر باشد، برای مثال هرچه آنان فعالیت‌های بیشتری را به صورت مشترک انجام دهند و یا وقت بیشتری را در کنار یکدیگر بگذارند و این تعامل‌ها توأم با محبت و صمیمیت بیشتر باشد، همسران از با هم بودن و رابطه زناشویی رضایتمندتری برخوردار خواهند بود و این نه تنها موجب استحکام پیوند زناشویی خواهد شد بلکه آرامش بیشتر اعضای خانواده و در نتیجه جامعه را فراهم خواهد نمود.

خانواده ایرانی امروزه در معرض تغییرات ساختاری و کارکردی مهمی قرار گرفته است که همین امر روابط موجود در میان اعضای خانواده را دگرگون نموده است: در نتیجه قوی‌ترین پیوندهای انسانی در مستحکم‌ترین قرارگاه آن، یعنی نظام خانواده در معرض تهدید قرار گرفته است که یکی از این آسیب‌های مهم، آسیب «اعتیاد» می‌باشد. مهم‌ترین نهاد در تجزیه و تحلیل پدیده اعتیاد «خانواده» است؛ زیرا شرایط و اوضاع خانوادگی می‌تواند زمینه سازگرایش به اعتیاد باشد. به

طوری که، بر اساس پژوهش‌ها، ثابت شده که، مصرف الکل به طور منفی با رضایت زناشویی رابطه است و بسیاری از زوج‌های الکلی (که یکی یا هر دوی زوجین دچار سوء مصرف الکل اند) رضایت زناشویی و جنسی پایین، میزان بالایی از پرخاشگری کلامی زوجی و خشونت زناشویی را گزارش می‌کنند. افزون بر این، یافته‌ها نشان داده است که عملکرد پراسترس زناشویی به طور منفی مصرف الکل را تقویت می‌کند و ممکن است عود پس از درمان را تسهیل بخشد.

در همین راستا تحقیقات مختلف نشان داده‌اند که خانواده‌های معتادان، معمولاً عملکرد مختلفی دارند و همچنین، میزان رضایت زناشویی در این خانواده‌ها پایین است. از آن جا که عملکرد خانواده و روابط حاکم بر آن، بستری برای گرایش افراد به اعتیاد است. در نتیجه: از شما دختران و پسران جوان به عنوان «سرمایه‌های اجتماعی این مرز و بوم» پیشنهاد داریم که شما هم در «آموزش‌های پیشگیری از اعتیاد» مشارکت فعالانه داشته باشید تا بتوانید به خانواده متعادل دست یابید.

۸- زوج زندگی خانوادگی را بدون عذر موجه ترک کند. تشخیص ترک زندگی خانوادگی و تشخیص عذر موجه با دادگاه است و یا این که زوج شش ماه متوالی بدون عذر موجه از نظر دادگاه غیبت کند. همانطور که می‌دانیم اساس زندگی خانواده با ترک منزل توسط شوهر سازگاری ندارد که البته اثبات این موضوع از سوی زن در دادگاه، با توجه به تراکم پرونده‌ها، کار بسیار سختی است و می‌توان به لحاظی از مصادیق عسر و حرج به شمار آورد که قبلاً اشاره کردیم.

۹- محکومیت قطعی زوج بر اثر ارتکاب جرم و اجرای هرگونه مجازات اعم از حدود و تعزیر بر اثر ارتکاب جرمی که مغایر با حیثیت

خانوادگی و شئون زوجه باشد که تشخیص آن با دادگاه است.

تشخیص این جرایم بر عهده داوری قاضی است، اما این موضوع از نظر عرف مشقت بار است و باعث سر افکندگی زن می‌باشد. در این بند میزان مجازات کافی نیست و محکومیت قطعی جرم به زن حق توکیل در طلاق را می‌دهد.

۱۰- در صورتی که پس از گذشت ۵ سال، زوجه از شوهر خود به جهت عقیم بودن یا عوارض جسمی دیگر او صاحب فرزند نشود. ارضای حس مادری از عمیق ترین کشش‌هایی است که در نهاد یک زن وجود دارد و این حق طبیعی باعث قوام خانواده و نسل‌ها شده است. از این رو در برخی موارد نمی‌توان از آن منصرف شد.

مطابق شرط دهم در صورتی که پس از گذشت پنج سال، زوجه از شوهر خود به جهت عقیم بودن و یا عوارض جسمی دیگر زوج، صاحب فرزند نشود به وی اختیار طلاق داده است. تحقق این شرط منوط به عقیم بودن زوج یا بچه دار نشدن او به علت عوارض جسمی است که می‌تواند یک نوع اختلال جنسی هم باشد لازم به ذکر است چنانچه زوج بدون وجود نقص جسمی، خود مایل به بچه دار شدن نباشد، تمسک زوجه به این شرط ممکن نمی‌باشد.

همچنین طبق بند ۱۳ ماده ۸ قانون حمایت خانواده عدم توانایی زوجین در اینکه از یکدیگر صاحب اولاد شوند از اسباب طلاق است حال آیا با پیشرفت‌های علمی امروزی در امکان تلقیح مصنوعی و اهدای جنین دیگر چنین اختلالی عیب محسوب می‌شود یا نه؟ بنابراین اصلاح و رفع ابهام از موارد مزبور از قانونگذار در اصلاح قوانین مورد انتظار است، در حالی که به شما زوج جوان هم توصیه می‌شود در مورد

این شرط با هم به گفتگو نشستند و به توافق نظر رسیدند. همچنین طبق بند ۱۳ ماده ۸ عقیم بودن از اسباب تقاضای طلاق است. حتی اگر مرد دارای چند همسر باشد و نتواند از نظر جنسی بین همسران رعایت عدالت کند به استناد بند ۱۰ ماده ۸ زن می‌تواند تقاضای طلاق کند.

۱۱- در صورتی که زوج مفقودالثر شود و ظرف مدت ۶ ماه پس از این که زن به دادگاه مراجعه کرد، از او خبری نشده باشد. غیبت طولانی مدت مرد، طبیعی است که زن را در بلا تکلیفی نامطلوبی قرار داده است و قوام خانواده را در معرض سستی قرار داده است. و از سویی از مصادیق عسر و حرج می‌باشد که به زن در اینجا حق طلاق داده می‌شود.

۱۲- زوج، همسر دیگری بدون رضایت زوجه اختیار کند یا به تشخیص دادگاه نسبت به همسران خود اجرای عدالت نکند. بی شک، مطالعه‌ی جامعه شناختی تعدد زوجات جهت درک عمیق از شرایط اجتماعی این نهاد از سوی واضعان و مفسران قانون تعدد زوجات و نیز دادرسان و داوران حوزه‌ی حقوق خانواده ضروری است. افزون بر انگیزه‌های اخلاقی برخی مردان که بدون هیچ دلیل موجه تنها به دلیل تنوع طلبی اقدام به تعدد زوجات می‌کنند، انگیزه‌های خانوادگی شامل: ازدواج تحمیلی، جلوگیری از طلاق، و اختلالات جنسی و نیز انگیزه‌های اجتماعی شامل: کسب پایگاه اجتماعی و تأمین نیروی کار می‌تواند از انگیزه‌های تعدد زوجات محسوب شود.

در برخی از مناطق ایران به ویژه جوامع عشایری و روستایی با

توجه به تأثیر عرف و اخلاق اجتماعی، پدیده چند همسر گزینی جزئی از عرف و هنجارهای اجتماعی آن تلقی شده است. در این جوامع، پدیده تعدد زوجات نشانه ای از پایگاه و شأن اجتماعی مردان محسوب میشود و هر مردی که زنان بیشتری داشته باشد از موقعیت ممتاز تری در روابط اجتماعی برخوردار است. در اکثر جوامع روستایی - سنتی باور بر این است که فرزندان موجب افزایش حیثیت و دارایی و منزلت اجتماعی خانواده می‌شوند و بنابراین، همیشه [ از طریق ازدواج‌های متعدد] به دنبال فرزندان بیشتری هستند. گفتنی است که این رویکرد در برخی کشورهای دیگر از جمله کشورهای عربی و نیز افغانستان مطرح است و برخی مردان ثروتمند، داشتن زن دوم و سوم را در حکم موقعیت اجتماعی ممتاز می‌دانند.

گفتنی است در برخی از جوامع روستایی همسر اول به دلیل انجام وظیفه‌ی بیش از حد و مشکلات ناشی از آن در زمینه‌ی همسر داری، مدیریت خانه، امور خارج از خانه مانند مشارکت اجباری در کشاورزی، دامداری و مانند آن، خود زمینه‌ی تعدد زوجات را برای شوهر فراهم می‌آورد. در ایران، با توجه به فرهنگ و اخلاق عمومی جامعه غالباً اثرات منفی و حتی مخرب چند همسر گزینی بسیار زیاد است. ولی وضعیت زنان و فرزندان این گونه افراد، به دلیل فقدان مکانیزم آمارگیری در زمینه‌ی مشکلات این خانواده‌ها و ثبت نشدن این موارد در سیستم قضایی ایران و از سویی اطلاعات ندادن دقیق دادگاه‌ها به دلیل حساسیت مسائل خانوادگی، از جهت آمار و ارقام روشن نیست. با وجود این، احساس شکست و تنهایی، احساس بی‌اعتمادی و تحقیر زن می‌تواند از پیامدهای تعدد زوجات برای همسر اول

باشد. همچنین در برخی موارد خانواده ای تک سرپرست با پدری غایب برای فرزندان شکل می گیرد که می تواند آثار تربیتی و رفتاری نامطلوب برای فرزندان داشته باشد.

### نظر اسلام در مورد چند همسری:

۱. اصل در نظام خانواده در اسلام بر دائمی بودن ازدواج و تک همسری می باشد. اما بحث چند همسر دائمی همواره از موضوعات پر مناقشه در همه جوامع انسانی تلقی شده است، که عوامل زیاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی را تحت تأثیر خود قرار داده است.

۲. اسلام با شیوع بی رویه این امر در میان اعراب، مقابله نموده و با توجه به ضرورت تدریجی بودن بیان محدودیت در امر ازدواج با ظرافت خاصی این محدودیت را توضیح داده است، و ازدواج را با شرایط خاصی اعلام نموده است. تعداد حداکثر چهار زن را با رعایت عدالت تجویز نموده و عملاً این حکم اسلامی را منحصر به موارد خاص و شرایط اضطراری می نماید. در بیان معصومان علیهم السلام نیز این امر کاملاً مشهود است.

۳. انتقاداتی که به این حکم اسلامی از زوایای مختلف مطرح شده و رویکردهای اقتصادی، اجتماعی، انسان شناسی و روان شناسی دارد، به خوبی قابل پاسخ گویی است. از طرف دیگر در وضعیت کنونی جامعه با توجه به سوء استفاده هایی که در این زمینه به عمل آمده و عدم رعایت شرایط لازم برای اقدام به ازدواج مجدد، ایجاب می کند تا راه کارهای قانونی که در قالب قانون حمایت خانواده مطرح گردیده با حساسیت بیشتری پیگیری و اجرا شود. علاوه بر اینکه همان گونه که ضرورت های

اجتماعی موجب وضع این قانون در اسلام است، از طرف دیگر همان مصلحت‌های اجتماعی و توجه به اصل تک همسری اقتضا خواهد کرد که در شرایطی که اعمال بی رویه این قانون وضعیت جامعه را نابسامان نماید، راه حل‌های قانونی برای هر چه محدودتر کردن آن به موارد ضروری، از سوی قانونگذاران پیش بینی شود.

بنابراین یکی از عنایات اسلام این است که در مقابل نیازهای ضروری محرومیتی ایجاد نشود. چرا که در غیر این صورت، افراد بدون توجه به چارچوب‌های مقرر اقدام خواهند کرد. توجه به ضرورت‌ها موجب مشروعیت اساس چند همسری در اسلام و باعث روشن شدن حقیقت و مانعی برای مردان هوس باز می‌باشد.

کسانی که قانون تعدد زوجات را ترغیب به هوسرانی می‌پندارند، تنها به یکی از لوازم هر ازدواج توجه کرده و از کارکردهای اجتماعی این قانون غفلت کرده اند. اسلام نه تنها توجه و ترغیبی به هوس رانی ندارد، بلکه آن را منع کرده است.

لازم است در صورت وضع مقرراتی در زمینه ازدواج مجدد، این مقررات ناظر به احراز توانایی مرد بر عدالت ورزی میان همسران باشد (نساء: ۳)، به این کیفیت که حکومت مقرر نماید و باید اطمینان به امکان اجرای عدالت در حد معمول به وسیله دادگاه احراز شود تا مرد مجاز به انتخاب همسر جدید باشد و اگر روشن شد که مردی توانایی اجرای عدالت بین زنان را ندارد، دادگاه به او اجازه ازدواج مجدد را ندهد. روشن است یکی از راههای احراز توانایی عدالت مندی مرد، تحقیق و تفحص از همسران اول او در زمینه پرداخت نفقه و سایر حقوق واجبی که بر عهده مرد است، می‌باشد.

اما نکته مهم دیگر اینکه: تعدد زوجات اگر چه به صراحت در قرآن کریم با محدودیت هایی، مجاز اعلام شده است (نساء: ۳) اما در عین حال مرد در ابتدای ازدواج در کمال آزادی تعهد می کند که در دوران زناشویی با زن دیگری ازدواج نکند و از سویی عوارض بحث چند همسری بر همه روشن و آشکار است.

ناخوشنودی بانوان از ازدواج مجدد همسران خود عوامل متعددی دارد:

۱. تحقیر شدن از سوی شوهر: در موارد متعدد دیده می شود که مرد بدون توجه به خواست، شخصیت، زحمات فراوان همسر اول و ...، اقدام به ازدواج مجدد نموده و زن و فرزندان خود را در وضع نابسامانی رها کرده است. طبیعی است که در چنین وضعیتی همسر اول شکست، تنهایی و بی اعتمادی می کند. برای زن، هیچ چیز ناراحت کننده و کوبنده تر از آن نیست که توسط شوهرش تحقیر شود احساس کند که نتوانسته قلب او را تسخیر کرده و در اختیار خود نگه دارد و ببیند دیگری آن را تصاحب کرده است. طبیعی است چنین افرادی پس از ازدواج دوم نیز رفتارشان با زن اول و دوم بر مبنای عدالت و انصاف نبوده، و با این ازدواج تنش بزرگی در زندگی همسر اول و فرزندان ایجاد می کنند.

دادگاه برای تجویز ازدواج مجدد، باید توانایی مرد بر اجرای عدالت بین همسران را احراز کند. بدیهی است که یکی از راه های احراز عدالت مرد، تحقیق و تفحص از همسر اول اوست و در صورتی که چنین توانایی برای او اثبات نشود، حق ازدواج مجدد به او داده نخواهد شد.

۲. حس تحقیر در اجتماع: تعدد زوجات در بسیاری از موارد موجب ناراحتی و کدورت بین همسران می‌شود که در طول تاریخ این اختلافات نه تنها در خانواده‌های معمولی بلکه در میان همسران پیامبران بزرگ الهی نیز وجود داشته است. در قرون گذشته به دلیل تعدد زوجات خانواده‌ها با سهولت بیشتری با آن کنار می‌آمدند. اما هم اکنون با فشارهای روانی که غالباً ناشی از فشارهای اجتماعی است را تجربه می‌کنند، و ادامه زندگی برای همسران اول مشکلات روحی و اجتماعی بیشتری رو به همراه دارد.

نتیجه اینکه: حال شما با در نظر گرفتن مباحث اسلامی، جامعه شناختی و نظریات روانشناسی این نگاه که عشق کامل و صحیح از نظر روانشناسان بر سه پایه: «میل، تعهد، صمیمیت» شکل گرفته است، به قضاوت در این بحث پردازید.

### نتیجه:

تفاوت‌هایی بین ما انسان‌ها وجود دارد. چون ما مانند هم فکر نمی‌کنیم و رفتار نمی‌کنیم. زندگی یکسانی نداشته و نگاه مشابهی به زندگی نداریم. آرزوهای متفاوتی داریم. دارای جهان بینی متفاوتی می‌باشیم. در یک کلام، برای ازدواج شما دختر و پسرها: به سرمایه‌های فکری و فرهنگی خود نظری بیندازید و با منطق و استدلال پیش بروید، تاثیر نگرش‌های خودتان و خانواده هایتان را فراموش نکنید. نگرش منفی به این شروط را کنار بگذاریم و به این شروط به عنوان «تضمین زندگی»، نظری بیندازیم. چرا که آنچه که مهم به نظر می‌رسد و در شروط ضمن عقد بروز و ظهور دارد: هم فکر و هم اندیشه بودن و

انتظارات معقول از یکدیگر و از ازدواج داشتن است، که به شروط در کنار ازدواج رسمیت می‌بخشد.

### اما ذکر نکاتی چند ضروری است:

بر اساس پژوهش‌ها، در بحث رضایت از زندگی که همه ما خواستار آن هستیم در جامعه‌ای که بروز و ظهور فرهنگ‌های مختلف در خانواده‌ها را داریم، هم طبقه بودن زن و مرد از نظر فکری و فرهنگی و نه اقتصادی، هم تصورات نزدیک به هم را فراهم کرده، هم گفتگو بین آنها را به وجود می‌آورد، لذا شناخت از یکدیگر را افزایش داده، انتظارات و خواسته‌های معقول و درنهایت رضایت از زندگی را برای زوجین افزایش می‌دهد. البته ذکر یک نکته هم با توجه به افزایش تحصیلات افراد در جامعه خصوصاً زنان، در این بحث لازم است که بر اساس پژوهش‌های انجام گرفته: افراد تحصیلات کرده و افرادی که در مشغولی‌های فرهنگی (هنری، مذهبی، مطالعه) دارند، تصورات مشابه تری دارند و از زندگی خود راضی‌تر هستند، و حتی تحصیلات و آگاهی‌های مختلف کسب شده به صورت غیر رسمی مانند فعالیت‌های فرهنگی (مطالعه، دل مشغولی‌های هنری، شرکت در مجالس هنری و یا فرهنگی مانند کلاس‌های آموزشی مختلف دینی و مهارت‌های زندگی و...) نقش مهمی در بروز تصورات یکسان و سپس رضایت از زندگی را دارد. تحصیلات و آگاهی‌ها بین زن و مرد نه فقط خود عامل درک بهتر زندگی می‌باشد، بلکه به عنوان کانال ارتباط بین زن و مرد نیز عمل می‌کند، یعنی گفتگو که قلب روابط است را بین زن و مرد بوجود می‌آورد و زن و مرد را به یکدیگر نزدیک می‌کند اما با این وجود وقتی

سری به مراکز مشاوره دادگاه‌های خانواده می‌زنیم با موضوع «فقر سواد زندگی» مواجه می‌شویم که در این راستا لازم است نقش آموزش و پرورش به‌خصوص آموزش عالی در برگزاری کلاس‌های آموزشی-مهارتی و کارگاه‌ها پررنگ‌تر شود، البته خوشبختانه با روند خوبی مواجه هستیم.

گرچه به لحاظ بررسی عملی، زوج جوان در عقد نکاح، قادر به هرگونه شرطی به جز شرط نامشروع در ضمن عقد نکاح هستند و منحصر به همین موارد مورد مطالعه نیست ولی از آنجایی که عقد نکاح از جایگاه والایی برخوردار است که در بیان روایات با وقوع چنین عقدی نصف این انسان کامل شده است و تعبیر قرآن مجید نیز اینکه زوجیت لباس باطنی برای یک دیگر هستند و به وسیله این نهاد مقدس است که انسان می‌تواند خود را زینت دهد و از هر عیبی بپوشاند، لذا قبل از اینکه از این نهاد مقدس بهره برداری نامناسب نمود یا دستخوش خرده فرهنگ‌های ناپسند قرار گیرد و هر روز به بهانه دفاع از حقوق زن شرائطی را در نهاد عقد نکاح بگنجانند که به قول خودشان حقوق زن را تأمین کند باید به فکر برداشتن موانع ازدواج، دادن آگاهی و بصیرت در زندگی مشترک به زوجین جوان بود.

چرا که یکی از معضلات که خانواده‌ها پس از ازدواج با آن رو به رو هستند عدم شناخت زوجین از یکدیگر می‌باشد و عدم شناسایی حقوق و مزایای زوجین در مقابل یک دیگر است. لذا می‌طلبند قبل از ازدواج کلاس‌های آموزشی برای زوجین برگزار کنند و حال که شروط ضمن عقد نکاح را در سند نکاحیه گنجانده‌اند، تک‌تک آن شروط را به زوجین تفهیم و آثار آن را نیز بازگو کنند چرا که متأسفانه بدون هیچ

گونه آگاهی و آن هم صرفاً در روز به اصطلاح عقد کنان آن هم در حضور جمع کثیری از ریش سفیدان و مدعوین عاقد حضور پیدا کرده و صرفاً جای امضای زوجین را با انگشت نشان می‌دهد و چه بسا افرادی هم باشند که اصلاً سواد خواندن و نوشتن را ندانند، حال چگونه می‌توان با این شرایط زوج را ملزم به قبول آثار ناشی از این تعهد ندانسته نمود و حتی تا سالیان متمادی نیز زوجین نمی‌دانند چه چیزی را امضاء کرده‌اند و حتی اگر هم زوجی پیدا شود بگوید من برخی شرایط را نمی‌خواهم یا ملزم شوم شاید به قیمت بهم خوردن اصل موضوع شود و آن را دلیل بر سوء نیت زوج بدانند لذا می‌طلبد به طور کامل و دقیق زوجین از شرایط اطلاع داشته و جا دارد عاقدین را ملزم به تک تک شرایط را به زوجین تفهیم نمایند کما اینکه جهت رعایت احتیاط برخی از محاکم و با استفاده از نظرات برخی از مراجع عظام که می‌فرمایند باید قصد مشروط علیه از امضاء ذیل تعهد احراز گردد، را از محاضر ثبت ازدواج کتباً تفهیم شروط ضمن عقد نکاح استعلام می‌گردد. یکی از آسیب‌های جدی فعلی اجتماع که هم باعث بالارفتن سن ازدواج شده و هم انباشته شدن زندان از جوانانی که قادر به پرداخت مهریه نیستند، مهریه بالا و سنگین است، به نحوی که متأسفانه به خاطر چشم و هم چشمی‌های بی‌مورد گاهی مواقع شنیده می‌شود که اعداد و ارقام به خوبی را به عنوان مهریه تعیین می‌کنند همانند تعداد سکه به اندازه سال شمسی تولد زوجه ... که تلویحاً دادخواست و درخواست و عدم مهریه به خاطر انتقال اموال خود به نام دیگران که بنابراین ادعا می‌کند که توانایی پرداخت ندارد و به فرض پرداخت، باز مجدداً می‌بایست زوجه دنبال زوج، باشد که تا چه وقت اموالی را به

دست می‌آورد تا دادخواست مجدد بدهد و این موضوع در عمل یک پرونده مهریه را در گذشته تبدیل می‌کند شاید یه ده‌ها دادخواست و پرونده و ... که این موضوع نمی‌تواند راه حل مناسبی باشد.

اما راه حلی که می‌توان تلویحاً از ماده ۱۰۸۳ قانون مدنی استنباط کرد اینکه پرداخت تدریجی مهر را توسط شوهر پیش بینی کرده است. بدین معنا که شما از همان ابتدای ازدواج هر مقدار مهریه که می‌خواهید تعیین کنید ولی نحوه پرداخت آن بستگی دارد به موقعیت شغلی و اجتماعی مرد و از همان ابتدا زوجین به نحوه پرداخت مهریه به صورت ماهانه یا سالانه و یا حتی هر چند سال یک بار توافق کنید. به نظر می‌رسد با چنین شرطی به جای دو شرط قبلی (عندالمطالبه) و (عندالاستطاعه) حقوق زوجین بیشتر رعایت و طرفین از همان ابتدا با واقعیت زندگی رو به رو باشند و وظیفه خود در آتیه را به خوبی می‌دانند و نیز شاهد این همه نابسامانی و انباشته شدن زندانیان مهریه نباشیم. و طرفین از اینکه به ازدواج به چشم یک نوع معامله و برد و باخت نگاه کنند، به دیده بنای مقدس و زیبا بنگرند که باید در انسان‌های والا پرورش یافته و هر کدام خود سر منشأ آثار زیبایی در جامعه باشند.

برای این کار لازم است شما جوانانی که قصد ازدواج دارید، با شرکت در این دوره‌ها آموزش ببینید تا اول به خود شناسی دست یابید و جهان بینی و دنیای فکری خود را شناخته، با خواسته‌های واقعی خود به صورت عمیق آشنا شده، سپس زوجی را برای زندگی مشترک خود برگزینید تا هماهنگی و حداقل نزدیکی بین دنیای فکری خودتان با سرمایه‌های فرهنگی آنها وجود داشته باشد. طبیعی است که در چنین

شرایطی «شروط ضمن عقد» بار منفی ندارد و هیچ مشکلی را در زندگی زوجین ایجاد نمی‌کند و در ضمن شرایطی که رفتار و ارتباط سازنده و سالم غالب شده است، محیط‌های سالم و کم‌تنشی در خانواده‌ها برقرار می‌شود و فرزندان که از سلامت روانی برخوردارند به جامعه عرضه می‌شود و در نهایت فضای جامعه نیز کم‌تنش خواهد شد و سلامت خانواده سلامت جامعه را بیشتر تضمین خواهد کرد.

### پیشنهادها:

۱- وقتی سری به دادگاه‌ها و مراکز مشاوره بزنیم، با توجه به جوان بودن مواردی که طلاق درمورد آنها انجام شده است، لزوم آموزش قبل از ازدواج به عنوان یک عامل کارساز پیشنهاد می‌گردد. این آموزش لازم است حداقل به مدت ۳-۶ ماه تنظیم و شرکت داوطلبان در ازدواج در آنها اجباری شود. این روند هم‌اکنون در بعضی از کشورها در حال انجام می‌باشد. وسایل ارتباط جمعی مخصوصاً تلویزیون می‌تواند نقش مهمی در این مورد داشته باشند. واحدهای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی سازمان بهزیستی کشور و واحد بهداشت خانواده مراکز بهداشتی درمانی کل کشور، باید مسئولیت اصلی تنظیم و اجرای برنامه را برعهده داشته باشند.

۲- تسهیلات مشاوره‌ای موجود، لازم است به خانواده‌ها معرفی شوند تا در صورت بروز اختلاف، خانواده‌ها به این مراکز مراجعه نمایند و مورد بررسی‌های روان‌شناختی و روان‌پزشکی قرار گیرند و دادگاه‌ها تنها پس از مایوس شدن از بی‌اثر بودن اقدام‌های مشاوره‌ای روان‌شناختی و روان‌پزشکی وارد عمل شوند.

۳- اعتیاد به مواد مخدر، الکل و قمار به عنوان مجموعه‌ای از عوامل اصلی در آسیب‌های خانواده، جلب توجه می‌نمایند. لازم است در صورت بروز چنین مشکلی از طریق اقدام‌های مطرح شده در کتاب اقدام شود.

۴- به لحاظ رویکرد خانواده به سمت هم‌اندیشی و تفاهم در محیط خانواده و با توجه به اینکه بخشی از آلام موجود در چنین محیطی خود به خود تسکین پیدا خواهد کرد و معمولاً ناملايمات بیرونی یا اجتماعی نمی‌تواند محیط پر مهر خانواده و ارتباط سالم بین زوجین را برهم بزند. بنابراین می‌طلبند در بحث ازدواج روی سنخیت‌ها و همسان همسری بیشتر تلاش نمود<sup>۱</sup>.

۵- باتوجه به این که در ۱۰٪ موارد، تشخیص بیماری روانی همسر، عامل اقدام به طلاق بوده است معاینه روان پزشکی قبل از ازدواج در این مورد می‌تواند کارساز باشد.

بنابراین از مجموع مباحث می‌توان نتیجه گرفت که بهداشت و سلامت روان از یک سو یک مسئولیت فردی و از سوی دیگر یک موضوع عمده بهداشتی (جسمی، روانی، اجتماعی) است پس شامل کوشش مشترک کلیه بافت جامعه یعنی افراد، اجتماعات و دولت است که بایستی آن را حفظ و ارتقاء بدهند، مسئولان و متولیان باید به این نکته توجه کنند که ثبات و قوام جامعه در خیلی از مواقع به ثبات خانواده بستگی دارد و برای این منظور رعایت نکات اشاره شده، مهم و ضروری است.

و در آخر، سخن پایانی ما با شما زوج عزیز اینکته:  
روابط زناشویی یک قرارداد صرف نیست. زندگی در فضا و  
چارچوب اخلاقی و عاطفی خانه را با فضای قانونی و حقوقی به اشتباه  
نگیرید. شما «خاص» باشید و با آموزش و آگاهی به پیش بروید.

صمائم



## واژگان شناسی

**عسر و حرج:** به وجود آوردن وضعیتی که ادامه زندگی برای زوجه با سختی رو به رو شود.

**علقه:** عقد کردن پیوند، زوجیت

**نحله:** پرداخت مهریه توسط شوهر (چیزی که زمان عقد مشخص شده است) یا مالی که توسط شوهر به زن داده میشود.

**آمره بودن:** افراد نتوانند بر خلاف قانون عمل کنند.

**خصاء:** عیبی از مرد، اخته بودن مرد.

**عنن:** ناتوانی ارتباط جنسی مرد

**مقنن:** قانون گذاری

**عقود:** (جمع) عقد

**زوج ممتنع:** زوج امتناع کننده

**منوط:** شرط شده

**معاضدت:** کمک کردن زن، یاری رساندن

**طلاق رجعی:** مرد می تواند به زن رجوع کند در زمان عده بدون اینکه صیغه ای خوانده شود.

**مدت بالنسبه:** مدتی که دو طرف بر آن توافق کرده باشند.

**تعزیر:** تخلف از نظامات حکومتی و دولتی که میزان مشخص نشده است.

**حد:** میزان کیفیت، چیزی که شرع مشخص کرده است.

**نص شرط:** دو نفر با هم شرط کرده باشند.

**اجرت المثل:** دستمزدی که زن بابت کارهایی که در خانه انجام

می دهد از شوهرش دریافت کند و زن وظیفه ای برای کار نداشته باشد.

**تمکین:** زنی در هر حال و در هر لحظه خود را بر شوهر عرضه

کند مگر مواردی که قانون او را معذور کرده باشد.

**استنکاف:** خودداری کردن زن از (مثلاً خودداری کردن زن از وظیفه

زناشویی بدون عذر موجه).

**طلاق بائن:** طلاق است که برای رجوع به یکدیگر نیازمند به صیغه

جدید است.

**مدخلیت:** دخالت کردن

**مصرّحه:** صریح شده، تصریح شد.

**بلامرّج:** چیزی که برتری ندارد.

بذل فدیة: بخشش مهریه.

عقد منقطع: عقد موقت.

تفسیر مضیق: تفسیری که به نفع یکی از زوجین باشد.

فوریت خیار تدلیس: یکی از زوجین مساله ای را دارا باشد و به

طرف مقابل نگوید یعنی فریب دادن، فرد مقابل این امکان را دارد که

قرارداد عقد را برهم زند.

### معرفی سایتهای حقوقی برای کسب اطلاعات بیشتر:

عنوانین	آدرس سایت
قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران	<a href="http://www.dadiran.ir/">http://www.dadiran.ir/</a>
دادگستری کل استان تهران	<a href="http://www.dadgostary-tehran.ir/">http://www.dadgostary-tehran.ir/</a>
پورتال دادگستری استانها	<a href="http://www.dadiran.ir/Default.aspx?tabid=۸۷">http://www.dadiran.ir/Default.aspx?tabid=۸۷</a>
دفتر امور بین الملل قوه قضائیه	<a href="http://www.bia-judiciary.ir/">http://www.bia-judiciary.ir/</a>
معاونت حقوقی و توسعه قضائی	<a href="http://www.judiciary-de.ir/">http://www.judiciary-de.ir/</a>
معاونت آموزش قوه قضائیه	<a href="http://www.law-training.ir/">http://www.law-training.ir/</a>
اداره کل امور اجرایی و فنی مهندسی حوزه ریاست قوه قضائیه	<a href="http://www.ekoef.ir/">http://www.ekoef.ir/</a>
دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری	<a href="http://www.fjs.ac.ir/">http://www.fjs.ac.ir/</a>
دانشگاه جامع علمی کاربردی قوه قضائیه	<a href="http://un.lawtraining.ir/">http://un.lawtraining.ir/</a>
دانشگاه جامع علمی کاربردی دادگستری استان قم	<a href="http://www.dadkar.ir/">http://www.dadkar.ir/</a>
پورتال دانشگاه جامع علمی کاربردی کشور	<a href="http://www.uast.ac.ir/">http://www.uast.ac.ir/</a>

<a href="http://www.qomuast.ac.ir/">http://www.qomuast.ac.ir/</a>	دانشگاه جامع علمی-کاربردی واحد استان قم
<a href="http://molaghat.com/">http://molaghat.com/</a>	اداره کل نظارت و پیگیری قوه قضائیه
<a href="http://www.divanealee.ir/">http://www.divanealee.ir/</a>	دیوان عالی کشور
<a href="http://www.dadsetani.ir/">http://www.dadsetani.ir/</a>	دادستانی کل کشور
<a href="http://www.divan-edalat.ir/">http://www.divan-edalat.ir/</a>	دیوان عدالت اداری
<a href="http://www.prisons.ir/">http://www.prisons.ir/</a>	سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور
<a href="http://www.sabt.gov.ir/">http://www.sabt.gov.ir/</a>	سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
<a href="http://www.imj.ir/">http://www.imj.ir/</a>	سازمان قضائی نیروهای مسلح
<a href="http://www.lmo.ir/">http://www.lmo.ir/</a>	سازمان پزشکی قانونی کل کشور
<a href="http://www.dadsara.ir/">http://www.dadsara.ir/</a>	دادسرای عمومی و انقلاب تهران
<a href="http://www.iranbar.org/">http://www.iranbar.org/</a>	اتحادیه کانونهای وکلای دادگستری ایران
<a href="http://www.scioe.org/">http://www.scioe.org/</a>	شورای عالی کارشناسان رسمی دادگستری
<a href="http://www.judiciarybar.ir/">http://www.judiciarybar.ir/</a>	مرکز امور مشاوران حقوقی، وکلا و کارشناسان قوه قضائیه
<a href="http://www.karshenasan.ir/">http://www.karshenasan.ir/</a>	کانون کارشناسان رسمی دادگستری تهران

<a href="http://www.notary.ir/">http://www.notary.ir/</a>	کانون سردفتران و دفتریاران اسناد رسمی
<a href="http://www.justice.ir/">http://www.justice.ir/</a>	وزارت دادگستری جمهوری اسلامی ایران
<a href="http://epe.ir/">http://epe.ir/</a>	ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز
<a href="http://www.tazirat.gov.ir/">http://www.tazirat.gov.ir/</a>	سازمان تعزیرات حکومتی
<a href="http://www.shoradad.ir/">http://www.shoradad.ir/</a>	مرکز شوراهای حل اختلاف
<a href="http://www.aafaagh.ir/">http://www.aafaagh.ir/</a>	اداره کل اجتماعی و فرهنگی قوه قضائیه
<a href="http://www.ipro.ir/">http://www.ipro.ir/</a>	ستاد مردمی رسیدگی به امور دیه و کمک به زندانیان نیازمند
<a href="http://www.moshaver۱۲۹.ir/">http://www.moshaver۱۲۹.ir/</a>	مرکز ارتباطات مردمی قوه قضائیه
<a href="http://www.ghavanin.ir/">http://www.ghavanin.ir/</a>	بانک اطلاعات قوانین و مقررات دادگستری تهران
<a href="http://www.rooznamehrasmi.ir/">http://www.rooznamehrasmi.ir/</a>	روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
<a href="http://www.maavanews.ir/">http://www.maavanews.ir/</a>	روزنامه ماوی (نشریه داخلی قوه قضائیه)
<a href="http://www.sdil.org/">http://www.sdil.org/</a>	موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش
<a href="http://lp.atu.ac.ir/portal_law/portail.htm">http://lp.atu.ac.ir/portal_law/portail.htm</a>	راهنمای منابع حقوقی اینترنتی (دانشگاه علامه)

	طباطبایی
<a href="http://www.majdpub.com/">http://www.majdpub.com/</a>	مجمع علمی فرهنگی مجد
<a href="http://www.hemayat.net/">http://www.hemayat.net/</a>	روزنامه حمایت
<a href="http://www.dastour.ir/">http://www.dastour.ir/</a>	پایگاه قوانین و مقررات کشور (سایت دستور)
<a href="http://www.magiran.com/maginfo.asp?mgID=۱۲۸۳">http://www.magiran.com/maginfo.asp?mgID=۱۲۸۳</a>	مجله حقوقی دادگستری
<a href="http://www.dadkhahi.net/wiki/index.php/">http://www.dadkhahi.net/wiki/index.php/</a>	دانشنامه آزاد حقوقی
<a href="http://www.hoqooq.com/">http://www.hoqooq.com/</a>	شبکه حقوق
<a href="http://www.vekalat.org/">http://www.vekalat.org/</a>	سایت وکالت
<a href="http://www.haghgostar.ir/">http://www.haghgostar.ir/</a>	مؤسسه حق گستر
<a href="http://www.dadkhahi.net/">http://www.dadkhahi.net/</a>	سایت حقوقی دادخواهی
<a href="http://www.magiran.com/">http://www.magiran.com/</a>	بانک اطلاعات نشریات کشور
<a href="http://www.farsiebook.com/">http://www.farsiebook.com/</a>	کتابخانه مجازی قفسه
<a href="http://rahemaghsoud.ir/">http://rahemaghsoud.ir/</a>	سایت حقوقی راه مقصود



## فهرست منابع

۱. قرآن کریم

۲. منادی، مرتضی. جامعه شناسی خانواده؛ تهران، دانه ۱۳۸۵

۳. اسدی، لیلا سادات؛ مقاله «حق زوج بر منع اشتغال زوجه».

فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال سیزدهم، شماره ۵۱، روابط

عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، بهار ۱۳۹۰

۴. آذری جوزان، ابوالفضل. پایان نامه «آثار حقوقی شروط ضمن

عقد نکاح»، تابستان ۱۳۸۸.

۵. ویشته، عباس. مقاله «نگاهی حقوقی به تامین نفقه در پیشگیری

از طلاق». فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال یازدهم، شماره ۴۳،

روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، بهار ۱۳۸۸

۶. شکری، فریده. مومن، رقیه سادات. مقاله «نقش قاعده لاضرر در

حق خودداری زن از تمکین خاص». فصلنامه مطالعات راهبردی زنان،  
سال سیزدهم، شماره ۵۱، روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان،  
بهار ۱۳۹۰

۷. کرمی، محمد تقی. سجادی امین، مهدی. مقاله «نقد و بررسی ماده  
۲۳ لایحه حمایت از خانواده». فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال  
یازدهم، شماره ۴۸، روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان،  
تابستان ۱۳۸۹

۸. حاجی علی، فریبا. ریاضت، زینب. مقاله «نقش رویه قضایی در  
اجرای مفاد ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی». فصلنامه مطالعات راهبردی زنان،  
سال سیزدهم، شماره ۵۱، روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان،  
بهار ۱۳۹۰

۹. کرباسچیان، فرزانه. پایان نامه «بررسی میزان آگاهی زنان از خود  
نقش‌ها، وظایف و حقوق خود و ارتباط این آگاهی با تحصیلات»  
۱۳۸۲.

۱۰. قاضی زاده، کاظم. شاه جعفری، حوراء. مقاله «مبنا و ماهیت  
حقوقی نفقه زوجه در قرآن» فصلنامه بانوان شیعه. سال ششم. شماره ۲۰،  
تابستان ۱۳۸۸

۱۱. کاتوزیان - دکتر ناصر - قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی -

نشر میزان - چاپ هشتم - پاییز ۸۲

۱۲. صفایی - اسدا... و امامی - حسن - حقوق خانواده - ناشر

دانشگاه تهران - چاپ هشتم.

۱۳. دکتر علیرضا یزدانیان. آثار تمکین خاص از منظر حقوق مدنی،

کنگره خانواده و سلامت جنسی.

۱۴. جعفری لنگرودی. دکتر محمدجعفر. حقوق خانواده. چاپ ۲،

۱۳۷۶ انتشارات گنج دانش.

۱۵. دیانی. دکتر عبدالرسول. حقوق خانواده. ازدواج و انحلال آن.

چاپ ۱، ۱۳۷۹ انتشارات امید دانش.

۱۶. استون. دکتر هانا، استون. دکتر ابراهام. راهنمای کامل ازدواج و

زناشویی. ترجمه: بهزاد رحمتی. چاپ ۲، ۱۳۷۶ انتشارات ارو

۱۷. صفائی. دکتر سید حسین. امامی. دکتر اسدا... حقوق خانواده.

چاپ ۴. ۱۳۷۴، انتشارات دانشگاه تهران. جلد ۱.

۱۸. کاتوزیان. دکتر ناصر. حقوق مدنی. خانواده. چاپ ۴. ۱۳۷۵

شرکت انتشار. جلد ۱.

۱۹. مطهری. احمد. تأمین رابطه جنسی. چاپ ۱. بی تا. انتشارات

دارالتبلیغ الاسلامی

۲۰. یزدانیان، علیرضا. مقاله «آثار تمکین خاص از منظر حقوق

مدنی»، چکیده مقالات کنگره خانواده و سلامت جنسی، ۱۳۸۸.

۲۱. مستقیمی، مهدیه سادات. مقاله «ارتباط معنایی آیات در مسئله

طلاق» فصلنامه «مطالعات راهبردی زنان». سال یازدهم، شماره ۴۳،

روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، بهار ۱۳۸۸

۲۲. کریمی، علی. ازدواج موفق در فرهنگ ایرانی. تهران. دانش: :

۱۳۸۸

۲۳. امینی، سیمین. پایان نامه «بررسی جامعه شناختی اثر برخی از عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر آگاهی حقوقی زنان ۱۸ تا ۶۴ ساله در مورد حقوق زوجیت در شهر تهران». تابستان: ۱۳۸۳

- چکیده مقالات کنگره خانواده و سلامت جنسی، ۱۳۸۸